



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عزیزان  
علیهم الصلوات  
والتحیات

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# چرا باران نمی بارد

مجلسین عظیمی کپورتی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# چرا باران نمی بارد

نویسنده:

مجتبی عطایی کچوئی

ناشر چاپی:

مolf

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۰	چرا باران نمی بارد
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اهداء می کنم
۱۴	فهرست مطالب
۲۰	مقدمه
۲۴	فصل اول
۲۴	اشاره
۲۵	باران چگونه بوجود می آید؟
۲۵	اشاره
۲۶	دلیل مطلب
۳۱	باران فرشته ای به نام اسماعیل دارد
۳۲	مأمور نزول و نگهداری باران
۳۳	فرشته های ابر نما
۳۴	باد علت بارش باران
۴۰	جریان خلقت زمین؛ آب و باران؛ باد و آتش
۴۵	نقش پدیده های جوی در زمین
۴۶	رعد و برق و ابر
۴۷	ابرها غربال هستند
۴۷	اشاره
۴۸	تسبیح رعد
۴۸	آیا بارن کم ویا زیاد می شود
۵۰	تعداد قطرات باران چقدر است
۵۲	آگاهی از زمان بارش فقط نزد خداست

۵۳	باران برای هفت نفر می بارد
۵۴	فصل دوم
۵۴	اشاره
۵۵	باران؛ نعمت یا نعمت
۵۶	۱. امکانات مالی وسیله عذاب
۵۷	۲. امتحان الهی
۵۸	۳. استدراج
۵۸	اشاره
۶۰	سخن حضرت زینب پیرامون استدراج
۶۱	۴. هر که در این بزم مقرب تر است جام بلا بیشترش می دهند
۶۲	تسلیت نامه امام صادق (علیه السلام)
۷۲	فصل سوم
۷۲	اشاره
۷۳	چرا باران نمی بارد
۷۴	انجام گناه
۷۷	ظلم و ستم و دروغگویی حاکمان و کارگزاران نا لایق
۷۹	بی اعتقادی نسبت به سرمایه وحی و ائمه
۸۵	بی احترامی به مهمان
۸۶	نفوذ عقائد خرافی
۸۶	اعتراض به مقدرات خدا
۸۷	نمادی و سخن چینی
۹۱	قضاوت نابجا، شهادت نا بجا، کتمان شهادت و ظلم
۹۱	اشاره
۹۲	نمونه ای از قضاوت نا بجا
۹۶	قضاوت قاضی
۹۸	امتحان الهی

- ۹۹ ..... کم فروشی
- ۱۰۰ ..... خشم خداوند
- ۱۰۳ ..... زکات ندادن
- ۱۰۵ ..... بغض حضرت علی (علیه السلام)
- ۱۰۶ ..... فصل چهارم
- ۱۰۶ ..... اشاره
- ۱۰۷ ..... چه کار کنیم تا باران ببارد
- ۱۰۸ ..... خواندن نماز
- ۱۰۹ ..... زکات اموال را بپردازیم.
- ۱۰۹ ..... اشاره
- ۱۱۰ ..... امام سجاد و ربط زکات به باران
- ۱۱۰ ..... اثر زکات دادن
- ۱۱۳ ..... محبوب خدا شدن
- ۱۱۶ ..... موعظه حضرت عیسی و محبوب شدن نزد خدا
- ۱۱۹ ..... دعا کردن
- ۱۱۹ ..... اشاره
- ۱۲۱ ..... اگر ابری را در آسمان دیدی بگو:
- ۱۲۲ ..... هنگام وزش باد بگو:
- ۱۲۲ ..... دعا برای نجات از ضرر باران
- ۱۲۶ ..... دعا برای وقتی که آب برای مسافر نایاب شود
- ۱۲۷ ..... استغفار کنیم
- ۱۲۷ ..... اشاره
- ۱۲۸ ..... امام صادق و استغفار
- ۱۳۰ ..... توسل به پیامبر و ائمه اطهار و امام زمان (علیهم السلام)
- ۱۳۰ ..... اشاره
- ۱۳۰ ..... تأثیر وجود ائمه و انبیاء در نزول باران

- ۱۳۲ ----- معجزه باران از خاتم پیغمبران (صلی الله علیه و آله و سلم) -----
- ۱۳۵ ----- داستان حضرت ادریس (علیه السلام) -----
- ۱۴۷ ----- نگهداری مرغ و خروس و کبوتر -----
- ۱۴۷ ----- اشاره -----
- ۱۵۰ ----- آهو و باران -----
- ۱۵۱ ----- حضرت سلیمان و دعای مورچه برای باران -----
- ۱۵۳ ----- توکل به خدا -----
- ۱۵۳ ----- فرمانبرداری خدا -----
- ۱۵۴ ----- به تدبیر الهی راضی باشیم -----
- ۱۵۴ ----- اشاره -----
- ۱۵۵ ----- آیا هر موقعی ما باران خواستیم باید ببارد -----
- ۱۵۶ ----- یقین به خدا -----
- ۱۵۸ ----- تلاوت قرآن -----
- ۱۵۹ ----- گرمی داشتن نان -----
- ۱۶۲ ----- زمین ها را آماده کشت کنیم -----
- ۱۶۴ ----- کمک به بردران دینی -----
- ۱۶۹ ----- مهمان نوازی -----
- ۱۷۰ ----- فصل پنجم -----
- ۱۷۰ ----- اشاره -----
- ۱۷۱ ----- ریشه نماز استسقاء -----
- ۱۷۳ ----- زمان خواندن نماز باران -----
- ۱۷۳ ----- اشاره -----
- ۱۷۵ ----- امام صادق (علیه السلام) و روز دوشنبه برای طلب باران -----
- ۱۷۶ ----- مکان نماز باران -----
- ۱۷۷ ----- چگونه نماز باران بخوانیم -----
- ۱۷۸ ----- طریقه خواندن نماز استسقاء و امام صادق (علیه السلام) -----



۱۸۰	آداب نماز استسقاء
۱۸۰	خضوع و خشوع:
۱۸۰	استغفار و توبه:
۱۸۲	احکام خواندن نماز باران
۱۸۶	چگونه دعا کنیم و چه باید بخواهیم
۱۸۶	اشاره
۱۹۹	نماز باران آیه الله سید محمد تقی خوانساری (رحمة الله عليه)
۲۱۰	فصل ششم
۲۱۰	اشاره
۲۱۲	زمان استجابت دعا
۲۱۴	انواع باران
۲۱۷	باران به صورت قطره ای و پی در پی مفید است
۲۱۹	نشانه قدرت خدا در رابطه باران و نمک
۲۲۱	زمین از باران سیر نمی شود
۲۲۲	فضیلت آب باران نیشان و کیفیت گرفتن و نوشیدن آن
۲۲۸	زمان باران نیشان
۲۲۹	منابع
۲۳۸	درباره مرکز

## چرا باران نمی بارد

### مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: چرا باران نمی بارد/ مجتبی عطایی کچوئی.

مشخصات نشر: اصفهان: مجتبی عطائی کچوئی، 1397.

مشخصات ظاهری: 228 ص.؛ 14/5 × 21/5 س م.

شابک: 150000 ریال: 8-1869-00-622-978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه

موضوع: باران و بارندگی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: Rain and rainfall -- Religious aspects -- Islam

موضوع: باران و بارندگی -- جنبه های قرآنی

موضوع: Rain and rainfall -- Qur'anic teaching

رده بندی کنگره: 6ع/BP230/155 چ 4 1397

رده بندی دیویی: 297/372

شماره کتابشناسی ملی: 5549145

ویراستار دیجیتالی: محمد منصوری

ص: 1

اهداء می کنم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به تو ای یوسف زهراء مهدی جان

چرا که می دانم تو می آیی و خوب می دانم که روزی از همین دریچه که سال ها ست بسته

مانده است، جوانه ای خواهد روید

با جوانه ای سبز که از خیال همیشه منتظر من به سمت آسمان های آبی حضور تو سر بر خواهد آورد.

پس ای آقا! نیم نگاهی !!!

به نام یگانه هستی بخش

این کتاب شریف در مرحله چاپ اول با اهداف ترویج آموزه های جاودانی اسلام و سیره آسمانی ائمه اطهار A و به یاد بود چهره ماندگار معرفت و اخلاق اسلامی مرحوم مغفور آقای حسن منصوری که خود از نمونه های پیروی از دستورات انسان ساز آیین تشیع و مصداق گفتار و عمل صالح و پیشگامی در امور خیر بود چاپ گردید. امید است مطالعه این کتاب و عمل به دستورات نورانی مندرج در آن، رحمت و غفران الهی را بر روح پیشگامان اخلاق و ادب اسلامی، نازل و ما را در جمله ادامه دهندگان راه و روح حیات بخش ایشان قرار دهد. دنوشته علی منصوری زمان آبادی

ص: 2

چرا باران نمی بارد

مجتبی عطائی کچوئی

ص: 3

عنوان و نام پدیدآور: چرا باران نمی بارد/ مجتبی عطایی کچوئی.

مشخصات نشر: اصفهان: مجتبی عطایی کچوئی، 1397.

مشخصات ظاهری: 228 ص.؛ 14/5 × 21/5 س م.

شابک: 150000 ریال: 8-1869-00-622-978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه

موضوع: باران و بارندگی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

Rain and rainfall -- Religious aspects -- Islam: موضوع

موضوع: باران و بارندگی -- جنبه های قرآنی

Rain and rainfall -- Qur'anic teaching: موضوع

رده بندی کنگره: 6ع/BP230/155 چ 4 1397

رده بندی دیویی: 297/372

شماره کتابشناسی ملی: 5549145

ویراستار دیجیتال: محمد منصوری

ص: 4

1..... مقدمه

فصل اول

6..... باران چگونه بوجود می آید.....

12..... باران فرشته ای به نام اسماعیل دارد.....

13..... مأمور نزول و نگهداری باران.....

14..... فرشته های ابر نما.....

15..... باد علت بارش باران.....

21..... جریان خلقت زمین ، آب و باران ، باد و آتش.....

26..... نقش پدیده های جوی در زمین.....

27..... رعد و برق و ابر.....

28..... ابرها غربال هستند.....

29..... آیا باران کم یا زیاد می شود.....

31..... تعداد قطرات باران چقدر است.....

33..... آگاهی از زمان بارش فقط نزد خداست.....

34..... باران برای هفت نفر می بارد.....

- 36..... باران ؛ نعمت یا نعمت.....
- 37..... امکانات مالی وسیله عذاب.....
- 38..... امتحان الهی.....
- 39..... استدراج.....
- 41..... سخن حضرت زینب.....
- 42..... هرکه در این بزم مقرب تر است.....
- 44..... تسلیت نامه امام صادق (علیه السلام).....

- 54..... چرا باران نمی بارد.....
- 55..... انجام گناه.....
- 58..... ظلم و ستم و دروغگوئی حاکمان و کارگزاران نالایق.....
- 60..... بی اعتقادی نسبت به سرمایه وحی و ائمه.....
- 66..... بی احترامی به مهمان.....
- 67..... نفوذ عقائد خرافی.....
- 67..... اعتراض به مقدرات خدا.....
- 68..... تمامی و سخن چینی.....

قضاوت نابجا ، شهادت نابجا ، کتمان شهادت و ظلم.....72

نمونه ای از قضاوت نابجا.....73

قضاوت قاضی.....77

امتحان الهی.....79

کم فروشی.....80

خشم خداوند.....81

زکات ندادن.....84

بغض حضرت علی (علیه السلام).....86

#### فصل چهارم

چکار کنیم تا باران بیارد.....87

خواندن نماز.....89

زکات اموال را بپردازیم.....90

امام سجاد (علیه السلام) و ربط زکات به باران.....91

اثر زکات.....91

محبوب خدا شدن.....94

سخن امام سجاد (علیه السلام) و محبوبیت.....94

حضرت موسی (علیه السلام) و محبوبیت.....96

موعظه حضرت عیسی (علیه السلام) و محبوبیت.....97



- دعا کردن.....100
- اگر ابری را در آسمان دیدی بگو.....102
- هنگام وزش باد بگو.....103
- دعا برای نجات از ضرر باران.....103
- دعا برای وقتی که آب برای مسافر.....107
- استغفار کنیم.....108
- امام صادق (علیه السلام) و استغفار.....109
- توسل به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار و امام زمان (علیهم السلام).....111
- تأثیر وجود ائمه (علیهم السلام) و انبیاء در نزول باران.....112
- معجزه باران از خاتم پیغمبران (صلی الله علیه و آله و سلم).....113
- داستان حضرت ادریس.....116
- نگهداری مرغ و خروس و کبوتر.....129
- آهو و باران.....131
- حضرت سلیمان و دعا مورچه برای باران.....132
- توکل به خدا.....134
- فرمانبرداری خدا.....134
- به تدبیر الهی راضی باشیم.....135

آیا هر موقعی ما باران خواستیم باید ..... 136

یقین به خدا..... 137

تلاوت قرآن..... 139

گرامی داشتن نان..... 140

زمین ها را آماده کشت کنیم..... 143

کمک به برادران دینی..... 145

مهمان نوازی..... 150

### فصل پنجم

ریشه نماز و استسقاء..... 152

زمان خواندن نماز باران..... 154

امام صادق (علیه السلام) و روز دوشنبه..... 156

مکان نماز باران..... 157

چگونه نماز باران بخوانیم..... 158

طریقه خواندن نماز استسقاء و امام صادق..... 159

آداب نماز استسقاء..... 161

خضوع و خشوع..... 161

استغفار و توبه..... 161

احکام خواندن نماز باران..... 163

چگونه دعا کنیم و چه بخواهیم.....167

دعا هنگام وزش باد ، رعد و برق .....168

طریقه دعای امام علی (علیه السلام).....169

دعای باران توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم).....173

دعای امام سجاد (علیه السلام) برای باران.....173

خطبه حضرت علی (علیه السلام) پیرامون باران.....176

نماز باران آیه الله خوانساری (رحمة الله علیه) .....180

## فصل ششم

آگاهی از زمان بارش مخصوص خداست.....192

زمان استجابت دعا.....193

انواع باران.....195

باران به صورت قطره ای و پی در پی مفید است.....198

نشانه قدرت خدا در رابطه باران و نمک.....200

زمین از باران سیر نمی شود.....202

باران و برداشتن کام نوزاد.....202

فضیلت آب باران ، نیشان و کیفیت گرفتن.....203

زمان بارش باران نیشان.....209

منابع.....210

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (1)

«در آفرینش آسمان ها و زمین، و در آمد و شد شب و روز، در کشتیهایی که در دریا می روند و مایه سود مردمند، و در بارانی که خدا از آسمان فرو می فرستد تا زمین مرده را بدان زنده سازد و جنبندگان را در آن پراکنده کند. و در حرکت بادهای ابرهای مسخر میان زمین و آسمان برای خردمندانی که در می یابند نشانه هاست.»

مقدمتاً باید به این نکته توجه داشت که: همه جا «نظم و انسجام» دلیل بر وجود علم و دانش است و همه جا «هماهنگی» دلیل بر وحدت و یگانگی است. روی این اصل، ما به هنگام برخورد به مظاهر نظم در جهان هستی از یکسو و هماهنگی و وحدت عمل این دستگاههای منظم از سوی دیگر، متوجه مبدأ علم و قدرت یگانه و یکتایی می شویم که همه آوازه ها از اوست.

من جمله این هماهنگی ها و وحدت می توان از موارد زیر نام برد:

1- آفرینش آسمان و زمین

ص: 1

1- سوره بقره آیه 164

امروزه دانشمندان به ما می گویند : هزاران هزار کهکشان در عالم بالا وجود دارد که منظومه ما یکی از این کهکشان هاست.

2-آمدو شد، شب وروز و روشنایی و تاریکی با آن نظم خاص و تدریجی اش که باعث بوجود آمدن فصول چهار گانه می شود

3- کشتیهایی که، در دریاها به سود مردم، به حرکت در می آیند و سبب سود آوری می شوند.

4-حرکت دادن و وزش منظم بادهای، که باعث حرکت کشتی ها، بلکه گاهی گرده های نر را بر قسمت های ماده گیاهان می افشانند و با تلقیح و باروری آنها کمک می کنند، بذرها را می گستراند و میوه ها را به ما هدیه می کند. و زمانی با جابه جا کردن هوای مسموم و فاقد اکسیژن شهرها به بیابانها و جنگلها، وسائل تصفیه و تهویه را برای بشر، فراهم می سازد.

5- ابرهایی که در میان زمین و آسمان معلق هستند.

این ابرهای متراکم که بالای سر ما در گردشند ! و میلیاردها تن آب را بر خلاف قانون جاذبه در میان زمین و آسمان، معلق نگاه داشته اند ! خود نشانه ای از عظمت ذات باری تعالی است.

6- آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده و به وسیله آن زمینهای مرده را، زنده کرده و انواع جنبنندگان در آن گسترده است. دانه های حیاتبخش باران

ص: 2

و قطرات پر طراوت و بابرکت که با نظام خاصی ریزش می کند و آن همه موجودات و جنبندگانی که از این مایع بی جان؛ جان؛ می گیرند. در حکمت نزول باران می بایست تأمل بسیار نمود، بانزول باران زمین زنده می شود، دشتهای و دامنه کوه ها کشتزار می گردد. و غله فراوان به بار می نشیند.

از طرفی نزول باران دشواری، انتقال آب از جایی دیگر را، از دوش مردم برداشته است و همچنین دعوا و درگیری و مشاجره و ستم پیش نمی آید.

چه زیبا تدبیر بر آن قرار گرفت که، باران از بالا بر زمین سرازیر شود؛ اندک اندک و دانه دانه؛ فرو ریزد تا در زمین نیز فرورود و آن را سیراب سازد. و حال آنکه اگر به یکباره بر زمین می ریخت! در زمین نفوذ نمی کرد و کشتزارهای روینده و ایستاده را نابود می کرد.

همه اینها! پیام آور قدرت و عظمت و ذات پاک ذات اقدس احدیت (جل جلاله) هستند؛ برای مردمی که عقل و هوش دارند و می اندیشند! و نه برای بی خردان و بی خبران سبک مغز و چشم داران بی بصیرت و گوش داران کر؛ چرا که اینها برای موضوعات بی ارزش دعوای می کنند و ناسزاهای می گویند، در حالی که ارزش باران! از تمام طلاها و نقره های زمین افزون تر است و خیر مردم، در این موضوع است. اما چه سود که آنها از شناخت نعمت های بزرگ محروم شده اند.

مجتبی عطائی کچوئی

شب 21 ماه مبارک رمضان. سال 1439 ه. ق

اصفهان. مصادف با 15 خرداد. سال 1397

ص: 3



## فصل اول

### اشاره

چگونه باران تشکیل می شود.

باد علت بارش باران

جریان خلقت زمین؛ آب و باران؛ باد و آتش

اسماعیل فرشته باران

تسبیح رعد

باران کم یا زیاد نمی شود.

تعداد قطرات باران

ص: 5



پیرامون تشکیل باران و نحوه باریدن آن، نظرات مختلفی وجود دارد:

½ عده ای معتقدند که : باران فقط از آسمان است.

½ عده ای معتقدند که : باران فقط از بخار آب در زمین، به وجود می آید.

آنهایی که معتقدند: باران فقط از آسمان است، ایراداتی به فائیلین نظریه دوم می گیرند و آن را رد می کنند.

بعضی از آن عبارت است از :

1- طبق نظر آنها، باید باران در سردترین زمان ببارد؛ در حالی که گاهی وسط تابستان؛ باران می آید و این گفتارشان را باطل می سازد.

2- اینکه گاهی بخارهای آب وقتی بالا رفت و پراکنده گشت از آن قطرات آب به وجود نمی آید.

3- اینکه اگر باران از بالا رفتن بخارهای آب پدید می آید باید پیوسته بردریاها باران ببارد! چون بالای دریاها، همیشه بخار آب وجود دارد. و

چون چنین نیست، می فهمیم که

گفتارشان باطل است. اما حق مطلب طبق آموزه های دینی این است که باران به دو صورت ایجاد می شود: هم از بخار شدن آب ها در زمین و هم از آسمان و به امر خدا است.

## دلیل مطلب

طبق آیات و روایات ذیل برای ما معلوم می شود که: باران هم از آسمان است و هم از زمین است.

\* خداوند در چند جای قرآن می فرماید:

« وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً » (1)

و ما باران را از آسمان نازل کردیم.

خداوند تبارک و تعالی در این آیه، اشاره به این مطلب می کند که باران از آسمان می بارد.

اگر چه می شود این مطلب را اینگونه مطرح کرد که: خداوند باران را از آسمان فرو می ریزد و نه به صورت عرض زمین (2)؛ ولی با توجه به روایاتی که در ادامه مطلب آورده می شود؛ این مطلب که باران از

ص: 7

---

1- [1] سوره مؤمنون آیه 18 و سوره لقمان آیه 10 و سوره فرقان آیه 48

2- چرا که اگر به صورت عرض زمین می بارید، باران به همه زمین ها نمی رسید و به صورت یکنواخت نمی شد.

آسمان و از دریای زیر عرش الهی و به دستور خدا است. بیشتر جلب توجه می کند.

امام محمدباقر (علیه السلام) می فرماید که : شیوه امام علی (علیه السلام) این بود که: در زیر نخستین باران سال (1)

می ایستاد. تا سر و ریش و جامه اش تر می شد، به او گفته می شد، الکنّ، الکنّ، (2)

می فرمودند: این آبی است که تازه از عرش آمده، سپس شروع می کردند به گفتن حدیث، می فرمودند: به راستی که زیر عرش الهی دریائی است و در آن آبی که رزق و روزی جانوران از آن می روید، و چون خدا خواهد برای آنها از رحمت خود برویاند، خدا وحی فرستد و بیارد از آن هر چه خواهد لذا این مقدار آب جدا شده از آن دریا پایین می آید از آسمان بالاتر به آسمان پایین تر تا برسد به آسمان دنیا و آن را به ابر تبدیل می کند و ابر مثل غربال است. سپس خدا به او وحی کند که آن را بفشار و آب کن مانند نمک در آب و آن را در فلان جا ببر

ص: 8

---

1- و شاید وقتی باران می بارید ابتدای باران این کار را انجام می دادند.

2- الکنّ به فتح کاف به معنای واداشتن است.

\* یکباره یا چند باره و ببارد بر آنها آن چنان که خدا دستور فرماید، و قطره ای نبارد جز اینکه با آن فرشته ایست تا آن را بجای خود رساند. و از آسمان قطره ای فرو نریزد جز به شماره و وزن معین جز آنچه در زمان طوفان عهد نوح (علیه السلام) بارید که در آن بارانی سیل آسایی شماره وبدون حساب وزن بارید. (1)

از این بیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) معلوم می شود که باران از آسمان و به امر الهی است.

\* شیخ بهایی (رحمة الله علیه) در کتاب مفتاح الفلاح روایت کرده که: مأمون روزی برای شکار سوار شد و به یکی از کوچه های بغداد به دسته ای کودک رسید، همه کودکان ترسیدند و گریختند ولی یکی از آنها فرار نکرد و سر جای خود ماند.

مأمون پیش او آمد و گفت: چرا مانند بچه های دیگر نگریختی؟ گفت: چون راه تنگ نبود تا با رفتن خود آن را باز کنم، و گناهی نداشتم تا برای آن از تو ترسم پس چرا باید بگریزم؟

ص: 9

مأمون از سخنان او خوشش آمد.

مأمون حرکت کرد چون بیرون بغداد رسید بازش را فرستاد، و بزمین بازنگشت تا یک ماهی کوچکی را بانوک خودگرفت و آورد، مأمون از آن تعجب کرد، و از همان راه که رفته بود برگشت باز همه کودکان گریختند جز همان کودک که سر جای خود ایستاد.

مأمون آن ماهی را میان دست خود پنهان کرد و نزد او رفت و به او گفت: بگو بدانم میان دست من چیست؟

کودک در پاسخ او فرمود: راستش چون ابر از آب دریا درست می شود و ماهیان کوچک به درونش درآیند و از آن بیفتند و پادشاهان آن را شکار کنند و با آن نژاد نبوت را بیازمایند.

مأمون از غیب گفتن او ترسید.

به او گفت: تو کیستی؟ گفت محمد بن علی ابن موسی الرضا (علیهم السلام) هستم. [\(1\)](#)

از گفته امام هادی (علیه السلام) این مطلب معلوم می شود که ابر از بخار آب در زمین به وجود می آید.

ص: 10

دانشمندان فعلی نیز به این اعجاز و عظمت باری تعالی (جل جلاله) دست پیدا کرده اند. و با اندکی تفاوت در بیان؛ آنرا اینگونه تشریح می کنند:

وقتی هوای گرم به بالای آسمان صعود می کند، بخار آب را هم همراه خودش به بالا و به داخل آسمان می برد.

در بالای آسمان، بخار آب سرد می شود و قطره های آب دور ذرات ریز گرد و غبار موجود در هوا تشکیل می شود که قطرات آب سرد شده را جذب می کند.

قطرات به شکل کریستال های یخ منجمد می شود و کریستال های بزرگ تر را تشکیل می دهد که ما آنها را برف ریزه می نامیم.

موقعی که برف ریزه ها سنگین می شوند، پائین می افتند. برف ریزه ها در مسیرشان رو به پائین با هوای گرم تر برخورد می کنند و ذوب می شوند و به صورت قطرات باران در می آیند. (1)

حال که معلوم گردید باران هم از بخار آب و هم از دریای زیر عرش الهی تشکیل می شود؛ شایسته و بایسته است که ذهنها، معطوف به یک مطلب بسیار مهم شود و آن این است که:

{ در هر صورت باران به امر ذات اقدس احدیت (جل جلاله) می بارد. }

ص: 11

---

1- برگرفته از سایت ها اینترنتی

## باران فرشته ای به نام اسماعیل دارد

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در مسجد نشسته بودند، که ناگهان رنگشان تغییر کرد، برخاستند و به وسط مسجد آمدند مثل اینکه با کسی حرف می زنند، کمی مکث نمودند و برگشتند.

مردم گفتند: یا رسول الله! امروز حالتی در شما دیدیم که قبل از آن ندیده بودیم.

حضرت فرمودند: فرشته باران «اسماعیل» را دیدم که می خواهد عذاب نازل کند، ترسیدم که بر امت من باشد. لذا برخاستم و از او سؤال کردم که چه چیزی او را وادار به فرود آمدن کرده است؟

گفت: از خدا اذن خواستم که به شما سلام کنم، خدا نیز اذن داد.

پرسیدم: «آیا دستور نداری که باران بیاوری؟».

گفت: چرا، در فلان ماه و فلان روز و فلان ساعت.

منافقین در مجلس بودند فرمایش حضرت رایادداشت کردند تا آن روز رسید.

روز موعود فرا رسید، هوا خیلی گرم بود منافقین طعنه زدند که مثلاً چرا باران نیامد تا اینکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «یا علی! برو»

بین ابری در آسمان هست؟». علی (علیه السلام) بیرون آمدند. وبه اندازه زرهی، ابر در آسمان دیدند. اما چیزی نگذشت که ابر سیاهی، آسمان را گرفت و چنان بارید که مردم به ناله در آمدند. (1)

## مأمور نزول و نگهداری باران

علامه مجلسی از ابن سابط روایت آورده که گفت: در ام الکتابست آنچه شدنی است تا روز قیامت و بر آن سه فرشته گماشته اند که نگهداریش می کنند، جبرئیل گماشته وحی است که به پیغمبران فرود می آورد و گماشته هلاک است چون خدا خواهد قومی را هلاک کند مأمورش او است، و گماشته به یاری در نبردها است چون خدا خواهد یاری دهد، و میکائیل گماشته بر نزول باران و نگهداری آن وهمچنین زمین و گیاهان است. و ملک الموت گماشته بر جان گرفتن است. و چون دنیا تمام شود، محفوظات آنها را با متن ام الکتاب مقابله کند و با هم برابر یابد. (2)

ص: 13

- 
- 1- جلوه های اعجاز معصومین صفحه 72- بحار الانوار 18/115 حدیث 21
  - 2- آسمان و جهان- ترجمه کتاب السماء و العالم بحار جلد 1 صفحه 291



گفته شده است که « فرشته های ابر نما » وجود دارند.

این دسته از فرشته ها خازنان باران و حرکت دهنده های ابرند و چه بسا دنبال برف و سرما و قطره های بارانند و اگر جا بخواهند پیش از نزول جایشان در ابر است، و هم گماشته گان بر کوهها برای نگهداری و مصالح دیگر، و ساکنان در تاریکی ها برای راهنمایی مردم و نگهداری آنها می باشند. [\(1\)](#)

ص: 14

ابو بصیر گوید: از امام باقر (علیه السلام) از (حقیقت و کیفیت) بادهای چهارگانه شمال، جنوب، صبا(1)، و دبور(2)

پرسیدم و عرض کردم: که مردم گویند: باد شمال از بهشت است، و باد جنوب از دوزخ است؟

حضرت فرمودند: همانا برای خدای عز و جل لشکریانی از بادهای است که هر یک از بندگان معصیت کار خود را که بخواهد به وسیله آن عذاب کند، و بر هر بادی فرشته ای گماشته شده، و چون خدای عز و جل خواهد که مردمی را به نوعی از عذاب (خویش) عذاب کند، به وسیله آن فرشته ای که، بر آن نوع باد گماشته شده، وحی کند. و آن فرشته نیز به آن باد فرمان دهد و آن باد، مانند شیری خشمناک بر جهد.

فرمودند: و هر یک از این بادهای نامی دارند آیا نشنیده ای گفتار خدای تعالی (جل جلاله) را که می فرماید: «قوم عاد نیز (پیامبرشان را)

ص: 15

---

1- صَبَا یعنی بادی از طرف مشرق

2- دَبُور یعنی بادی از سمت باختر و مغرب

تکذیب کردند و چسان بود عذاب کردن و بیم دادن من، و طوفانی سخت در روز شومی سراسر (شوم) بر آنها فرستادیم»(1)

و نیز (در جای دیگر) «باد عقیم (و نازاد)» وزید. (2) و همچنین فرموده: «بادی که در آن عذابی الم انگیز بود.» (3)

و در جای دیگر فرمود «گردبادی آتش زا بدان رسید و بسوخت» (4) و همچنین بادهائی را که خداوند ذکر فرموده که به وسیله آنها نافرمانانش را عذاب کرده است.

سپس حضرت فرمودند: و خدای عز و جل را بادهای رحمتی است که آستن کننده است و بادهای دیگری دارد که آنها را از پیشگاه رحمت خویش گسترش داده و پهن می کند:

یک قسمت از آنها بادهائی است که ابرها را برای باران تحریک کند، قسمت دیگر بادهائی است که ابرها را میان آسمان و زمین نگاه دارند، و قسمت سوم بادهائی است که ابرها را بفشارد تا باذن خدا

ص: 16

---

1- سوره قمر آیه 18-19

2- سوره ذاریات آیه 41

3- سوره احقاف آیه 24

4- سوره بقره آیه 266

باران بریزند، و قسمت چهارم بادهائی است که آنها را در قرآن نام برده است.

و اما بادهای چهارگانه: شمال، جنوب، صبا، دبور

این چهار نام، نام فرشتگانی است که بر این بادهای گماشته شده اند. هرگاه خداوند اراده فرماید که: باد شمال بوزد به فرشته ای که نامش شمال است دستور دهد و آن فرشته به خانه کعبه فرود آید و بالای رکن شامی بایستد و بال خود را به هم زند در این وقت باد شمال به هر سو که خدا اراده فرموده از خشکی و دریا پراکنده شود، هرگاه خدا اراده کند که باد جنوب را بفرستد به فرشته ای که نامش جنوب است فرمان دهد و او به خانه کعبه فرود آید و بر رکن شامی بایستد و بال خود را به هم بزند، پس باد جنوب در خشکی و دریا و به هر جا که خدا خواهد بوزد.

هرگاه اراده فرماید که: باد صبا را بفرستد به فرشته ای که نامش صبا است دستور دهد تا بر خانه کعبه فرود آید و بر رکن شامی بایستد و بال خود را به هم زند پس باد صبا پراکنده شود در خشکی و دریا و به هر جا که خدای عز و جل خواهد بوزد.

ص: 17

هرگاه اراده فرماید که: باد دبور را بفرستد به فرشته ای که نامش دبور است دستور دهد و آن فرشته به خانه کعبه فرود آید و بر رکن شامی بایستد و بال زند پس باد دبور به هر جا که خدا خواهد در خشکی و دریا بوزد.

سپس امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

مگر نشیندی که گویند: باد شمال، و باد جنوب، و باد صبا، و باد دبور، و در همه آنها باد را به نام فرشته مأمور بدان نسبت می دهند. (1)

معروف بن خربوذ از امام باقر (علیه السلام) روایت می کند:

که آن حضرت فرمودند: همانا خدای عز و جل را بادهای رحمت و بادهای عذابی است، پس اگر خدا بخواهد عذاب بادهای رحمت گرداند می کند.

ولی هرگز! باد رحمت را عذاب نگرداند.

ص: 18

---

1- من لایحضره الفقیه جلد 2 صفحه 266- روضه کافی ترجمه رسولی محلاتی، جلد 1، ص 131- نهج البلاغه ترجمه شهیدی صفحه 449- شرح آقا جمال الدین خوانساری برغرر الحکم جلد 2 صفحه 425- نوادر راوندی ترجمه صادقی اردستانی صفحه 180

فرمودند: و این به خاطر آن است که تاکنون نشده است خداوند مردمی که فرمان برداریش کرده اند، را مورد رحمت خویش قرار دهد و آن فرمانبرداری موجب وبال و بدبختی آنها شده باشد. مگر پس از اینکه از فرمانبرداری او به یکسو رفته باشند.

امام فرمودند: و این چنین رفتار کرد با قوم یونس که چون ایمان آوردند خداوند مورد مهر خویش قرارشان داد پس از آنی که عذاب را بر ایشان مقرر و حکم فرموده بود، سپس به وسیله رحمتش وضع آنان را جبران فرمود و عذابی را که بر ایشان مقدر شده بود را به رحمت تبدیل نمود، و عذاب از آنان بگرداند در صورتی که عذاب را بر ایشان فرستاده بود و آنها را فرا گرفته بود، و این پس از آنی بود که به او ایمان آوردند و به درگاهش زاری کردند.

سپس امام فرمودند: و اما باد عقیم؛ باد عذابی است که! چون بوزد هیچ رَحْمی به واسطه آن بچه در خود نگه ندارد و هیچ گیاهی به وسیله آن گرد افشانی نگردد.

این باد عقیم از زیر هفت طبقه زمین بیرون آید، و تاکنون از زیر هفت طبقه زمین، بادی خارج نگشته، جز بر قوم عاد هنگامی که، خدا بر آنها خشم کرد و به نگهبانان آن باد، دستور داد که به اندازه گشادی

حلقه انگشتی از آن باد رها کنند و آن باد از روی خشمی که بر قوم عاد داشت از دستور نگهبانان سرپیچی کرد و به اندازه گشادی؛ سوراخ بینی گاوی؛ بیرون آمد. نگهبانان از این وضع به درگاه خدای عز و جل شیون و فریاد کرده و گفتند: پروردگارا باد، از دستور ما سرپیچی کرد. (و بیش از اندازه خارج شد) و ما بیم آن داریم، کسانی که نافرمانی تو نکرده و شهرهای تو را آباد می کنند را نابود کند!

امام فرمودند: پس خدای عز و جل جبرئیل (علیه السلام) را به سوی آن باد فرستاد و جبرئیل با دو بال خود جلوی آن را گرفت و به جایگاه اصلیش بازگرداند و به او دستور داد، به همان اندازه، که دستورش داده اند بیرون آید، و او نیز، به همان مقدار، بیرون آمد. و قوم عاد و هر که را با آنها بود نابود کرد. (1)

ص: 20

---

1- من لا یحضره الفقیه جلد 2 صفحه 266- روضه کافی ترجمه رسولی محلاتی، جلد 1، ص 131- نهج البلاغه ترجمه شهیدی صفحه 449- شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم جلد 2 صفحه 425- نوادر راوندی ترجمه صادقی اردستانی صفحه 180

## جریان خلقت زمین؛ آب و باران؛ باد و آتش

محمد بن عطیة گوید: مردی از دانشمندان اهل شام بنزد امام باقر (علیه السلام) آمده عرض کرد: ای ابا جعفر آمده ام مسأله ای از شما بپرسم که مرا درمانده کرده و کسی را پیدا نکردم که بتواند آن را برایم تفسیر و معنی کند. این سؤال را از سه گروه پرسیده ام و هر یک به نحوی پاسخ مرا داده است غیر از آنچه گروه دیگر پاسخ داده است.

امام (علیه السلام) فرمود: مسأله تو چیست؟

عرض کرد: پرسشم این است که نخستین چیزی را که خدا آفرید چه بود؟

از سه نفر پرسیده ام اولی در جواب گفت: «قدر» بوده است، دیگری گفت: «قلم» بوده است، سومی گفت «روح» بوده است.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: اینها (هیچ کدام) چیز درستی نگفته اند و من به تو خبر می دهم که همانا ابتداء خدای تبارک و تعالی بود و جز او چیزی وجود نداشت، و کسی نیز پیش از عزت او نبود (که عزت خدا مستند به او باشد) و این است معنای گفتارش: «منزه است



پروردگارت پروردگار عزت از آنچه (مشرکان) توصیفش کنند» (1)

و او آفریننده پیش از آفریده بود، و اگر نخستین چیزی را که از خلق خویش آفرید چیزی بود که از چیز دیگر گرفته بود هرگز دنباله اش قطع نمی شد و با این وضع پیوسته چیزی با خدا بود و هیچ گاه نمی شد که خدا مقدم بر آن چیز باشد، ولی خدا بود در وقتی که چیزی جز او نبود (2).

واما نخستین چیزی را که آفرید؛ که همه چیزها از آن است؛

آن « آب » است که همه چیزها از آن است، و هر چیز را به آب منسوب ساخت ولی آب را به چیزی نسبت نداد که بدان منسوب گردد، و باد را نیز از آب آفرید سپس باد را بر آب مسلط کرد و باد، شکم آب را شکافت تا اینکه از آب کفی پدید آمد به اندازه ای که می خواست پدید آید، سپس از آن کف زمینی سفید و پاک آفرید که در آن شکاف و سوراخ و بلندی و پستی و درختی نبود، پس از آن؛

ص: 22

---

1- سوره صافات آیه 180

2- یعنی اگر می خواستیم بگوئیم: خدا پدر و مادری داشته یا خدایی غیر از این خدا بود؛ پس باید بگوئیم که هر کدام از پدر و مادر خدا نیز پدر و مادری داشته اند. و این قانون تا بی نهایت ادامه پیدا می کرد که به این می گویند قانون تسلسل و دور که باطل است.

آن را بر هم پیچید و بر زیر آب نهاد، سپس خداوند آتش را از آب آفرید پس آتش دل آب را شکافت تا از آب دودی برخاست به اندازه ای که خدا می خواست، و خدا از آن دود آسمانی صاف و پاکیزه خلق فرمود که نه در آن شکافی بود و نه سوراخی و این است گفتار او که می فرماید:

«...آسمان که خدایش ساخت، و سقف آن را بالا برده و پرداخت، و شبش را تاریک و روزش را برون آورد»<sup>(1)</sup>.

سپس فرمودند: در آن وقت نه خورشیدی بود نه ماهی و نه اختران و نه ابری، سپس آن را در هم پیچید و بر زیر زمینش نهاد، آنگاه این دو آفریده خود را، مرتب ساخت و آسمانها را پیش از زمین برافراشت، و این است گفتار خداوند (جل جلاله) که (دنبال آیات فوق است) می فرماید: « و زمین را پس از آن گسترش داد »<sup>(2)</sup> یعنی آن را پهن کرد.

ص: 23

---

1- سوره نازعات آیه 27-29

2- همان

مرد شامی عرض کرد: ای ابا جعفر (علیه السلام) (پس معنای این آیه چیست که) خدای تعالی (جل جلاله) می فرماید:

أَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءِ بَنَاهَا\* رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا\* وَأَغَطَّسَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضِحَاهَا

«آیا ننگرند کسانی که کافرند که آسمانها و زمین پیوسته بودند و از هم بازشان کردیم» (1)

امام باقر (علیه السلام) به او فرمودند: شاید تو پنداری که آنها به هم بسته و چسبیده بودند و آنگاه یکی از آنها از دیگری جدا شد؟ عرض کرد: آری!

حضرت به او فرمودند: از پروردگار خویش آمرزش بخواه، زیرا گفتار خدای عز و جل که می فرماید: «به هم پیوسته بود» یعنی آسمان بود و باران نمی بارید، و زمین بسته بود و دانه نمی رویانید، و چون خدای تبارک و تعالی خلق را آفرید و از هر جاننداری در آن جای گیر فرمود، آسمان با آمدن باران از هم گشوده شد و زمین با رویاندن دانه گشوده شد.

شامی گفت: گواهی می دهم که: به راستی تو، از فرزندان پیمبرانی و همانا علم و دانش تو، از علم و دانش آنها است. (2)

ص: 24

---

1- سوره انبیاء آیه 29

2- بهشت کافی صفحه 131 و 160- روضه کافی ترجمه رسولی محلاتی ج 1 ص 137

در روایتی دیگر محمد بن مسلم گوید:

همه چیز (در ابتدای خلقت) آب بود و عرش خدا نیز بر آب قرار داشت، پس خدای (جل جلاله) آب را فرمان داد به صورت آتشی برافروخته شد، پس به آتش دستور داد خموش گشت و از خموشی آن دودی برخاست، و خدا از آن دود آسمانها را آفرید، و از خاکسترش زمین را خلق فرمود، پس میان آب و آتش و باد نزاع در گرفت.

آب گفت: منم بزرگترین لشکر خدا، و باد گفت: منم بزرگترین لشکر خدا، و آتش گفت: منم بزرگترین لشکر خدا، پس خداوند به باد وحی کرد که لشکر بزرگ من تو هستی. [\(1\)](#)

ص: 25

---

1- بهشت کافی صفحه 131 و 160- روضه کافی ترجمه رسولی محلاتی ج 1 ص 137

پس از آن بین زمین و جو فاصله افکند، و وزش بادهای را برای ساکنان آن آماده ساخت، تمام نیازمندی ها و وسائل زندگی را برای اهل زمین استخراج و مهیا فرمود، آنگاه هیچ بلندی از بلندی های زمین را که آب چشمه ها و نهرها به آن راه ندارد وانگذاشت، بلکه ابرهایی را آفرید تا قسمت های مرده آن احیا شود، و گیاهان رنگارنگ برویند. قطعات بزرگ و پراکنده ابرها را به هم پیوست تا سخت به حرکت در آمدند، و با به هم خوردن ابرها، برق ها درخشیدن گرفت، و از درخشندگی ابرهای سفید؛ کوه پیکر؛ و متراکم چیزی کاسته نشد. ابرها را پی در پی فرستاد تا زمین را احاطه کردند، و بادهای شیر، باران را از ابرها دوشیدند، و به شدت به زمین فرو ریختند، ابرها پایین آمده سینه بر زمین ساییدند، و آنچه بر پشت داشتند فرو ریختند که در بخش های بی گیاه زمین انواع گیاهان روئیدن گرفت، و در دامن کوه ها، سبزه ها پدید آمد. (1)

ص: 26

زریق از امام صادق (علیه السلام) روایت کند که فرمود: هیچ گاه برقی (از ابر) نجهد چه در تاریکی شب و چه در روشنایی روز جز آنکه باران همراه دارد. (1)

ابن عزرمی در حدیث مرفوعی روایت می کند: که از امیر مؤمنان (علیه السلام) پرسیدند: ابرها در کجا هستند؟

فرمودند: بر درختی و روی تلی است در کنار دریا (2) که در آنجا مأوی کند و چون خدای عز و جل اراده کند که آن را به جایی روان کند بادی بفرستد تا آن را براند و فرشتگانی بر آن بگمارد تا آن را با شلاقها بزنند و آنها همان برق است (که شما می بینید) و آن ابر بدین ترتیب بالا رود، سپس این آیه را قرائت فرمود:

وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاہُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِہَا كَذَٰلِكَ النُّشُورُ

ص: 27

---

1- بهشت کافی - ترجمه روضه کافی، صفحه 262

2- برخی از دانشمندان برای تطبیق دادن این حدیث با علوم روز آن را این گونه ترجمه کرده اند: در جنگل انبوه بر ساحل دریا که به آن سمت مسکن گزیند (جمع شدن هوای دم دار بر روی دریا و داخل جنگلهای استوائی و ساحلی) البته شایسته و بایسته است که تأویل و تشریح و تفسیر آیات و روایات را به خود ائمه واگذار کنیم و تفسیر به رأی نکنیم.

«آن خدائی که بادها را فرستد تا، ابر را برانگیزد و ما آن را، به بلدی مرده برانیم. و آن زمین را پس از مرگش زندگی بخشیدیم... تا آخر آیه»  
[\(1\)](#)

و نام آن فرشته (که ابر را براند) رعد است. [\(2\)](#)

## ابرها غربال هستند

### اشاره

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: ابرها غربال باران هستند. (که آب بسیار را به صورت قطره قطره فرو می فرستند.) و اگر چنین نبود، بر هر چیز که فرو می آمد حتما آن را از بین می برد و ضایع می ساخت. [\(3\)](#)

طبرسی (رحمة الله علیه) در مجمع گفته که گفته اند: رعد نام فرشته ای است که ابر را می راند و با آوازش او را به کار می دارد و تسبیح گو او است. [\(4\)](#)

ص: 28

---

1- سوره فاطر آیه 9

2- بهشت کافی - ترجمه روضه کافی، صفحه 262

3- من لا یحضره الفقیه - ترجمه غفاری جلد 2 صفحه 240

4- مجمع البیان جلد 5 صفحه 283

تسبیح رعد، این است که: وقتی به صدا در آید بر تنزیه خدای تعالی (جل جلاله) و وجوب سپاس از خدا، دلالت دارد، و گویا که با غرش خود، تسبیح گو است.

از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت است که فرمودند:

به راستی پروردگار شما سبحانه تعالی (جل جلاله) می فرماید:

اگر بنده هایم فرمانم برند، شب بانها باران دهم و روز آفتاب بی غرش رعد، و همیشه چون غرش رعد را میشنید می فرمود: منزه است کسی که رعد تسبیح گوید بسپاس او، و ابن عباس میگفت: منزه است آنکه برایش تسبیح گوید. (1)

### آیا بارن کم ویا زیاد می شود

در قرآن کریم خداوند (جل جلاله) می فرماید:

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَتْهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَيَّ ذَهَابٍ بِهِ لِقَادِرُونَ (2)

ص: 29

---

1- آسمان و جهان-ترجمه کتاب السماء و العالم بحار، جلد 3، صفحه 307

2- سوره مؤمنون آیه 18



واز آسمان، آبی به اندازه نازل کردیم و آن را در زمین جای دادیم، و بی تردید به از بین بردن آن کاملاً توانمندیم.

ابو حمزه ثمالی (رحمة الله علیه) از امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده است که فرمود: هیچ سالی پر بارانتر از سالی دیگر نیست، و خداوند در هر کجا که خواهد، باران می بارد، و چون مردم (دیاری) خود را به گناه آلوده کنند خداوند مقدار بارانی که در آن سال برای آن مردم مقرر کرده بود، را به بیابانها و دریاها و کوههای دیگری می برد و در آنجا ببارد و خداوند (جل جلاله) [جعل \(1\)](#)

را به خاطر گناهان مردم آن دیار با نباریدن باران عذاب می دهد چرا که خداوند راه بیرون رفتن از دیار گناهکاران را برای او هموار ساخته است.

سپس امام فرمود: ای صاحبان بینش عبرت بگیرید. [\(2\)](#)

از ابن عباس روایت شده که :

باران سالی کمتر از سال دیگر نیست؛ ولی خدا آن را به هر جا بخواهد مصرف می نماید.

ص: 30

---

1- جانوری است سیاه رنگ و دارای پر به شکل زنبور که از سرگین حیوانات تغذیه می کند و از بوی خوش چنان آزرده می شود که می میرد. رک: ف آندراج جلد 2 صفحه 1338

2- پاداش نیکی ها و کیفر گناهان صفحه 640 - الایمان و الکفر کتاب بحار الانوار جلد 2 صفحه 79

وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا (1)

« وشمرد هر چیزی را و آن را ضبط نموده است. »

مسعدة بن صدقه از امام صادق (علیه السلام) روایت می کند که فرمودند: علی (علیه السلام) را عادت بر آن بود که، در آغاز بارش باران، زیر آن می ایستاد تا سر و ریش و جامه اش تر می شد.

پس به حضرت علی (علیه السلام) عرض شد: بهتر است زیر سقفی بروی.

حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: این همان آبی است که تازه از عرش رسیده است. سپس حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: در زیر عرش دریایی نهان شده است و آبی در آن دریاست که روزی حیوانات را آن آب می رویاند، و هنگامی که خداوند اراده کند که، از روی مهر؛ آنچه را خواهد برای آنها برویاند؛ بدان آب، وحی فرماید و آن آب نیز بر طبق خواسته او؛ همچنان از آسمانی به آسمان دیگر؛ فرو ریزد. و تا به آسمان دنیا می رسد، پس آسمان دنیا نیز، آن آبها را برابر می افکند

ص: 31

و ابر چونان غربال است. سپس خداوند به باد وحی می فرماید که: ابر را بکوب و آتش بساز همچون آبهای دیگر و سپس به فلان جا ببر و بر آنها ببار تا سیل و جز آن جریان یابد. او نیز، بر اساس دستورات الهی بر آن جا که به او، دستور داده شده ببارد. و هیچ قطره بارانی نیست، مگر آنکه فرشته ای همراه آن است تا آن را در جایگاهش بنشانند. و هیچ قطره بارانی فرو نریزد مگر، به تعداد معین و اندازه مشخص! جز بارانی که در روز طوفان نوح (علیه السلام) باریدن گرفت که سیل آسا بریخت بی هیچ اندازه و شماری. (1)

پس از آیه و روایت فوق معلوم می شود عدد قطره های باران و ریگ های بیابان و برگ های درختان و امثال آن بر او پوشیده نیست.

ص: 32

---

1- بهشت کافی ترجمه روضه کافی، صفحه 283 - آسمان و جهان بحار الانوار جلد 3 صفحه 318 - روضه کافی ترجمه رسولی محلاتی جلد 2 صفحه 73 - مکارم الاخلاق ترجمه میر باقری جلد 2 صفحه 136

## آگاهی از زمان بارش فقط نزد خداست

امام صادق (علیه السلام) فرمودند که پدرم به من فرمودند:

آیا تورا آگاه نکنم از پنج چیزی که خداوند هیچ یک از آفریدگان را بر آن آگاه نکرده است؟

گفتم: چرا، فرمودند:

✓ به راستی که آگاهی از روز رستاخیز فقط نزد خدا است.

✓ خداوند، باران فرود می آورد.

✓ خداوند، آگاه است از آنچه در رحم مادران است.

✓ کس چه داند که فردا چه کار خواهد کرد.

✓ کس چه داند در چه سرزمینی خواهد مُرد.

به راستی که خداوند دانا و آگاه هست. (1)

ص: 33

## باران برای هفت نفر می بارد

«وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» (1)

«و نعمت های پرورگارت را باز گو کن»

در کتابهای خصال و رجال کثی از علی (علیه السلام) روایت شده که گفت:

زمین به خاطر هفت نفر خلق شده که، مردم به واسطه آنان رزق و روزی داده می شوند و باران برای آنان می آید و یاری می شوند.

آن هفت نفر عبارتند از:

«ابوذر، سلمان، مقداد، عمار، حذیفه، و عبد الله بن مسعود.» (2)

حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: من امام آنان هستم، ایشان بودند که بر بدن فاطمه (علیها السلام) نماز خواندند.

ص: 34

---

1- سوره ضحی آیه 11

2- خصال جلد 2 صفحه 360 و 361- زندگانی حضرت زهرا (علیها السلام) (روحانی)، صفحه 671

## فصل دوم

### اشاره

چرا؟

باران برای اروپا و غرب

می بارد

ولی برای مسلمانان

نمی بارد!

ص: 35

یکی از مسائلی که در میان مردم مطرح می شود این مطلب است که:

نباریدن باران ربطی به عذاب الهی ندارد و یا اصلاً ربطی به دین ندارد؛ چون اگر ربطی به دین داشته باشد پس هر کجا باران بیاید باید مردم آن منطقه با ایمان باشند در حالی که در بسیاری از کشورها، مثل اروپا را می بینیم که اصلاً اعتقادی به دین ندارند، ولی برای آنها باران فراوان می آید.

ولذا بسیاری از مردم فکر می کنند اینها مشمول رحمت الهی هستند.

برای جواب به این مسئله باید ابتداءً ذهن به این دو سؤال معطوف گردد:

آیا هر بارانی نعمت است؟

آیا هر خشکسالی نعمت است؟

سپس پاسخ این شبهه را از دیدگاه آیات و روایات بررسی می کنیم:

## 1. امکانات مالی وسیله عذاب

فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (1)

اموال و اولاد آنها شما را به شگفتی و ندارد، خداوند می خواهد با این وسیله آنها را عذاب کند.

قرآن کریم با این آیه جواب همه شبهات را می دهد و آن اینکه داشتن مال و منال و مکننت نشانه رحمت الهی نیست اتفاقا امکان دارد مقدمه عذاب باشد.

پس اگر برای کفار در مدت زمانی باران یا رحمتی بیاید بنابر آیه شریفه چون آنها کافر شده اند مستحق عذابند و امکان دارد این نعمتها اتمام حجتی باشد برای آنها و پس از آن عذاب دردناک بر آنها وارد شود.

ص: 37



وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ خَيْرٌ لَّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (1)

کافران گمان نکنند که، مهلتی که ما به آنها می دهیم، به حال آنها بهتر خواهد بود، بلکه مهلت می دهیم برای امتحان! تا بر سر کشی و طغیان خود بیافزایند و آنان را عذابی رسد، که با آن سخت خوار و ذلیل شوند.

مسئله دیگر این است که : خداوند همیشه رحمتش را برای مؤمنین نمی فرستد بلکه گاهی همین رحمت، برای امتحان کردن یا عذاب و غیره، نازل می شود.

خداوند تبارک و تعالی در این آیه اشاره به همین مطلب دارد می فرماید: کسانی که کافرند؛ یعنی ایمان به خدا و قیامت ندارند، بدانند! این باران یا هر نعمت دیگر، برای آنها نعمت نیست؛ بلکه زمینه و مقدمه عذاب آنها است.

ص: 38

« وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَأَمْ لِي لَّهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ » (1)

وآنهايي که آيات ما را تکذيب کردند، به تدريج از جايی که نمی دانند، گرفتار مجازاتشان خواهيم کرد.

این آیه شریفه از سنتی یاد می کند که، یکی از سخت ترین عذاب های پروردگار است.

قانون استدراج از این قرار است که :

هر کسی نسبت به خدا و دین مبین اسلام، کافر شد. خداوند متعال از آنجایی که؛ نسبت به بنده خود مهربان است و عاقبت به خیری او را می خواهد؛ بعد از گناه، او را به عذابی متناسب با گناه انجام گرفته مبتلا می کند تا او را متنبه سازد.

اگر بیدار شد واستغفار نمود که هیچ! وگرنه عذاب بعدی را می فرستد، تا او را بیدار و متنبه سازد.

ص: 39

اگر دید بنده او تکبر و طغیان می کند! او را به خود واگذار می کند و هر آنچه می خواهد به پایش می ریزد. در این زمان، به خاطر گناهان زیاد کور می شود. و مصداق آیه شریفه قرآن که می فرماید: **وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا** می شود که نه می تواند گذشته را ببیند، که چقدر گناه انجام داده! و نه می تواند آینده را ببیند و راه و چاره را بشناسد لذا طغیان می کند و حتی چه بسا ادعای خدایی می کند در این هنگام است که عذاب دردناک بر او وارد می شود و او را نابود می کند.

حال اگر در کشوری که کافر هستند باران بیاید چه بسا که این همان قانون استدراج باشد و سبب عذاب دردناک برای آنها شود..

حضرت زینب نیز وقتی با یزید در مجلسی که ترتیب داده بود مواجه شد و دید که یزید با تکبر و نخوت و خود ستایی به خاطر شهید کردن بهترین خلق عالم یعنی امام حسین وارد شد اشاره به همین آیه نمودند:

فرمودند: ای یزید! آیا اکنون که زمین و آسمان را بر ما تنگ کردی و ما را همانند اسیران به هر سو کشاندی می پنداری ما به نزد خدا خوار شدیم و تو نزد او عزیز و گرامی می باشی و تصور کردی این نشانه قدر و منزلت تو در نزد خداست؟ از این رو، باد غرور به بینی انداخته و به خود بالیدی و خرم و شاد مان شدی از این که دیدی دنیا در کمند تو در آمده و امور تو سامان یافته و مُلک و خلافت ما در اختیار تو قرار گرفته است. پس کمی آهسته تر!

مگر آیه وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَأَمْ لِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ (1)

و آنهایی که آیات ما را تکذیب کردند، به تدریج از جایی که نمی دانند، گرفتار مجازاتشان خواهیم کرد.

رانخوانده ای. (2)

ص: 41

---

1- سوره اعراف آیات 182-183

2- بحار الانوار جلد 45 صفحه 133

#### 4. هر که در این بزم مقرب تر است جام بلا بیشترش می دهند

سختی هایی که در زندگی دنیوی برای مؤمنان پیش می آید، گاهی ناشی از بی تدبیری و کم کاری ایشان است و گاهی ناشی از بلا یا و مشکلات طبیعی است که افراد دخالتی در آن ندارند و این ها آثار تربیتی برای مؤمنان دارد.

بلا یا و سختی ها برای مؤمن، علامت محبوبیت او نزد پروردگار است که :

\*\* یا زمینه امتحان و در نتیجه رشد معنوی انسان را فراهم می آورد.

\*\* یا مایه آمرزش گناهان او است.

\*\* یا عامل رشد و اوج گرفتن او است.

که همه این حالات برای مؤمن خیر است.

معلم نسبت به، کوچک ترین لغزش و اشتباه بهترین دانش آموز کلاس، حساسیتی بیش از دیگر دانش آموزان نشان می دهد؛ حال این سختی ها و خشکسالی ها و غیره همه نشانه توجه و دوستی خدا نسبت به بندگان است.

بنابراین؛ به میزان بیشتر شدن محبوبیت و دوستی، سختگیری از طرف خدا نیز بیشتر می شود.

در متن تسلیت نامه امام صادق (علیه السلام) به عموزاده های خود، که تحت فشار دشمنان قرار گرفته بودند. به همین مطلب اشاره شده است:

### تسلیت نامه امام صادق (علیه السلام)

تسلیت نامه امام صادق (علیه السلام) (1)

به نام خداوند بخشنده مهربان اما بعد، ای عموزاده!

اگر از طرف دشمنان به تو و اهل بیت مصیبت وارد شده است و به شما ظلم روا داشته اند بدان که تو تنها نیستی، که محزون و افسرده دل گشته ای! بلکه بر من نیز ناراحتی و مصیبت جانسوز مانند تو وارد شده است، ولی مراجعه نمودم به آنچه که خداوند دستور داده است. و بدینوسیله متقین را دلداری داده و به صبر و استقامت، در برابر مصیبت ها و مشکلات امر نموده است.

آنجا که خداوند (جل جلاله) به پیغمبرش (صلی الله علیه و آله و سلم) می گوید:

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَ لَا تُكِنُّ كَصَاحِبِ الْأُخْتِ. (2)

ص: 43

---

1- آرام بخش دل داغدیدگان صفحه 311

2- سوره قلم آیه 48

«ای پیغمبر ما! تو بر انکار و آزارشان برای حکم خدای خود صبر کن و مانند یونس مباش که از خشم در عذاب امت تعجیل کرد.»

و نیز هنگامی که پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بدن مُثَلِّه (1)

شده، عمویش حمزه را در؛ جنگ احد؛ مشاهده کرد بسیار متأثر شد و گریست و از شدت ناراحتی گفت: اگر خداوند مرا به قریش غالب کند، هفتاد نفر از آنها را به عوض حمزه مثله خواهم کرد؛ در آن وقت جبرئیل از طرف خدا برای پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) این آیه را آورد: **وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ**. (2) «اگر می خواهید عقاب کنید مثل آنچه را که عقاب شدید عقاب کنید (نه بیشتر) و اگر صبر پیشه کنید البته که صبر برای صابران بهتر است.» و پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) صبر کرده است و عقاب نکرده (وقتی که در فتح مکه پیروز و مسلط شد فرمان عمومی صادر کرد، و از انتقام چشم پوشی کرد. در بعضی روایات آمده است که جمله «اگر بر قریش غالب شوم هفتاد نفر از

ص: 44

---

1- این واژه به معنای بریدن اعضاء بدن یک فرد به صورتی که تکه تکه شود به کار می رود.

2- سوره نحل آیه 126

آنها را مثله خواهم کرد» را پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نگفته است بلکه گروهی از مسلمانان گفتند).

نیز هنگامی که به پیغمبرش فرمود:

« وَ أَمْرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى. » (1)

و خانواده خود را به نماز دستور داده و خود نیز بر انجام آن شکیبا و پر استقامت باش؛ ما از تو روزی نمی خواهیم بلکه ما به تو روزی می دهیم و عاقبت نیک برای تقوا است.

و هنگامی که فرمود:

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ. (2)

آنهایی که وقتی مصیبتی به آنها برسد می گویند: ما از آن خدا هستیم و به سوی او بازمی گردیم. اینها همان ها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حال آنان شده و آنها هستند هدایت یافتگان.

نیز خداوند متعال (جل جلاله) فرمود:

ص: 45

---

1- سوره طه آیه 132

2- سوره بقره آیات 156-157



إِنَّمَا يُوفِّي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ. (1)

همانا خداوند صابران را به حد کمال و بدون حساب پاداش خواهد داد.

و هنگامی که، خداوند متعال (جل جلاله) از قول لقمان (علیه السلام) به فرزندش فرمود:

وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (2)

فرزندم در مصیبت ها صبر کن که این از عزم ثابت و استوارترین امور است.

و هنگامی که، خداوند از قول حضرت موسی (علیه السلام) گفته است:

قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (3)

موسی (علیه السلام) به قوم خود گفت: از خدا یاری جوید و صبر کنید، که زمین ملک خدا است و او به هر کس از بندگان که بخواهد آن را وامی گذارد. و حسن عاقبت و پیروزی، مخصوص اهل تقوی است.

و هنگامی که خداوند متعال (جل جلاله) فرمود:

ص: 46

1- سوره زمر آیه 10

2- سوره لقمان آیه 17

3- سوره اعراف آیه 128

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ. (1)

قسم به عصر که، تمام انسانها در خسارت و زیانند؛ مگر آنان که ایمان آورده اند. و اعمال صالح انجام داده اند. و به یکدیگر سفارش به حق و سفارش به صبر کرده اند.

و هنگامی که خداوند متعال (جل جلاله) فرمود:

« وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ. » (2)

«حتما شما را با اندکی از ترس، گرسنگی و آفت در مالها و جانها و میوه ها می آزمایشیم، و مردان صبور با استقامت را مژده بده. (یعنی بلاها و گرفتاریها برای کسانی که مقاومت می کنند و ایستادگی نشان می دهند، سودمند است و اثرات نیکی در آنان به وجود می آورد، لذا در چنین وضعی باید به آنان مژده داد.)»

و نیز خداوند متعال (جل جلاله) فرمود:

«... وَ الصَّابِرِينَ وَ الصَّابِرَاتِ... أَجْرًا عَظِيمًا» (3)

ص: 47

1- سوره عصر آیه 3

2- سوره بقره آیه 55

3- سوره احزاب آیه 35

«خداوند مغفرت و پاداش بزرگی برای مردان و زنان صبرکننده مهیا ساخته است.»

و نیز فرمود: **وَ اصْبِرْ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ. (1)**

پیغمبر صبر پیشه کن تا وقتی که خدا (میان تو و مخالفان) حکم کند که او بهترین حاکم است.

امثال این آیات در مورد صبر و استقامت در برابر مصیبت ها و مشکلات در قرآن کریم بسیار است.

بدان ای عمو و عموزاده!

خداوند (جل جلاله) هرگز لحظه ای بلا و سختی دنیا را از دوستش جدا نمی کند و هیچ چیز نزد خدا از صبر و مقاومت در برابر مصایب محبوب تر نیست.

نیز خداوند متعال (جل جلاله) هیچ گاه دشمنش را لحظه ای از نعمت مادی محروم نمی کند (یعنی خداوند همواره به دوستانش در دنیا سختی و بلا می دهد و به دشمنانش راحتی و نعمت).

ص: 48

و اگر این چنین نبود دشمنان خدا (جل جلاله) هرگز دوستانش را نمی کشتند و ظلم و ستم بر آنها روا نمی داشتند و از حق خودشان منعشان نمی کردند و بر دوستانش غالب و چیره نمی شدند.

اگر این چنین نبود هرگز حضرت زکریا (علیه السلام) و حضرت یحیی (علیه السلام) بر اثر توطئه ناپاکان بنی اسرائیل کشته نمی شدند (و سر حضرت یحیی (علیه السلام) برای یکی از زنهای نابکار بنی اسرائیل به هدیه برده نمی شد).

اگر چنین نبود هرگز جدّت علی بن ابی طالب (علیه السلام) به خاطر قیام به امر خدا مظلومانه کشته نمی شد و نیز عمویت حسین پسر فاطمه (علیها السلام) مغلوب نمی شد و به وضع دلخراشی مظلوم وار کشته نمی شد و اگر چنین نبود خداوند (جل جلاله) در قرآن کریم نمی فرمود:

وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُوتِيَهُمْ سُدُفًا مِّنْ فِصَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ وَلِيُؤْتِيَهُمْ آبَؤُوبًا وَسُدْرًا عَلَيْهِمْ يَتَكُونُونَ. (1)

«و اگر نه این بود که مردم همه یک نوع امتند ما (از پستی و بی قدری دنیا) آنان که کافر به خدا می شوند (به مال فراوان) سقف خانه هایشان را از نقره خام قرار می دادیم و چندین طبقه که بر سقف

ص: 49

با نردبان بالا- روند و نیز بر منزلهایشان (از بزرگی و وسعت) درهای بسیار و تختهای «زرنگار» که بر آن تکیه زنند قرار می دادیم (و عمارتشان را به زر و زیور می آراستیم و اینها همه متاع دنیا است و آخرت ابدی نزد خدا مخصوص اهل تقواست) و اگر نه این بود هرگز در حدیث وارد نمی شد:

« لو لا ان يحزن المؤمن لجعلت للكافر عصابة من حديد فلا يتصدع رأسه ابدا.»

اگر مؤمن محزون نمی شد، کاسه سر کافران را از آهن قرار می دادیم تا هرگز در دسر نیبند.

و اگر چنین نبود در حدیث وارد نمی شد که:

اذا احبَّ الله قوما و احبَّ عبدا صبَّ عليه البلاء صبّا فلا يخرج من غمّ

«هر گاه خداوند گروهی یا بنده ای را دوست بدارد مانند باران بر او بلا فرو می ریزد و هیچ گاه او از غم و محنت بیرون نمی رود.»

و اگر نه این بود هرگز در حدیث نمی آمد که:

«ما من جرعتين احبَّ الى الله تعالى ان يجرعهما عبده المؤمن في الدنيا من جرعة غيظ كظم عليها و جرعة حزن عند مصيبة صبر عليها بحسن عزاء و احتساب.»

«هیچ جرعه ای نزد خدا محبوب تر از دو جرعه نیست؛ یکی جرعه خشمی که مؤمن آن را فرو برد و دیگر شربت مصیبتی که با شکیبایی بنوشد و برای خدا صبر کند.»

و اگر چنین نبود! اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برای کسی که به آنها ظلم و ستم روا می داشت، دعا نمی کردند که عمرش طولانی گردد. و بدنش سلامت باشد. و مال و فرزندش زیاد شود.

(یعنی اگر عمر طولانی و سلامت بدن و کثرت مال و فرزند خوب بود. اصحاب رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) برای دشمن خویش طلب نمی کردند)

و اگر این چنین نبود به ما نمی رسید که، هر گاه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مردی را مخصوصاً ترحم می نمود و طلب مغفرت برای او می کرد، شهید می شد!!!

پس ای عمو و پسر عمو و عموزاده ها و برادرانم!

بر شما باد به صبر و رضا و تسلیم و به شما توصیه می کنم که امر مشکلات را به خداوند (جل جلاله) واگذار نمایید و از قضا و قدر او راضی و خرسند شوید و صبر و بردباری پیشه کنید و به دستورهایی که به هنگام مصیبت و بلا داده است تمسک جوئید و امر او را اطاعت کنید (و در مورد وعده هایی که به صابران و مصیبت دیده ها داده است

فکر و مطالعه نمایند) امید است خداوند برای ما و شما صبر فروریزد و عاقبت امر ما و شما را به خیر و سعادت ختم فرماید و ما و شما را به حول و قوت خویش از هر هلاکتی نجات دهد.

ص: 52

چرا باران نمی بارد؟

ص: 53



## چرا باران نمی بارد

بنابر نظر آیات و آموزه های دینی هر اتفاقی که برای شخصی رخ دهد به عملکرد او بر می گردد همان طور که در قرآن کریم می فرماید:

« وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ (1) »

هر مصیبتی به شما رسد به خاطر اعمالی است که انجام داده اید، و بسیاری را نیز عفو می کند!

حال با بیان این موضوع روشن شد که، به خاطر عملکرد بعضی از بندگان خدا، مشمول غضب ذات اقدس احدیت (جل جلاله) شده ایم و لذا خداوند متعال نظر رحمتش را از ما دریغ می فرماید و باران را بر ما نازل نمی کند.

در ادامه به بعضی از اعمالی که باعث می شود باران برای ما نازل نشود می پردازیم:

ص: 54

خداوند در قرآن می فرماید :

« فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنْبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِدًا وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ » (1)

پس هر طایفه ای را به گناهانشان گرفتار کردیم بعضی از آنان کسانی بودند که سنگ بر آنان بارید، گروهی از آنان گرفتار صدای آسمانی شدند، قسمتی از آنان را به زمین فرو بردیم، دسته ای دیگر را غرق کردیم خدا به آنان ستم نکرد بلکه خودشان به خود ستم می کنند.

هر انسانی با نیم نگاهی؛ به وسیله چشم کوچک آدمی؛ به عملکرد بعضی از خلائق، می تواند بفهمد، گناهان آدمیان از حد فزون شده به نحوی که در حین اذان و وقت نماز، بسیاری به جای حرکت به

ص: 55

سمت مسجد و اقامه نماز مشغول خرید و فروش و امورات دنیایی هستند. و یا در ماه مبارک رمضان، به جای اطاعت از امر الهی برای گرفتن روزه و مسائل مربوط به آن، بعضی با تکبر و نخوت، به سرکشی و روزه خواری مشغول می شوند.

ویاسالیانی است مسئله مهم امر به معروف و نهی از منکر تعطیل شده است و حتی بعضی سعی می کنند؛ با لطایف الحیلی؛ با این حکم مسلّم خدا مخالفت کرده و احکامی بر اساس عقائد دشمنان صادر کنند.

حال اگر کسی، قلب سلیم و عقل سالم داشته باشد، می فهمد!

این خشکسالی و زلزله و أمثالهم همه از عملکرد خود ما است.

ما به خود ستم کرده ایم. همانطور که در ضرب المثلی که ورد زبان بسیاری از مردم است که «از ماست که برماست.»

ولذا لازم است که از اعمال بد خود استغفار کنیم.

از أبو جنید بغدادی نقل شده است که:

مردم در زمان کم آبی و قَلّت باران، از شیخ طوسی (رحمة الله علیه) خواهش کردند که نماز استسقا بخوانند.

شیخ (رحمة الله عليه) فرمود: که شما منتظر بارانید و متوقع رحمت خدا هستید، و من نگاه به افعال و اعمال خود دارم، که چطور مستحق سنگ بارانم.

بلافاصله بعد از پیدا شدن حالت توبه، یا خضوع مرحوم شیخ؛ ابری پیدا شد و شروع به باریدن کرد.

این به معنای آن است که ای مردم نگاهی بکنید به اعمال خود ببینید آیا گناه نکرده اید!!! [\(1\)](#)

ص: 57

## ظلم و ستم و دروغجویی حاکمان و کارگزاران نالایق

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

در میان امت من ذلت و خواری و تهمت ظاهر و آشکار می شود. عرض کردند:

ای رسول خدا در چه زمانی گرفتار خواری و تهمت می شوند. فرمودند: هر گاه غنا، زنان خواننده و خوردن شرابها آشکار شود و شب زنده داری می کنند گروهی از امت من با سرور زیاد و نعمت فراوان و لعب و بازی و شب را صبح می کنند!!

در حالتی که میمون و خوک می باشند به واسطه ی اینکه ایشان حرام را حلال می شمارند و بواسطه ی گرفتن زنان رقاصه و خوردن شراب و گرفتن فرع و ربا و پوشیدن لباس ابریشم این چنین می شوند.

حضرت فرمودند: هر گاه زمامدار ستم کند باران کم می شود و هر گاه اهل ذمه را فریب دهند و نیرنگ بازی کنند دشمنانشان بر آنان آشکار گردد و هر گاه کارهای زشت و ناپسند آشکار شود زمین لرزه ایجاد شود و هر گاه امر به خوبی و معروف و پیشگیری از

ص: 58

محرمات کم شود. محرمات مباح شمرده شود. همانا گناه به جای ثواب و ثواب به جای گناه قرار گیرد.

بعد اندیشه کنند پس از فکر و اندیشه پشیمانی و بازگشت است. (1)

امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

✓ چون زمامداران به دروغ پردازند باران قطع می شود.

✓ چون سلطان ستم کند پایه های دولتش سست می گردد (و دولتش از چشم مردم می افتد).

✓ چون زکات داده نشود چهار پایان می میرند. (2)

ص: 59

---

1- ارشاد القلوب ترجمه رضایی جلد 1 صفحه 96

2- [2] امالی شیخ مفید ترجمه استادولی صفحه 353

## بی اعتقادی نسبت به سرمایه وحی و ائمه

پیامبر و امام مثل ابر بارنده، باران پیاپی، آسمان سایه افکن، زمین گسترده، چشمه جوشان، برکه و گلزار هستند.

در عوض بندگان خدا می بایست، از این نعمت استفاده کنند.

چون خداوند به وسیله آنان، دین خود را حفظ می کند، و شهرها را آباد می نماید، و بندگان خود را روزی می دهد، و از آسمان باران می فرستد، و برکات زمین را بیرون می دهد.

مؤید این مطالب روایات زیر است که نشان می دهد، علت بیشتر مشکلات بشریت؛ در امورات زندگی؛ به خاطری اعتقادی به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه هدی (علیهم السلام) است.

1- روایت شده از جابر بن عبد الله انصاری (رحمة الله علیه) که می گوید:

هنگامی که آیه شریفه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَطِيعُوا أَوْلِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ نازل گردید خدمت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کردم:

ما خدا و رسول را شناختیم و اکنون می خواهیم بدانیم این اولو الامر که طاعت آنان به اطاعت خدا و رسول قرین شده کدام افراد هستند؟

فرمودند: این افراد خلفای من هستند.

ص: 60

ای جابر اینان پیشوایان مسلمین می باشند که پس از من خواهند آمد اول آنها علی بن ابی طالب (علیه السلام) است، پس از وی حسن و بعد از او حسین سپس علی بن الحسین، و محمد بن علی که در تورات به باقر معروف است و تو او را درک خواهی کرد و هر گاه وی را ملاقات نمودی سلام مرا به او برسان، بعد از او جعفر بن محمد، و موسی بن جعفر و علی بن موسی، و محمد بن علی، و علی بن محمد، و حسن بن علی (علیهم السلام) امام هستند. پس از اینها همانم و صاحب کنیه من که حجت پروردگار و نشانه اودرزمین است و نام محمد بن حسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد. که از شیعیان و پیروان و دوستان خود غیبت خواهد کرد، و جز افرادی که در ایمان امتحان داده باشند کسی در امامت او باقی نخواهد ماند، به خداوندی که مرا به راستی برانگیخته شیعیان از غیبت او استفاده خواهند کرد و از تابش انوار او مستفیض خواهند شد همان طور که از خورشید استضاء میکنند و لو در زیر ابر باشد. ای جابر این مطالب از اسرار خداوند است که در گنجینه های علم محفوظ مانده و آنها را جز به اهلس اطلاع نده (1)

ص: 61



روایت شده از اصبع بن نباته که گوید: یکی از روزها امیر المؤمنین دست حسن (علیه السلام) را در دست گرفته و به طرف ما آمدند و فرمودند: روزی حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) همین طور دست مرا گرفتند و به طرف مردم آوردند.

فرمودند: بهترین مردم بعد از من و سید آنها این برادر من می باشد، و او امام هر مسلمان و امیر هر مؤمن بعد از وفات من خواهد بود. اکنون من هم میگویم: بهترین مردم پس از من و سید آنها این پسر من می باشد، و او امام هر مسلمان و ولی هر مؤمن بعد از وفات من خواهد بود، وی بعد از من مظلوم خواهد بود همان طور که بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به من ظلم کردند، و بهترین مخلوقات و سرور آنها بعد از حسن فرزندم حسین (علیهما السلام) است که وی رادر زمین کربلا شهید می کنند حسین و اصحاب او روز قیامت از بزرگان شهداء هستند.

پس از حسین نه نفر از صلب او خواهند آمد که خلفای خداوند در زمین و حجت های پروردگار بر مردم و امنای وی بر خزائنش خواهند بود.

این نه نفر امام مسلمین و مقتدای مؤمنین و سید متقین می باشند، نهمین از آنها «قائم» (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آنان است که دنیا را بعد از تاریکی روشن

خواهد کرد، و جهان را پس از ظلم و ستم پر از عدل و داد می کند، و به جای جهل و نادانی علم و فضیلت می آورد.

به خداوندی که محمد برادرم را به راستی به نبوت برگزید و مرا به امامت انتخاب کرد، از طرف خداوند (جل جلاله) در باره این مطالب وحی شده و جبرئیل این ها را از آسمان فرود آورده است، یکی از روزها که در خدمت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) بودم از امامان بعد از وی پرسیدند. حضرت در جواب سؤال کننده فرمودند: به آسمان صاحب بروج سوگند که عدد امامان پس از من به شماره همین بروج است، و به پروردگار؛ شب و روز و شهور؛ قسم که عدد امامان به اندازه شهور است.

سؤال کننده پرسید: آنها کیانند؟

حضرت دست خود را روی سر من نهاد و فرمودند: اول آنان این است و آخرشان هم «مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)» است، هر کس آنان را دوست بدارد مرا دوست داشته، و هر کس آنان را دشمن بدارد مرا دشمن داشته، و هر که به آنان احسان کند به من احسان کرده، و هر که آن ها را مورد بغض قرار دهد مرا مورد بغض قرار داده است، هر کس آنان را منکر گردد مرا انکار کرده است، و هر که معرفت به حال آنان داشته باشد به حال من اعتراف حاصل کرده است.

ص: 63

خداوند به وسیله آنان دین خود را حفظ می کند، و شهرها را آباد می نماید، و بندگان خود را روزی می دهد، و از آسمان باران می فرستد، و برکات زمین را بیرون می دهد، اینان اوصیاء و فرزندان من هستند، و امامان مسلمین و اولیاء مؤمنین می باشند. (1)

1- خیمه جعفری از حضرت ابی جعفر (علیه السلام) روایت کرده است که گفت:

شنیدم که می فرمودند: ما جنب الله هستیم ما اختیارشدگان و برگزیدگان خدائیم ما کانون ارثهای پیامبرانیم، ما امین های خدای تبارک و تعالی و حجت های اوئیم، ما پایه های ایمانیم، ما تکیه گاه های اسلامیم، ما رحمت خدا بر آفریدگان او هستیم، به واسطه ی ما خدا گشایش دهد و به ما سرانجام و پایان دهد.

ما امامان هدایت کننده ایم، ما چراغهای تاریکی باشیم، و ما روشنگران هدایتیم، ما پیش از همه بودیم، ما آخر همه هستیم، ما نشانه های بلند شده برای آفریدگانیم، هر کس به دامن ما چنگ زند به ما پیوندد، هر کس از ما دوری کند غرق شود، ما جلوداران چهره سفید هستیم، ما برگزیدگان خدائیم، ما راه روشن باشیم.

ص: 64

---

1- زندگانی چهارده معصوم (علیهم السلام)، صفحه 520

ما راه راستیم به سوی خدای عز و جل، ما آن نعمت ها هستیم که خدا به آفریدگانش ارزانی داشته، ما کان نبوتیم، محل رفت و آمد فرشتگانیم، جایگاه رسالتیم، دین مائیم، خبر بزرگ مائیم، چراغی که کسب نور کنند مائیم، ما راهی باشیم برای کسی که به ما اقتدا کند ما رهنمایان به سوی بهشت باشیم، ما عزت اسلامیم. ما پلها و جسرهائیم هر کسی که از طرف ما بگذرد، عقب نمی ماند و هر کس سرپیچی کند نابود شود، بلند مرتبه های بزرگیم، آنانیم که خدا رحمتش را به واسطه ما فرو می فرستد و باران می بارد، آنانیم که خدا به واسطه ما عذابش را برمی دارد.

پس کسی که ما را بشناسد و بینای ما باشد و حق ما را بشناسد فرمان ما را اطاعت کند او از ماست و برگشتنش به سوی ما خواهد بود. (1)

ص: 65

اسلام می کوشد روح سخاوت را در پیروان خود زنده کرده و آنان را میهمان نواز، بخشنده، سخی، مسئول نسبت به مستمندان بیچاره گان، همנוعان و یتیمان بار آورد.

درمقابل اگر کسی این چنین نباشد خداوند او را به قحطی و خشکسالی مبتلا می کند.

این مطلب در حدیث گهر بار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باصراحت آمده است.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند :

لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا تُحَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَاقْرَأُوا الْقُرْآنَ وَالضَّيْفَ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلُوا ابْتَلُوا بِالسِّنِينَ وَالْجَدَبِ (1)

همواره امت من در خیر و سعادتند مادام که یکدیگر را دوست بدارند و نماز را به پای دارند و زکات را پردازند و میهمان دار باشند.

اما اگر چنین نکردند، خداوند آنان را به قحطی و خشکسالی مبتلا می کند.

با دعوت از متقین، فقراء، خویشاوندان، دوستان نزدیک و خدا ترس، سادات و علماء ربانی از این موقعیت استفاده کنیم و از بار گناهان خلاصی پیدا نماییم.

ص: 66

## نفوذ عقائد خرافی

در زمان های قدیم بعضی از اعراب؛ از روی هوای نفس و برای گمراه کردن دیگران؛ احکام و بدعت هایی را ایجاد می کردند.

مثلا معتقد بودند: که اگر فلان ستاره ظاهر گردید باران می آید. و بدین وسیله اهداف شوم خود را اجرا می کردند.

در زمان حال حاضر نیز عده ای از روی جهل نسبت هایی را به خدا و قرآن و دین می دهند که نشان از خرافه پرستی های زمان جاهلیت دارد.

## اعتراض به مقدرات خدا

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

خداوند متعال (جل جلاله) به حکمت و جلالش؛ آسایش و گشایش را در رضا و یقین قرارداد و حزن و اندوه را، در نارضایتی و شک قرار داد.»

یعنی کسانی که، از کار خدا راضی هستند و به مرحله یقین رسیده اند، آرامش و آسایش دارند. و کسانی که از کار خدا ناراضی هستند و شک و تردید دارند، همیشه متزلزل و ناراحت هستند و پیوسته به کار خدا، چون و چرا، می کنند که چرا هوا گرم است؟ چرا هوا سرد است؟ چرا باران می بارد؟ چرا باران نمی آید؟ چرا مریض می شوم؟ اگر چنین نمی کرد، چنان نمی شد و اگر جبهه نمی رفت کشته نمی شد و...

ص: 67

روایت شده است که:

حضرت موسی (علیه السلام) در زمان خشکسالی برای بنی اسرائیل از خدا، باران خواست و خدای تعالی (جل جلاله) به او وحی کرد: من دعای تو و همراهانت را اجابت نمی‌کنم، چون در میان شما سخن چینی وجود دارد که، اصرار بر این عمل خود دارد.

موسی (علیه السلام) گفت: پروردگارا او را معرفی کنید تا از میان خود بیرونش کنیم.

خدا (جل جلاله) فرمود: من شما را از نمایی و سخن چینی نهی می‌کنم، و شما از من می‌خواهید خود سخن چین شوم؟

حضرت موسی همین موضوع را مطرح کردند که، کسی در میان ما نمام و سخن چین است. تا وقتی او توبه نکند و اصرار بر این عمل داشته باشد باران نمی‌آید.

لذا همه توبه کردند و باران برای آنها بارید. (1)

ص: 68

نمام و سخن چین؛ بیشتر به کسی گفته می شود که به شخصی بگوید {با اشاره یا با نوشتن و یا با کنایه و کلاً هر چیزی که کشف حقیقت نماید} که فلانی پشت سر تو چنین و چنان می گفت. در حالی که طرف مقابل بدش می آید.

اگر کسی سخن چینی و نمامی کند؛ برای اینکه او از این کار منع شود؛ شنونده شش وظیفه پیدا می کند:

1. طبق نظر قرآن صحبت او را باور نکنند زیرا سخن چین فاسق است و خبر او پذیرفته نیست.

دلیل این مطلب هم آیه قرآن است که می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَيَّ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (1)

« ای اهل ایمان اگر بد کار بی تقوایی خبری برایتان آورد، خبرش را بررسی و تحقیق کنید تا مبادا از روی ناآگاهی، گروهی را آسیب رسانید ویر کرده خود پشیمان شوید.»

ص: 69

---

1- سوره حجرات آیه 6



2. طبق نظر قرآن او را از این کار باز دارد و نصیحت کند و کارش را زشت شمارد.

دلیل این مطلب هم آیه قرآن است که می فرماید:

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ (1)

«فرزندم! نماز را برپا دار و مردم را به کار پسندیده وادارواز کار زشت باز دار»

3. اینکه برای خدا او را دشمن دارد زیرا مبعوض خداست و دشمنی با دشمن خدا واجب است. (2)

4. اینکه طبق نظر قرآن به مجرد گفته او به برادرش بدبین نشود. دلیل این مطلب هم آیه قرآن است که می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ الظَّنَّ إِثْمٌ

« ای اهل ایمان! از بسیاری از گمان ها (در حق مردم) بپرهیزید، زیرا برخی از گمان ها گناه است»

ص: 70

---

1- سوره لقمان آیه 17

2- ترجمه بحار الانوار جلد 16 آداب معاشرت

5. اینکه طبق نظر قرآن حکایت او؛ تورا وادار به بازرسی و تجسس نکند.

دلیل این مطلب هم آیه قرآن است که می فرماید:

وَلَا تَجَسَّسُوا «تجسس و بازرسی نکنید.»

6. اینکه بر خود نپسندد آنچه را که نام را از آن نهی می کرد.

سخن چینی او را به دیگری حکایت نکند که فلانی برایم چنین حکایت کرده و خود سخن چین و نام شود و کاری کند که از آن نهی می کرد.

ص: 71

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ

«پروردگار! چیزی از قومی نمی گیرد مگر اینکه آنها خود اوضاع و احوال خود را تغییر دهند و به گناه و فساد آلوده شوند»

امام سجاد (علیه السلام) می فرماید:

گناهای که، موجب می گردند باران قطع گردد، عبارتند از:

- 1- ظلم و جور حاکمان در کارهای قضائی 2 - شهادت زور 3- کتمان شهادت 4- منع زکاة 5- منع قرض دادن 6- نرسیدن به نیازمندان
- 7- قساوت قلب نسبت به فقراء 8- ظلم به یتیمان 9- ظلم به بیوه زنان 10- دور کردن سائل و رد کردن او (1)

ص: 72

---

1- ایمان و کفر ترجمه الإیمان و الکفر بحار الانوار جلد 2 صفحه 661 - من لایحضر الفقیه ترجمه غفاری جلد 2 صفحه 237

ابی ولاد آسیابان نقل می کند: از ابن هبیره طلبی داشتم که می خواستم طلب خود را از او بگیرم. لذا قاطری کرایه کردم؛ به فلان مبلغ؛ تا بروم به قصر ابن هبیره طلبم را بگیرم و برگردم.

همین که به نزدیک پل کوفه رسیدم، شنیدم که ابن هبیره به طرف نیل رفته به آنجا رفته.

وقتی به نیل رسیدم، گفتند: به بغداد رفته! بالأخره در بغداد او را پیدا کردم و حساب خود را گرفتم. و باز به کوفه برگشتم. رفت و برگشت من، پانزده روز طول کشید.

جریان را به صاحب قاطر گفتم، و برای اینکه او را راضی کنم و حلالیت بطلبم، پانزده درهم، به او دادم، اما او قبول نکرد.

گفت من راضی نیستم، تو الاغ من را کرایه کردی تا کوفه نه تا بغداد! پس باید کرایه را بیشتر بدهید؛ وقتی دیدم فایده ای ندارد و بحث بین ما زیاد شد قرار شد، برویم پیش ابو حنیفه و هر چه او قضاوت کرد، قبول کنیم.

رفتیم نزد ابو حنیفه من جریان خود را گفتم، صاحب الاغ نیز شرح حکایت خود را داد.

ابو حنیفه پرسید: قاطر را چه کردی؟

گفتم: سالم به صاحبش تحویل دادم.

صاحب الاغ گفت: بلی تحویل داد ولی پس از پانزده روز!

ابو حنیفه گفت: حالا چه می خواهی از این مرد. گفت: کرایه پانزده روز قاطرم را!!!

ابو حنیفه گفت: دیگر حقی بر او نداری. زیرا او، قاطر را تا قصر ابن هبیره کرایه کرده، بعد رفته به نیل و از آنجا به بغداد رفته است. از آنجایی که این مدت جزء اجاره اش نبوده، فقط ضامن قیمت قاطر است. و کرایه از بین می رود. وقتی قاطر را سالم به تو برگرداند، دیگر کرایه بدهکار نیست.

هر دو از پیش ابو حنیفه خارج شدیم، ولی صاحب قاطر پیوسته با خود کلمه استرجاع « إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ » می گفت: دلم به حال او سوخت از فتوائی که ابو حنیفه برایش داده بود. لذا مقداری به او پول دادم و از او حلالیت طلب کردم.

آن سال به حج رفتیم. جریان را خدمت امام صادق (علیه السلام) عرض کردم. فتوای ابو حنیفه را نیز گفتم.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: به واسطه همین قضاوت ها و کارهای شبیه به آن است که باران از آسمان نمی بارد و جلو برکت های زمین گرفته می شود.

عرض کردم شما چه می فرمائید؟

فرمودند: باید کرایه قاطر را به اندازه ای که تا نیل رفتی و از آنجا تا بغداد و برگشتن تا کوفه را بدهی.

عرض کردم: فدایت شوم من در این مدت او را خوراک داده ام، آیا پول علوفه را طلبکارم؟ فرمودند: نه! چون تو قاطر او را غصب کرده ای.

گفتم: اگر قاطر می مرد باید پولش را می دادم؟

فرمودند: بله! باید معادل قیمت روزی که بر خلاف قرار داد عمل کرده ای را می دادی. گفتم اگر قاطر عیبی پیدا می کرد؛ از قبیل شکستن دست و پا یا زخمی پیدا می کرد یا لنگ می شد؛ فرمودند: معادل تفاوت قیمت صحیح و معیوب آن را در تاریخی که به او برگرداندی باید بدهی.

ص: 75

عرض کردم: آقا چه کسی می تواند آن را تعیین کند؟

فرمودند: تو و او.

{ یا او قسم می خورد برای قیمت، باید پردازی و اگر قسم را به تو برگرداند و قسم خوردی او باید قبول کند }

و یا صاحب قاطر، شاهد می آورد که: گواهی می دهد روزی که الاغ را به تو تسلیم نموده فلان مبلغ ارزش داشته باز باید قبول کنی.

عرض کردم: من اگر مقداری به او پول داده باشم و از من راضی شده باشد چه اشکالی دارد؟

فرمودند: به آن مبلغ راضی شده و حلال کرده، به واسطه آن قضاوت ظالمانه ای که، ابوحنیفه کرده بود. حالا برگرد پیش او و آنچه من فتوی داده ام را بگو؛ اگر حلال کرد بعد از اینکه فهمید چقدر طلبکار است اشکالی ندارد؛ و چیزی نباید پردازی.

ابوولاد گفت: بعد از آن که از حج برگشتم، آن مرد را دیدم و فتوای امام صادق (علیه السلام) را برایش توضیح دادم. به او گفتم هر چه کرایه ات می شود را بگو تا بدهم.

ص: 76

گفت: چه محبتی از امام صادق (علیه السلام) در دل من انداختی. فهمیدم آن آقا! بر اینها فضیلت دارد. ترا حلال کردم. اگر بخواهی، همان پولی را هم که قبلاً از تو گرفته ام بر گردانم.!!! (1)

## قضاوت قاضی

از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است که :

قاضی عادل در میان بنی اسرائیل بود که، میان آنها به حق، قضاوت می کرد.

وقتی زمان مرگ او فرا رسید؛ به همسرش گفت: وقتی من مردم، مرا غسل کن و کفن نما و رویم را بپوشان، و مرا روی تخت قرار بده، به امید خدا ان شاء الله امر بدی نخواهی دید.

وقتی او مرد؛ همسرش اوامر او را انجام داد و مدتی درنگ کرد، پس از مدتی روی کفن او را کنار زد، ناگهان دید کرمی از سوراخ بینی او بیرون آمده و مشغول خوردن صورت اوست، از این امر وحشت زده شد.

ص: 77



شب او را در خواب دید ، همسرش گفت: آیا از مشاهده آن امر وحشت کردی؟ زن گفت: آری، قاضی گفت: به خدا سوگند این امر از جهت برادر تو است.

روزی برادرت با مردی مرافعه داشت و برای قضاوت به نزد من آمدند، من در دل خود دعا کردم و خواستم خداوند حق را از آن برادرت قرار دهد، وقتی دلایل خود را گفتند، من دیدم حق با برادر تو است و بسیار خوشحال شدم و آنچه تو دیدی در اثر هوای نفس من در موافقت با برادر تو بود، اگر چه حق هم از آن او بود. (1)

ص: 78

« وَ لَنْبَلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ » (1)

(یعنی: شما را امتحان می‌کنیم به چیزی از ترس و گرسنگی و کاستن مال و خطر جانی و ثمرات زندگی، و مژده بده به آنها که ثابت قدم هستند.)

محمد بن مسلم از امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت نموده که فرمودند: قبل از آمدن قائم، علاماتی برای امتحان مؤمنین خواهد بود.

عرض کردم: آن علائم چیست؟

فرمودند: این امتحان که، خدا می‌فرماید:

امتحان شونده واسطه ترس از چیزی؛ این ترس بیماری‌های گوناگون است مثل گرسنگی، بالارفتن قیمت‌ها، کاستن مال، قحطی، خطر جانی، مرگ شایع و زیاد و نقص ثمرات زندگی، نیامدن باران است. پس در آن موقع به آنها که در عقیده به ما ثابت می‌مانند، مژده بده.

آنگاه فرمودند: ای محمد! این تأویل آیه است، و هیچ کس جز آنها که راسخ در علم هستند، تأویل قرآن را نمی‌داند، و مائیم راسخین در علم. (2)

ص: 79

---

1- سوره بقره آیه 155

2- مهدی موعود ترجمه جلد سیزدهم بحار صفحه 270

ابوحزمه ثمالی (رحمة الله عليه) از امام محمد باقر (عليه السلام) روایت کرده که فرمودند: در کتاب امیر المؤمنین علی (عليه السلام) یافتیم که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده است:

**\*\* هر گاه زنا شیوع پیدا کند، مرگ ناگهانی زیاد می شود.**

**\*\* زمانی که کم فروشی رواج یابد، خداوند آن مردم را به خشکسالی و کمبود (ارزاق عمومی) گرفتار می سازد.**

**\*\* اگر از پرداخت زکات خود داری نمایند، زمین (به فرمان خدا) برکتهای خود را از زراعت و میوه ها و معادن آنان دریغ می کند.**

**\*\* هر گاه در داوری و صدور احکام، ستم روا دارند (عملا) بر رواج ستم و دشمنی به یکدیگر کمک می کنند.**

**\*\* چنانچه از امر به معروف و نهی از منکر سر باز زنند و از نیاکان اهل بیت من پیروی نکنند، خداوند افراد شرور و پست را از خودشان بر آنان مسلط می گرداند.**

در آن هنگام افراد نیکوکار (آن جامعه) دست به دعا بر می دارند، ولی دعای آنان مستجاب نمی شود. [\(1\)](#)

ص: 80

در سراسر هستی چیزی سخت تر از خشم خداوند نیست، زمانی که یگانه ی عالم هستی نظر مهر و محبتش را از انسان بردارد می توان گفت سخت ترین لحظات زندگی انسان است. چرا که انسان به انواع بلاها مبتلا می شود.

1. پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در حدیثی می فرمایند: که چون ظاهر شود در امت من ده خصلت؛ عقوبت می کند ایشان را خدای متعال (جل جلاله) به ده خصلت !!!

عرض کردند: یا رسول الله آن چیست؟ فرمودند:

\*\* چون کم کنند دعا را، بلا فرود آید.

\*\* چون ترک کنند صدقه ها را، بیماری ها بسیار شود.

\*\* چون ترک کنند زکاة را، چهار پایان هلاک شوند.

\*\* چون ظلم کند پادشاه، باران از آسمان منع شود.

\*\* چون بسیار شود در ایشان زنا، مرگ مفاجاة بسیار شود.

\*\* چون بسیار شود در ایشان ربا، زلزله بسیار شود.

**\*\* چون حکم کنند، به خلاف آنچه خدا فرستاده است، خدا دشمن ایشان را بر ایشان مسلط سازد**

**\*\* چون بشکنند عهد خدا را مبتلا کند ایشان را خدا بکشتن.**

**\*\* چون کم کنند کیل را بگیرد ایشان را خدا بقحطی بعد از آن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) این آیه را تلاوت فرمود:**

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

«ظاهر شد تباهی در صحرا و دریا به آنچه کرده است دستهای آدمیان تا آنکه بچشانند ایشان را بعضی از جزای آنچه کرده اند شاید که ایشان باز گردند از بدی»<sup>(1)</sup>

2. اصبع بن نباته از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نقل کرده است که فرمودند:

زمانی که خداوند بر (ساکنان) شهری خشم می گیرد ولی عذاب (خود) را بر آنان فرود نیاورد:

**\*\* نرخها (بهای کالاها و مواد اولیه) گران می شود.**

ص: 82

\*\* عمرها کوتاه می شود.

\*\* بازرگانان (با آنکه اجناس را گران می فروشند) سودی نمی برند.

\*\* میوه ها شاداب و سالم نیستند.

\*\* آب رودها و رودخانه افزونی نمی یابد.

\*\* (نعمت) باران (از ساکنان آن شهر) گرفته می شود.

\*\* زمام امور آنان در دست مردم شرور و پست قرار می گیرد(1)

ص: 83

امام باقر (علیه السلام) در حدیثی فرمودند که: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند:

پنج چیز است که: اگر به آنها برخورد کردید، از آنها به خدا پناه برید:

1. هرگز در میان مردمی زنا پیدا نشود که آن را آشکارا کنند! جز اینکه در ایشان، طاعون و دردهائی که در گذشتگان آنها سابقه نداشته، پدیدار گردد.

2. از پیمانہ و ترازو کم نگذارند! جز اینکه، به قحطی و سختی مخارج زندگی و ستم سلطان گرفتار شوند.

3. از دادن زکاة منع نکنند! جز اینکه آمدن باران آسمان، بر آنها ممنوع گردد و اگر به خاطر چهارپایان نبود هیچ باران بر آنها نبارد.

4. پیمان خدا و رسولش را نشکنند! جز اینکه خداوند، دشمنانشان را بر ایشان چیره کند و برخی اموالشان را بگیرد.

5. به غیر آنچه خدا (جل جلاله) نازل کرده حکم نکنند! جز اینکه خداوند کشمکش و ستیزه میان آنها قرار دهد. (1)

ص: 85

---

1- اصول کافی ترجمه مصطفوی جلد 4 صفحه 81 در شرح این حدیث علامه مجلسی (رحمة الله علیه) گوید: بعضی گفته اند: که بر هر گناهی عقوبتی مناسب با آن مترتب شده زیرا در اولی ضایع کردن نسل است و با طاعون که موجب قطع نسل است مناسب است، و در دومی چون مقصود در کم فروشی ازدیاد مال است با قحطی و سختی و جور سلطان مناسب است، و در سومی چون از دادن آنچه که خدا بوسیله آب به آنها داده جلوگیری کرده اند با جلوگیری نزول باران مناسب است، و در چهارمی ترک عدل مناسب با تسلط دشمن است، و در پنجمی ترک نمودن شریعت و پشت پا زدن قوانین حقه مناسب با وقوع ظلم میان ایشان و غلبه بعضی بر بعضی است.



رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: خدای متعال باران را از بنی اسرائیل به علت بدرفتاری آنان با پیامبرانشان و اختلاف افکنی در دینشان منع نمود و خداوند متعال این امت [مسلمانان] را نیز به قحطی و خشکسالی و بازگرفتن رحمتش از آنها گرفتار خواهد نمود، به جهت کینه و بغضی که با علی ابن ابی طالب (علیه السلام) دارند. [\(1\)](#)

ص: 86

چه کار کنیم تا باران بیارد؟

ص: 87

## چه کار کنیم تا باران ببارد

عفو خداوند نسبت به جمیع بندگان، یک قانون حتمی و عقلی نیست؛ قاعده عفو در اختیار خدا و به اراده اوست، هر کس را که بخواهد عفو می کند. و البته بر اساس حکمت، کسانی هستند که، استحقاق عفو و مغفرت را دارند. و هر کس را که نخواهد عفو نمی کند، و این نیز بر مبنای مصلحت است، نسبت به مردمی که متعدی و متجری بوده و کوس انانیت و کبریائیت زده، و در مقابل پروردگار ایستادگی نموده و خود را حائز مقام انانیت و شخصیت و استکبار دانسته اند.

البته عدل یک قانون کلی است که خداوند (جل جلاله) می تواند بر اساس آن رفتار کند، ولی الزامی ندارد که حتماً به طور عدل در مجازات عمل نماید و بنده را مورد رحمت قرار ندهد. پس قاعده و قانون، عدل است، و عفو و اغماض امر ثانوی است که در تحت اختیار و اراده حاکم است.

بنابراین؛ حالا که در موقعیت بسیار سختی به خاطر نباریدن باران از قبیل : خشکسالی، کم شدن آب شرب، هوای کثیف و نامطبوع بیماری های گوناگون و غیره؛ قرار گرفته ایم! شایسته و بایسته است که : همانطور که خود خدا (جل جلاله) می فرماید: « اُدْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ » خداوند تبارک و تعالی را با تصحیح اعمال، کردار، اعتقاد، گفتار بخوانیم تا نظر لطفش را بر ما بیافکند.

طبق روایات و آیات جهت بارش باران و رحمت الهی اعمال زیر سفارش شده است:

## خواندن نماز

طبق روایات اگر کسی کاهل نماز شود مبتلا به انواع عذاب ها می شود. که هر کدام آثاری دارد.

در حدیثی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند :

لا تَرَالِ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا تُحَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَاقْرَأُوا الضَّيْفَ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلُوا ابْتَلُوا بِالسِّنِينَ وَالْجَدَبِ (1)

همواره امت من در خیر و سعادتند مادام که یکدیگر را دوست بدارند و نماز را به پای دارند و زکات را بپردازند و میهمان دار باشند.

اما اگر چنین نکردند، خداوند آنان را به قحطی و خشکسالی مبتلا می کند..

ص: 89

مردی از امام باقر (علیه السلام) روایت می کند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

اگر به چهار چیز گرفتار شدید به خداوند پناه برید:

\* هر گاه فحشاء در میان ملتی پدید آید و آشکار گردد(1)

! خداوند برای آنها طاعون می آورد و آنها گرفتار بیماری هائی می شوند که در میان پدران آنها سابقه نداشته است.

\* هر گاه مردمی در وزن و کیل خیانت کنند! گرفتار قحطی و فشار زندگی می گردند و حاکم هم به آنها ظلم می کند.

\* هر گاه از دادن زکاة خودداری ورزند! باران برای آنها نازل نمی شود و اگر بارانی هم بیاید برای چهار پایان خواهد بود.

\* هر گاه عهد و پیمانها را با خداوند انجام ندهند و به دستورات رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عمل نکنند! خداوند دشمن را بر آنها مسلط می کند و هر چه دارند را می گیرند. و کسانی که بر خلاف امر خداوند دستوری بدهند، خداوند عذاب و سختی را بر آنان مسلط می سازد(2)

ص: 90

---

1- وظیفه انسان، این است که: وقتی نام آن گناه را می شنود، لا أقل با کلمه ای آن را مذمت کند.

2- ایمان و کفر ترجمه الإیمان و الکفر بحار الانوار جلد 2 صفحه 658

امام سجّاد (علیه السلام) می فرمایند: ... گناہانی که باران آسمان را حبس می کند، موارد زیر می باشند:

- 1- ظلم دستگاه قضایی است... 2- زکات 3- قرض 4- عاریه ندادن 5- سنگدلی کردن نسبت به اهل فقر و فاقه 6- ظلم کردن به یتیمان و بیوگان 7- رد کردن سائل در شب. (1)

پس با دادن زکات باران و رحمت الهی نازل می گردد.

### اثر زکات دادن

جناب حاج مراد خان حسن شاهی ارسنجانلی نقل کرده اند در سالی که بیشتر نواحی فارس به آفت ملخ مبتلا شده بود به قوام الملک خبر دادند که مزرعه های شما در نواحی فسا تمام به واسطه ملخ از بین رفته است.

قوام گفت باید خودم ببینم!

ص: 91

پس به اتفاق ایشان و مرحوم بنان الملک و چند نفر دیگر از شیراز حرکت کردیم. و چون به مزرعه های قوام رسیدیم. دیدیم تماماً خوراک  
ملخ گردیده به طوری که یک خوشه سالم ندیدیم!!!

همینطوری که می رفتیم و تماشا می کردیم، به قطعه زمینی رسیدیم که تقریباً وسط مزرعه بود. در کمال تعجب دیدیم که محصول آن  
سالم است و حتی یک خوشه از گندم ها هم دست نخورده است.

در حالی که محصول زمینهای چهار طرف آن، بکلی از بین رفته بود.

قوام پرسید اینجا چه کسی بذر پاشیده است و متعلق به چه کسی است؟

گفتند: فلان شخصی که در بازار فسا پاره دوزی می کند.

گفت: می خواهم او را ببینم به من گفتند: او را بیاور.

رفتم او را دیدم و گفتم آقای قوام تو را طلبیده است.

گفت: من با آقای قوام کاری ندارم، اگر او با من کار دارد اینجا بیاید.

هر طوری بود با خواهش و التماس او را نزد قوام آوردیم.

قوام از او پرسید: فلان مزرعه بذرش از تو است و تو کاشته ای؟

گفت بلی!

قوام پرسید: چه شده که ملخ همه زراعت ها را خورده جز مال تو را؟

ص: 92

گفت اولاً- من مال کسی را نخورده ام تا ملخ مال مرا بخورد، وثانیاً من همیشه زکات آن را سر خرمن خارج می کنم و به مستحقین می رسانم و مابقی را به خانه ام می برم.

قوام الملک او را آفرین گفت واز حالش سخت در شگفت شد.(1)

ص: 93

---

1- داستان های شگفت آیه الله دستغیب شیرازی صفحه 97



وقتی خداوند بنده خود را دوست داشته باشد، نظر رحمتش را از او بر نمی دارد. و همواره بر او، رحمت و برکات خود را، نازل می فرماید.

آنچه باعث می شود که: خداوند، بنده اش را دوست بدارد؛ موارد گوناگونی است؛ که در قرآن و روایات و آموزه های دینی مطرح شده است. از جمله، می توانیم به مواردی مانند: خلوص نیت، تقوی { یعنی ترک محرمات: مثل دروغ، غیبت، تهمت و دزدی }، تهجد و مناجات شبانه، تواضع، جهاد با نفس، تزکیه، دید و بازدید و سخاوت نام برد.

\* سخن امام سجاد (علیه السلام) (استجاب دعا به شرط محبوب بودن نزد خدا)

ثابت بنانی گفت من و گروهی از عباد بصره از قبیل ایوب سجستانی و صالح مری و عتبه الغلام و حبیب فارسی و مالک بن دینار به حج رفتیم، همین که داخل مکه شدیم؛ دیدیم مردم از نظر آب در مضیقه هستند. و از شدت تشنگی ناراحتند. چون باران کم باریده بود.

مردم متوسل به ما شدند! و تقاضای طلب باران نمودند.

ما که از شدت رنج مردم ناراحت بودیم؛ به نیت دعای باران؛ به جانب کعبه رفتیم. پس از طواف با تضرع و زاری از خدا درخواست باران نمودیم، ولی دعای ما اجابت نشد؟!

در همین میان جوانی که اندوه، ناراحتی و غم در چهره اش آشکارا دیده می شد وارد شد. و طوافی نمود، سپس به سمت ما آمد.

خطاب به ما کرد و ما را صدا زد. فرمود: مالک بن دینار و ثابت بنانی و ایوب سجستانی و صالح مری و عتبه الغلام و حبیب فارسی و یا سعد یا عمر یا صالح اعمی، رابعه، سعدانه، یا جعفر بن سلیمان

عرض کردیم بله. ای جوان!

فرمود: یک نفر از شما را « خدا » دوست نمی داشت که : دعای شما را مستجاب کند؟

گفتیم ما دعا کردیم، بر خداست که اجابت نماید. دیدیم او روی به جانب کعبه نموده و در آن جا به سجده رفت.

در سجده می گفت: الهی ترا به علاقه ای که به من داری!

ص: 95

اینها را از باران سیراب کن، هنوز دعایش تمام نشده بود که: باران چون دهانه مشک باریدن گرفت، گفتم جوان از کجا فهمیدی تورا دوست دارد؟

جواب داد: اگر مرا دوست نمی داشت، به خانه اش دعوت نمی کرد. چون دعوت کرده فهمیدم مرا دوست دارد.

به همین جهت او را به علاقه اش قسم دادم و بعد از پیش ما رفت.

از مردم مکه پرسیدم این جوان کیست؟ گفتند او علی بن الحسین بن علی ابن ابی طالب (علیهم السلام) است. (1)

\* حضرت موسی و دعای باران و سفارش به محبویّت نزد خدا

شهید ثانی (رحمة الله علیه) در کتاب مسکن الفؤاد گفته که روایت شده :

هفت سال قحطی، بنی اسرائیل راه، فرا گرفت. پس موسی با هفتاد هزار نفر جمعیت، برای طلب باران به مناجات رفت. خطاب آمد: ای موسی، من چگونه دعای اینها را قبول کنم. در حالی که! گناهان، بر روی آنان سایه افکننده و باطن آنان خبیث است. مرا دعا می کنند،

ص: 96

ولی یقین ندارند و خود را از مکر من در امان می دانند. برگرد به سوی یکی از بندگان من به نام برخ (که محبوب خدا بوده است) به او بگو: او بیاید دعا کند، من قبول می کنم. (1)

شهید ثانی (رحمة الله عليه) در همان کتاب گفته است که: موسی (علیه السلام) در یکی از مناجاتش عرض کرد:

خداوندا! کدام بنده در نزد تو بیشتر محبوب است؟

خداوند (جل جلاله) فرمود: کسی که وقتی من دوستش را از وی بگیرم، در برابر اراده من تسلیم می شود شکایت نمی کند.

موسی (علیه السلام) عرض کرد: خداوندا! به کدام بنده ات بیشتر خشمناک می شوی؟ خداوند (جل جلاله) فرمود: از بنده ای که در امری با من استخاره می کند. وقتی که انجام کاری را به وی دادم خشمناک می شود. (2)

### موعظه حضرت عیسی و محبوب شدن نزد خدا

ص: 97

---

1- الجواهر السنیه ، کلیات حدیث قدسی صفحه 159

2- الجواهر السنیه ، کلیات حدیث قدسی صفحه 159

در جلد پنجم کتاب بحار الانوار: (کتاب نبوت) باب «موعظ عیسی (علیه السلام)» (از کتاب تحف العقول) نقل نموده است که حضرت عیسی (علیه السلام) به اصحاب خود فرمود:

من شما را می آموزم و تعلیم می نمایم، به جهت آنکه، یاد گیرید و عمل کنید، و نمی آموزم به شما برای آنکه به واسطه علم خودتان، خود بین شوید و عجب را به خود راه دهید، همانا شما نمی رسید! و نائل نمی گردید! به آنچه که می خواهید و قصد دارید (از تقرب و محبوب گشتن نزد خدا) (1) مگر؛

1- به واسطه رها کردن و واگذاشتن آنچه را که به آن میل و رغبت دارید. (یعنی دوری نمودن از خواسته های نفس)

2- پیروز نخواهید شد به چیزی که آرزو می برید مگر به شکیبائی بر آنچه خوش ندارید (یعنی تحمل کردن آنچه دشوار و سخت است بر شما)

3- پرهیزید از نگاه نمودن (یعنی به آنچه مرضی خداوند نمی باشد) پس همانا آن نظر نمودن (یعنی به صورتهای اجنبیات) تخم شهوت را می افشاند، در جان و دلها و بس

ص: 98

---

1- یعنی اگر می خواهید محبوب خدا شوید این کارها را باید انجام دهید.

است این نظر نمودن برای صاحبش در آلوده شدن به گرفتاری (یعنی مبتلا گشتن به گناهان و عقوبت آنها)

4- خوشا به حال، کسی که بینائی و توجه خود را در قلبش قرار دهد. (یعنی با ایمان و علم و عمل، چشم و بینائی باطنی برای خود تهیه نماید و حق و باطل را با آن تمیز دهد که شرافت آدمی به آن است.)

5- نظر نکنید در عیوب مردم مانند مولائی که نظر به عیوب بنده خود نماید، بلکه نظر کنید و بنگرید در عیبهای مردم مانند غلامان (که اگر در موالی و مالکین خود عیبی را می دیدند از نظر خیر خواهی نسبت به آقا و مالک خویش، در پنهانی و با مهربانی و تواضع آن عیب را به آنان می گفتند).<sup>(1)</sup>

از این روایات و بسیاری از آیات و روایات دیگر کاشف به عمل می آید که انسان باید با اعمال و رفتار و گفتار و نگاه نظر خالق خود را جلب نماید، تا نظر رحمت الهی شامل حال بندگان خویش شود.

ص: 99

دعا در قرآن و روایات به عنوان یکی از راه های ارتباطی، با خداوند متعال (جل جلاله) مورد تاکید قرار گرفته و برترین عبادت ها شمرده شده است. و ترک آن از روی تکبر مورد عقاب است.

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ (1)

« و پروردگارتان گفت: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم، ( و تکبر از دعا تکبر از عبادت است ) البته کسانی که از عبادت من تکبر می ورزند، به زودی خوار و سرافکننده وارد جهنم می شوند.»

خداوند مردم را به دعا کردن امر می کند و نوید اجابت می دهد. در این آیه دعا، نوعی عبادت محسوب شده و ترک کننده آن را از سر بزرگ طلبی بیم دوزخ و عذابی خوارکننده داده است.

دعا؛ به زمان و مکان خاصی؛ محدود نشده است. و هر انسانی؛ متناسب با شرایط خود؛ می تواند هر دعایی را انتخاب و بر زبان بیاورد. و یا حتی از قلب بگذراند؛ البته برخی از دعاها، برای اوقاتی

ص: 100

خاص صادر شده و زمان ها و مکان های مناسبی نیز برای دعا کردن سفارش شده است.

البته یک نکته بسیار مهم این است که:

استجاب دعا در آیات و روایات مشروط به رعایت برخی از شروط و ایجاد اسباب آن شده است.

بعضی از شروط آن عبارت است از :

همسویی دل و زبان، انقطاع از غیر خدا و رو کردن با تمام وجود به سوی خدا دعا همراه با شناخت خدا، خضوع و خشوع، دعا همراه با عمل صالح، دعا همراه با استغفار، دعا در جمع مؤمنین و دعا همراه با توسل به اهل بیت (علیهم السلام) از جمله شرایط و اسباب استجاب دعا معرفی شده است.

حال وظیفه ما، دعا کردن برای نزول باران است. به هر طریق یا با زبان و یا با گذراندن از قلب؛ ولی بهتراست اقتداء کنیم به ائمه (علیهم السلام) و این گونه دعا کنیم:

ص: 101



از آنجایی که : باران، به وسیله باد و ابر صورت می گیرد، شایسته است که وقتی ابری را دیدیم، اینگونه دعا کنیم:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُنْشِئُ السَّحَابَ بِقَدَرِهِ، وَ يَسَخِّرُهُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ بَعْدَ مَوْتِهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ هَذِهِ السَّحَابَةِ وَ خَيْرِ مَا فِيهَا، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَ شَرِّ مَا فِيهَا، وَ أَعُوذُ بِكَ أَنْ تَمْطُرْنَا مَطْرَ السَّوَاءِ، اللَّهُمَّ أَنْزِلْ بِهَا عَلَيْنَا رَحْمَةً مِنْ شَيْءٍ، وَ اسْقِنَا بِهَا سُقْيًا نَافِعَةً، وَ اصْرِفْ عَنَّا مَا فِيهَا مِنْ بَلَاءٍ وَ آفَةٍ وَ سَخِطَةٍ وَ نِقْمَةٍ».

«هر ثنایی مخصوص خداوندی است که: ابرها را طبق مصلحت خود ایجاد می کند، و آنها را بین آسمان و زمین خشک مسخر نموده است. خداوندا! خیر این ابر و خیر آنچه در آن است را، از تو می طلبم. و از شر آن و شر آنچه در آن است، به تو پناه می برم. و از اینکه باران زیان بار بر ما ببارد، به تو پناه می برم. خداوندا! با این ابر، رحمتت را بر ما نازل گردان و با آن، آبی «سودمند» بر ما بفرست. و آنچه از اندوه و تباهی و ناخشنودی و عذاب در آن است از ما دور بگردان.»(1)

ص: 102

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ هَذِهِ الرِّيحِ، وَخَيْرِ مَا فِيهَا وَخَيْرِ مَا أُرْسَلَتْهَا بِهِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا، وَشَرِّ مَا أُرْسَلَتْهَا بِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا رَحْمَةً وَلَا تَجْعَلْهَا عَذَابًا، اجْعَلْهَا نِعْمَةً وَلَا تَجْعَلْهَا نِقْمَةً».

«خداوندا! خیر این بادهای و خیر آنچه در آنهاست و خیر آنچه این بادهای، بر آن می‌وزند را، از تو می‌طلبم. و از شر آنها و شر آنچه در آنها است و شر آنچه بر آن می‌وزند، به تو پناه می‌برم. خداوندا! اینها را رحمت قرار ده و سبب عذاب قرار مده. اینها را نعمت قرار ده و سبب رنج قرار نده.»<sup>(1)</sup>

## دعا برای نجات از ضرباران

حکایت اول

سید ابن طاووس (رحمة الله عليه) به سند خود، از عبد الله بن جعفر حمیری در کتاب «دلایل الرضا (عليه السلام)» از سلیمان جعفری [که سندش به امام رضا (عليه السلام) رسیده است] نقل می‌کند که می‌گوید:

ص: 103

1- همان

در مسافرتی که حضرت امام هشتم (علیه السلام) به قصد سرکشی به بعضی از اموال خود می رفت، من همراه ایشان بودم.

هنگام حرکت به یکی از غلامانش دستور داد، قبایی را برایش بردارد! شگفت زده شدم و (با خود) گفتم: می خواهد آن را چه کند!!

هنگامی که قسمتی از راه را پیمودیم، جهت خواندن نماز توقف کردیم. ابرهایی در آسمان پیدا شد و شروع به باریدن کرد. قبا را به روی من و خودش افکند و به سجده افتاد.

من هم با وی به سجده رفتم. سپس سر بلند کردم. آن حضرت هنوز در حالت سجده بود. شنیدم که پیوسته می گفت:

«ای رسول خدا! ای رسول خدا!» پس باران ایستاد. (1)

یعنی امام رضا (علیه السلام) با توسل به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باعث دفع ضرر باران گردیدند. این درس بزرگی است برای ما که دعا و توسل به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ائمه اطهار (علیهم السلام) در زندگی کارگشا می باشد.

ص: 104

سید ابن طاووس (رحمة الله عليه) می گوید: در سفری که از بغداد، از راه مدین، به حله می آمدیم، چون به جایی رسیدیم که از روستاها دور بود؛ ابرهایی در آسمان پدید آمد و غرید و مهیای بارش شد؛ ما آمادگی آن را نداشتیم ولی بارش باران شروع شد.

خداوند به من الهام کرد که بگویم:

يا من يمسك السماوات والأرض أن تزولا، أمسك عتًا مطره و خطره و كدره و ضرره، بقدرتك القاهرة وقوتك الباهرة.

«ای آن که! آسمان ها و زمین را از زوال نگاه داشتی! به قدرت آشکار و نیروی شگفت آمیزت، باران و خطر و آسیب و زیانش را از ما بازدار.» اینگونه، این کلمات و مانند آن را مکرر بر زبان راندم؛ به قدرت خداوند باران قطع شد، تا به روستایی رسیدیم که مسجدی داشت، داخل مسجد شدیم.

در همان لحظه که داخل شدیم، باران سیل آسایی آمد و ما از خطر آن در امان ماندیم. [\(1\)](#)

ص: 105

همچنین نقل می کند: یک بار در زمستان با خانواده ام از کربلا، به بغداد می رفتیم. ابر همه جا را فراگرفت و آسمان غریب و شروع به باریدن کرد. به من الهام شد کلماتی را بدین مضمون به زبان آورم:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَطْرَ تَنْزِلُهُ بِمَصْلَحَةِ الْعِبَادِ وَ مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ مِنْ عِمَارَةِ الْبِلَادِ، فَهُوَ كَالْعَبْدِ فِي خِدْمَتِنَا وَ مَصْلَحَتِنَا، وَ نَحْنُ الْآنَ قَدْ سَافَرْنَا بِأَمْرِكَ رَاجِينَ لِإِحْسَانِكَ وَ بَرَكَ، فَلَا تَسَلِّطْ عَلَيْنَا مَا هُوَ كَالْعَبْدِ لَنَا أَنْ يَضُرَّ بِنَا وَ أَجْرْنَا عَلَى عَوَانِدِ الْعِنَايَةِ الْإِلَهِيَّةِ وَ الرَّعَايَةِ الرَّبَّانِيَّةِ وَ أَجْرِ الْمَطْرِ عَلَى عَوَانِدِ الْعِبُودِيَّةِ وَ اصْرِفْهُ عَنَّا إِلَى الْمَوَاضِعِ النَّافِعَةِ لِعِبَادِكَ وَ عِمَارَةِ بِلَادِكَ؛ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

پروردگارا! این باران را برای مصلحت بندگان و برآوردن نیاز آنان، از جهت آبادانی سرزمین ها فرو می فرستی. پس آن همانند بنده در خدمت ما و در جهت مصالح ماست! و ما هم اینک به فرمان تو و به امید بخشش و نیکی تو مسافرت کرده ایم. بنابراین چیزی را که هم چون بنده ای در مقابل ماست، بر ما چیره نگردان؛ تا به ما زیان رساند. و بهره ی عنایت خداوندی و نوازش بزرگوارانه را بر ما روان ساز و باران را به سود بندگی فرو ریز! و از ما باز

گردان و به جاهایی ببر که برای بندگان و آباد گشتن سرزمین هایت مفید است! به رحمت، ای مهربان ترین مهربانان. (1)

(پس از گفتن این کلمات) باران فوراً ایستاد.

### دعا برای وقتی که آب برای مسافر نایاب شود

سید ابن طاووس (رحمة الله علیه) می گوید در حدیثی دیدم:

گروهی از حاجیان (در راه) دچار بی آبی شدند؛ به گونه ای که در معرض مرگ و نیستی قرار گرفتند. یکی از آنان بی هوش شد و بر روی زمین افتاد.

او در حال اغما مولایمان، امیر مؤمنان (علیه السلام) را مشاهده کرد که به او فرمود: من علی بن ابی طالب ام «چرا از کلمه ی نجات غافل؟!»

پرسید: کلمه ی نجات چیست؟

فرمود بگو: «أدم ملکک علی ملکک بلطفک الخفی»

«به لطف پنهانت، فرمانروایی ات را بر قلمرو، حکومتت به کار گیر.»

مرد به هوش آمد و نشست و دعا را خواند. با آن که وقت باران نبود، خداوند ابری پدید آورد، که از آن باران بارید. و بدان وسیله آن حاجیان، با بهره مندی از عفو و بخشش و احسان خدا، جان خود را نجات دادند و زنده ماندند. (2)

ص: 107

---

1- آداب سفر در فرهنگ نیایش، صفحه 291

2- آداب سفر در فرهنگ نیایش، صفحه 294

آرزو و شهوت رانی، باعث می شود انسان از خدا غافل شود و گناه انجام دهد. که مانع، نزول رحمت شود. پس شایسته و بایسته است که: هر انسانی؛ در هر مقام و رتبه؛ به پیشگاه خداوند زانو بزند و دست به استغفار بلند کند.

خدای سبحان فرموده:

« اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً » (1)

«طلب آمرزش کنید، از پروردگارتان! که آمرزنده گناهان می باشد؛ از آسمان برای شما باران پی در پی می فرستد و یاری می کند شما را به مالها و پسران و باغهای سرسبز و خرم برایتان قرار می دهد و نیز برایتان نهرهای جاری قرار می دهد.»

خدا کسی که توبه اش را مقدم دارد. و شهوتش را ترک کند. و لغزشش را جبران کندرا می آمرزد. زیرا که آرزوی درازش او را

ص: 108

فریب می دهد و مرگش از او پنهان است. نمی داند کی اجلش می رسد. و از طرفی شیطان او را وسوسه می کند. که توبه اش را به تأخیر اندازد تا هلاکش کند و گناه را در نظرش جلوه می دهد، تا انجام دهد. تاشیطان به آرزوی خویش برسد. و او بی خبرترین بی خبران می باشد. پس افسوس! بر بی خبری که، تمام عمرش بر او حسرت و پشیمانی است! و تمام روزگارش را، به سوی بدبختی کشیده است.

پس از خدای تعالی (جل جلاله) می خواهیم که، ما را از کسانی که، نعمتهای خدا را بیهوده مصرف می کنند، قرار ندهد! و بدین سبب کوتاهی در فرمانبرداری پروردگار نکنیم!

### امام صادق و استغفار

در کتاب تحف العقول، باب «مواظظ حضرت صادق جعفر بن محمد (علیهم السلام) و وصایا و سخنان حکمت آمیز آن حضرت» (از کشف الغمه) روایت شده که مالک بن انس گفت:

امام صادق (علیه السلام) روزی به سفیان ثوری فرمود: ای سفیان!

ص: 109



هر گاه نعمتی، به تو داده شد و دوست داری باقی بماند، حمد و شکر خدا بسیار نما، خداوند با عزت و جلال، در کتاب عزیز خود فرمود: « لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ » (هر گاه سپاسگزاری نمودید نعمتها را البته برای شما افزون می کنم) و هر گاه روزی تو دیر رسید، پس بسیار استغفار و طلب آمرزش بنما.

زیرا! خداوند با عزت و جلال در کتاب خود فرمود: از خدای خود طلب آمرزش کنید زیرا، خداوند بسیار آمرزنده (گناهان) است، تا بفرستد برای شما از آسمان باران بسیار و کمک دهد شما را به مالها و پسرها؛ یعنی در دنیا؛ و برای شما بوستان و باغاتی را؛ یعنی در آخرت؛ قرار دهد.

ای سفیان! هر گاه تورا، چیزی از طرف سلطان یا غیر او محزون نمود، پس

« لا حول ولا قوة الا بالله » زیاد بگو،

زیرا این کلام، کلید فرج و گشایش است و گنجی است از گنجهای بهشت. (1)

ص: 110

### اشاره

توسل، به معنای انجام دادن کاری برای تقرب به یک چیز یا شخص است، این کلمه در اصطلاح به معنای واسطه قرار دادن امور خیر و افراد صالح و مقرب درگاه الهی برای بر آورده شدن، درخواست و اجابت دعا است.

در فعل توسل، انسان در هنگام دعا و استغاثه، به درگاه الهی چیزی عرضه می کند که واسطه پذیرش توبه و اجابت دعای او و بر آورده شدن درخواست او است.

شخص یا موضوع یا محل توسل، هر آن کس یا شئی است که نزد خدا محترم است. مانند صفات و اسمای الهی یا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و دعای او یا اولیاء و فرشتگان البته حاجت درخواست شده، می تواند امری، دینی و معنوی و یا حاجتی، دنیوی و مادی باشد.

### تأثیر وجود ائمه و انبیاء در نزول باران

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: خدا ما را آفرید و آفرینش ما را نیکو ساخت (زیرا طینت ما را از علّین قرار داد و استعداد کمالات را در

ما فوق العاده ساخت.) و ما را صورتگری کرد و نیکو صورتگری کرد. (اخلاق حمیده و صفات فاضله را در سرشت ما گذاشت.) و ما را در میان بندگان خویش قرار داد. (تا کردار آنها را بنگریم و نزد او گواهی دهیم.) و در میان خلقتش زبان گویا قرار داد. (تا معارف و حلال و حرام او را برای آنها بیان کنیم.) و دست مهر و رحمت گشوده بر سر بندگانش ساخت. و وجه خود قرار داد که، از آن سوی به او گرایند و ما را دری که او را نشان دهد قرار داد. (پس هر که از این در وارد شود بمعرفت و اطاعت او رسد.) و گنجینه دار میان آسمان و زمینش نمود. (تا معارف و بلکه تمام خیرات او از برکت ما به مردم رسد.) و از برکت وجود ما درختان بارور گردند. و میوه ها برسند. و نهرها جاری شوند. و از برکت ما باران از آسمان ببارد. و گیاه از زمین بروید. (زیرا شناختن و پرستش خدای یکتا و ظهور کمالات نفسانی مخلوق میوه ای است که، از درخت وجود انسان مطلوب است و بدست آمدن این میوه شرایط و معداتی لازم دارد که در اثر تبلیغات فرستادگان و برگزیدگان خدا حاصل آید.) و به وسیله عبادت ما خدا پرستش شد و اگر ما نبودیم، خدا پرستش نمی

گشت. (زیرا پرستش کامل و واجد تمام شرایطی که خدا می خواهد، ما می دانیم و می گوئیم و انجام می دهیم). (1)

### معجزه باران از خاتم پیغمبران (صلی الله علیه و آله و سلم)

ابو العباس زریق از امام صادق (علیه السلام) روایت می کند که فرمودند:

جمعی به نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمدند و گفتند: ای رسول خدا! همانا، بلاد ما دچار قحطی شده است و چند سال پی در پی خشکسالی است. از خدای تبارک و تعالی بخواه تا باران برای ما بفرستد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور داد در مکانی منبری گذاشتند، از خانه بیرون آمد و به منبر رفت و مردم نیز اجتماع کردند، پس آن حضرت به منبر رفت و دعا کرد و به مردم نیز دستور داد آمین بگویند، طولی نکشید که جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد به مردم بگو خداوند وعده کرده در روز فلان و در ساعت فلان باران برای شما بیاید، مردم بانتظار آن روز و آن ساعت روزشماری کردند تا چون ساعت مقرر فرا

ص: 113

---

1- اصول کافی ترجمه مصطفوی، جلد 1، صفحه 197 - و جلد 2 صفحه 92 و جلد 4 صفحه 435 - کامل الزیارات صفحه 213 -  
کمال الدین ترجمه کمره ای جلد 1 صفحه 309 و 313

رسید خدای عز و جل بادی فرستاد، و آن باد ابری را با خود آورد و آسمان را پوشانید و دهنه خود را رها کرد (کنایه از شدت باران است).

همان افراد خودشان به نزد پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده گفتند: ای رسول خدا! از خدا بخواه، تا جلوی باران را بگیرد. که ما نزدیک است غرق شویم! همه مردم جمع شدند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دوباره دست به دعا برداشت و به مردم نیز فرمان داد آمین بگویند. مردی (از میان جمعیت) صدا زد: ای رسول خدا دعا را بلند بخوان، که ما هم بشنویم. زیرا همه دعائی را که تو می خوانی ما نمی شنویم.

فرمود: بگویند: خدایا! باران اطراف ما بیارد نه بر ما، خدایا! این باران را، بر شکم دشت ها بریز و در پای درخت ها و مرتع هائی که، گله داران رمة های خود را می چرانند. خدایا! آن را رحمت قرارش ده و عذاب قرارش مده. (1)

ص: 114

1- روضه کافی ترجمه رسولی محلاتی، جلد 2، صفحه 19- بهشت کافی صفحه 261- اصول کافی، ترجمه مصطفوی، جلد 4، صفحه 222 در ماه رمضان سال ششم هجری خشکسالی و قحطی شدیدی در شهر مدینه رخ داد، پیامبر به درخواست مردم طلب باران کردند و باران آمد. در مورد داستان دعای باران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سه روایت، در کتب دینی آمده است که در ادامه با ذکر منبع آورده شده است: روایت اول و دوم از کتاب صحیح بخاری این کتاب یکی از، معتبرترین کتابهای حدیث نزاهل سنت محسوب می شود که توسط حافظ ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه بخاری (194-256 هجری) در 3450 باب تدوین شده است. روایت اول: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روز جمعه مشغول خواندن خطبه بود که؛ مردی برخاست و گفت: ای پیامبر خدا! چهارپایان هلاک شدند و گوسفندان تلف گشتند. دعا کن که خدا به ما باران بدهد. پس، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دست به آسمان برداشت و دعا کرد. روایت دوم: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روز جمعه خطبه می خواند که مردی برخاست و گفت: ای پیامبر خدا! دعا کن که خداوند بر ما باران بباراند. ناگهان، آسمان ابری شد و باران فرو بارید، چنان که مردم خود را به زحمت به منازلشان رساندند. باران تا جمعه آینده ادامه داشت. پس، همان مرد یا یکی دیگر برخاست و گفت: دعا کن که خداوند، باران را برای ما بند آورد، که آب، همه جا را برد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «بار خدایا! در اطراف ما بباران، نه بر ما». ناگهان ابرها در پیرامون مدینه پراکنده شدند و در خود مدینه، باران بند آمد. روایت سوم از کتاب جلوه های اعجاز معصومین (علیهم السلام) پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز جمعه مشغول خواندن خطبه بود که مردم برخاستند و فریاد زدند و گفتند: ای پیامبر خدا! باران، بند آمده و درختان، زرد شده اند و چارپایان، از بین رفته اند. دعا کن که خداوند بر ما باران بباراند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دو بار فرمود: «بار خدایا! بر ما باران بباران». به خدا سوگند! در آسمان حتی یک تکه ابر هم، مشاهده نمی شد. اما ناگهان! ابرها پدیدار گشتند و فرو باریدند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از منبر به زیر آمد و نماز خواند و رفت. باران تا جمعه بعد همچنان می بارید. چون پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برخاست که خطبه بخواند، مردم باز فریاد زدند که: خانه ها ویران گشتند، و راه ها بسته شدند. دعا کن که خداوند، باران را بند آورد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تبسمی کرد و فرمود: «بار خدایا! در اطراف ما بباران، نه بر ما». ناگهان ابرها از آسمان مدینه کنار رفتند و در پیرامون آن، باریدن گرفتند و دیگر یک قطره هم در مدینه نمی بارید. به مدینه نگریستم. دیدم چونان اکیلی می درخشد. بر این اساس یک بار دیگر، مردم به برکت دعای باران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شاهد کرامت و بزرگواری آن حضرت گشتند و همگان دیدند که چگونه بارش به اطراف و نواحی شهر مدینه محصور گشت و حتی یک قطره هم از آن همه باران به داخل شهر راه نیافت.



نمونه ای از عنایت خداوند (جل جلاله) به حجت خود « حضرت ادریس » علی نبینا و آله وعلیه السلام است.

خداوند تعالی در قرآن می فرماید:

«وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِدْرِيسَ اِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا وَّرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا(1)»

«یاد کن در کتاب ادریس را که همانا پیامبری راستگو بود و ما او را تا مکانی بلند مرتبه بالا بردیم»

امین الاسلام طبرسی طاب ثراه می گوید: منظور از (کتاب) در این آیه قرآن است و (ادریس) جدّ پدری نوح (علیه السلام) است و نام او در تورات (اخنوخ) بوده و به جهت کثرت تدریس کتب « ادریس »

ص: 116

نامیده شد. یعنی کسی که کتاب خدا و احکام او را می نویسد. و او اولین کسی است که؛ به وسیله قلم نوشته است. و نیز اولین کسی است که خیاطی نموده و لباس دوخته است. و گفته شده که خدای سبحان به او علم نجوم و حساب و هیأت را تعلیم داده و همین امر معجزه او بود.

در(علل الشرائع) با اسناد به وهب آورده است :

ادریس (علیه السلام) مردی با شکم بزرگ، تنومند و با سینه ای گشاده بوده که هنگام قدم برداشتن قدم ها را نزدیک و کوتاه بر می داشت. او در باره عظمت خداوند و جلال او تفکر می نمود، که این آسمان ها و زمین و این خلق عظیم محققا پروردگاری دارد که، امر آن را تدبیر و اصلاح می کند.

پس من باید این پروردگار را بشناسم! و حق بندگی او را به جا آورم. لذا به سوی طائفه ای از قوم خود رفت و با موعظه و تذکر آنان را به عبادت خداوند خالق اشیاء دعوت نمود.

هزار نفر دعوت او را اجابت کردند. و او از میان آنها هفت نفر را برگزید. آن هفت نفر به هم گفتند: بیاید ما هفت نفر خدا را بخوانیم، تا ما را به عبادت خود رهنمون شود. آنها دستان خود را بر خاک

ص: 117



نهادند و بسیار دعا کردند. اما چیزی برایشان آشکار نشد. لذا دستان خود را به سوی آسمان دراز کردند، پس از آن خداوند عزّ و جلّ به ادریس (علیه السلام) وحی فرستاد و او را آگاه نمود. و آنها را به بندگی خویش هدایت کرد. و همه کسانی که همراه او ایمان آورده بودند به هدایت الهی راه یافتند. و همواره خداوند تعالی را عبادت کرده و چیزی را شریک او نمی ساختند.

تا اینکه خداوند ادریس را به آسمان بالا برد و کسانی که تابع دین او بودند، به جز عده کمی همگی منقرض شدند و به اختلاف پرداختند و بدعتها و نوآوری هایی از خود جعل کردند. تا آنکه زمان نوح (علیه السلام) فرا رسید.

در کتاب (کافی) با اسناد به امام باقر (علیه السلام) می فرمایند:

ابتدای نبوت حضرت ادریس مصادف با زمان پادشاه ستمگری بود. روزی آن پادشاه در هنگام سواری در دشتی؛ از زمینی سرسبز و شاداب، که متعلق به مردی مؤمن و مخالف او بود، عبور کرد. به آن مرد گفت: این زمین خود را در اختیار من قرار بده!

ص: 118

آن مرد گفت: خانواده من به این زمین محتاج تر از تو هستند! پادشاه گفت: پس آن را به من بفروش، ولی او امتناع کرد. پادشاه خشمگین شد و با حالت غمگین و متفکر به قصر بازگشت.

همسر پادشاه زنی از فرقه ازارقه بود،

که غیر خودشان خون همه را روا می شمارند. لذا وقتی خشم و غضب را در چهره شوهر خود دید، ماجرا را از او پرسید. به او گفت: اگر تو از اینکه او را بی جهت به قتل برسانی؛ کراهت داری؛ من تو را کفایت می کنم. و زمین او را ملک تو می گردانم. آن زن یارانی از فرقه خود داشت که، قتل مؤمنان مخالف پادشاه را جایز می دانستند. به دنبال آنها فرستاد و به آنها دستور داد که، شهادت بدهند که آن مرد مؤمن از مخالفان پادشاه است. و از دین او تبری می جوید. آن افراد به این مطلب شهادت دادند، پادشاه هم او را کشت و زمین وی را غصب کرد!

خداوند؛ از کشته شدن بنده مؤمنش ناراحت شده و به ادریس (علیه السلام) وحی نمود: به نزد این بنده ستمگر من برو و به او بگو: آیا راضی شدی که، بنده مؤمن مرا به قتل برسانی، تا زمین او را غصب کرده و خانواده او را بی سرپرست کنی؟! حال که چنین است، به عزّتم سوگند به زودی انتقام او را، از تو می گیرم. و حکومت و ملک را از

ص: 119

تو می ستانم. و شهر تو را ویران می سازم. و سگ ها را از گوشت همسرت اطعام می کنم. که همانا! حلم و بردباری من باعث غرور تو شده و پنداشته ای دست انتقام ما به تو نمی رسد.

پس ادریس با رسالت پروردگارش، به نزد پادشاه آمد و پیغام الهی را به او ابلاغ کرد. اما پادشاه ستمگر به او گفت: ای ادریس بیرون برو، وگرنه تو را به قتل می رسانم!

همسرش به او گفت: مبادا از پیغام خدای ادریس بترسی! من کسی را می فرستم که او را بکشد و رسالتش را نابود سازد. پادشاه گفت: این امر را به انجام برسان.

از طرف دیگر ادریس (علیه السلام) دارای یارانی مؤمن و مخالف پادشاه بود که، با آنها مؤانست داشت. و به همین جهت، ماجرای تبلیغ رسالت خود برای پادشاه را به آنها بازگو نمود. آنها که آن پادشاه ستمگر را می شناختند از بابت جان ادریس نگران شدند.

همزمان همسر پادشاه چهل مرد از ازارقه را فرستاد، تا ادریس را بکشند. آنها در جستجوی ادریس به اطراف پراکنده شدند، ولی او را نیافتند.

یاران ادریس آن افراد را مشاهده کردند و دانستند که در جستجوی ادریس هستند. پس در طلب او روان شده و وقتی او را ملاقات کردند، گفتند: ای ادریس از این شهر بیرون برو! و بر جان خود بیمناک باش! چون این پادشاه ستمگر تو را خواهد کشت.

ادریس از آن قریه بیرون آمد؛ در حالی که جمعی از یارانش همراه او بودند، در هنگام سحر ادریس با پروردگارش مناجات کرد و گفت: پروردگارا! توبه من وعده دادی که، آن جبار را به قتل می رسانی، پس چه شد؟ خداوند به او، وحی کرد که از این قریه بیرون برو و کار او را به من واگذار کن. پس قسم به عزّت من امر خود را در باره او اجرا می کنم.

ادریس گفت: پروردگارا من درخواستی دارم.

پروردگار فرمود: بخواه تا آن را به تو بدهم. ادریس گفت: از تو می خواهم که باران بر این شهر و اطراف آن نبارد؛ تا وقتی که من از تو درخواست کنم. خداوند عزّ و جلّ فرمود: در این صورت این شهر ویران می شود؛ اهل آن دچار قحطی و گرسنگی می شوند. ادریس به این عذاب رضایت داد و خداوند درخواست او را اجابت کرد.

ص: 121

ادریس یاران خود را خبردار کرد و آنها همراه ادریس از شهر خارج شدند. عده آنها بیست نفر بود، که در شهرهای مختلف پراکنده شدند. و ماجرای رسالت ادریس را، در آن شهرها بیان می نمودند. و خود ادریس به غاری در دل کوه پناه برد و خداوند فرشته ای را مأمور کرد تا، در هر عصر طعام او را برایش ببرد.

در این زمان خداوند متعال (جل جلاله) پادشاهی آن ستمگر را سلب نمود، دیار او را ویران کرد و او به قتل رسید. و سگان شهر از گوشت همسرش ارتزاق کردند و همه اینها به جهت قتل آن مؤمن و غصب اموال او بود! پس از آن در شهر، ستمگر دیگری به فرمانروایی رسید.

نیامدن باران پس از خروج ادریس بیست سال طول کشید. بنا بر این احوال ساکنین آن شهر به وخامت رسید. به طوری که به سختی طعام خود را از شهرهای مجاور تهیه می کردند. مردم می گفتند: هر آینه ما به دعای ادریس دچار این مصیبت شده ایم و آسمان بر ما نخواهد بارید، تا وقتی که او از خدایش درخواست کند. ولی از مکان ادریس بی اطلاع بودند که از او طلب عفو نمایند.

ص: 122

در این زمان، همگی تصمیم گرفتند که به سوی خدا توبه و رجوع نمایند. و از او بخواهند که نزولات آسمانی را بر ایشان فرو فرستد. لذا برای استجابت دعای خود، با لباسهای خشن بر خاکستر نشستند، و خاک بر سر ریختند و از خدا طلب عفو نمودند. خداوند مهربان به ادریس (علیه السلام) وحی کرد که، هر آینه قوم تو توبه کرده اند. و من خدای بخشنده و مهربان و توبه پذیرم. پس به آنها نظر رحمت کرده ام، و هیچ چیز مانع از فرستادن باران نیست؛ جز درخواستی که تو از من نموده ای که، من برای آنها باران نبارم تا وقتی که تو درخواست کنی؛ پس ای ادریس! تو نیز از من بخواه که بر آنها باران فرو فرستم. (1)

ادریس گفت: خدایا من از تو درخواست نمی کنم! (2) لذا خداوند (جل جلاله) به ملکی که، مأمور رساندن غذای ادریس بود؛ وحی کرد که به او غذا رساند. آن روز تا شب غذایی به ادریس نرسید. پس گرسنه و

ص: 123

---

1- امر خدای تعالی به ادریس در خصوص دعا کردن برای نزول باران، بر سبیل حتم و وجوب حمل نشود، بلکه از باب استحباب و جواز بوده است.

2- در این حکایت اشاره ای وجود دارد که غضب اولیاء خدا در راه پروردگار شدیدتر از غضب خداوند است، چون رحمت و حلم خدای متعال بر غضب او پیشی گرفته است.

غمگین شد و وقتی روز دوم هم غذایش نرسید، گرسنگی او شدت گرفت. لذا به مناجات پرداخت و گفت: پروردگارا! قبل از اینکه مرا قبض روح کنی، روزی مراقب نموده ای؟! خداوند (جل جلاله) به او وحی کرد که: ای ادریس! تو از اینکه، غذایت سه روز قطع شده به جزع افتاده ای، اما چون از گرسنگی اهل قریه ات بی خبری! و نمی دانی که در این بیست سال بر آنها چه گذشته است. از بابت احوال آنان جزع نمی کنی، و وقتی هم که من تو را از توبه و کوشش آنان در، جلب رحمت خود خبردار نمودم و به تو امر کردم که از من درخواست نزول باران نمایی، دریغ ورزیدی!!! و بر آنها بخل نمودی، و وقتی که گرسنگی را چشیدی صبر تو به انتها رسید و جزع و فزعت آشکار شد. پس حالا از جای خود برخیز و خودت معاش خود را مهیا کن، هر آینه من روزی تو را به چاره اندیشی خودت واگذار کردم.

لذا ادریس از جای خود برخاست و برای طلب طعامی که سدّ جوع کند به جانب غیر رهسپار شد.

وقتی که وارد روستایی شد، دید از بعضی خانه ها دود برخاسته، گویا که غذا می پزند. به سوی آن شتافت. دید پیرزنی دو قرص نان را، در تنور طبخ می کند.

به او گفت: ای پیر زن! اندکی طعام به من

ببخش، که از گرسنگی بی رمق شده ام. آن پیر زن به او گفت: ای بنده خدا نفرین ادریس برای ما طعام اضافه ای باقی نگذاشته، که آن را به غیر خود اختصاص دهیم، برخیز و روزی خود را در غیر این شهر جستجو کن. ادریس گفت: ای زن من از گرسنگی در حال مرگم و قدرت ایستادن بر پای خود را ندارم، لا اقل اندکی از طعام خود را به من بده. پیر زن گفت: این دو قرص نان، یکی از آن من است و دیگری متعلق به پسر من است و اگر رزق خود یا پسر من را به تو بدهم، ما خودمان از گرسنگی خواهیم مرد. ادریس گفت: نصف قرص نان، فرزندان را کفایت می کند و او را زنده نگاه می دارد. و نصف دیگر هم مرا کفایت می کند و باعث نجات من از مرگ می شود.

پیر زن نان خود را خورد و نان فرزندش را تقسیم کرد، تا نصف آن را به پسر و نصف دیگر را به ادریس بدهد. وقتی آن کودک دید که، مادرش نان او را نصف کرده تا نیم آن را به دیگری بدهد، از شدت اضطراب و اندوه دق کرد و فوت کرد. آن زن به ادریس گفت: ای بنده خدا تو باعث، مرگ فرزندم شدی! ادریس گفت: جزع و بیتابی مکن، من به اذن خدای متعال او را زنده می سازم، لذا بازوی آن پسر را گرفت و گفت: ای روحی که به اذن خدا از بدن این پسر



خارج شده ای، من ادریس نبی هستم، اکنون به اذن خدا به بدن این پسر بازگرد، آن وقت روح آن پسر به اذن الهی به بدن او بازگشت.

وقتی آن پیر زن این سخن را شنید و زنده شدن فرزند خود را مشاهده کرد. گفت: شهادت می دهم که تو ادریس نبی هستی، آن وقت بیرون رفت و با صدای بلند مردم را خبردار کرد و گفت: بشارت باد بر شما که به زودی فرج و گشایش فرا می رسد، چون ادریس به شهر شما وارد شده است.

ادریس رفت تا در جایگاه آن پادشاه جبار که بر بالای تپه ای بود، قرار گرفت.

مردم اهل قریه به دور او اجتماع کردند و به او گفتند: ای ادریس در این بیست سال گرسنگی و مشقت فراوان بردیم، اکنون تو از خداوند درخواست کن تا آسمان بر ما ببارد.

ادریس گفت: هرگز! مگر اینکه پادشاه ستمگرتان و جمیع اهل این شهر با پای پیاده به اینجا بیایند و از من درخواست نمایند. [\(1\)](#)

ص: 126

---

1- هدف حضرت ادریس از تأخیر در دعا به ذلت کشاندن و تنبیه نمودن آنها به دلیل طغیان و فساد ایشان بوده است. و همچنین برای اینکه با او همان طور که در مرتبه اول مخالفت نمودند، مخالفت نمایند.

این سخن به گوش پادشاه رسید. لذا او چهل نفر را فرستاد تا ادریس را به نزد او بیاورند.

ادریس وقتی سرکشی آن پادشاه را مشاهده کرد، آنها را نفرین نمود و آن چهل نفر هلاک شدند. این مطلب به گوش پادشاه رسید، این بار پانصد مرد به نزد ادریس فرستاد تا او را به نزد وی ببرند. وقتی آن پانصد مرد ادریس را یافتند.

ادریس گفت: به مردانی که قبل از شما برای بردن من آمده اند، نگاه کنید و سرنوشت خود را حدس بزنید.

آنها گفتند: ای ادریس! بیست سال است که ما را به بلای گرسنگی مبتلا کرده ای و اکنون نفرین می کنی تا ما هلاک شویم، به ما رحم کن. ادریس مجدداً تکرار کرد، من برای بارش باران دعا نمی کنم، مگر اینکه، پادشاه شما و همه مردم با سر و پای برهنه به نزد من بیایند!

ص: 127

مردم به نزد پادشاه رفتند و او را از گفتار ادريس باخبر کردند و از او خواستند که همراه ایشان به نزد ادريس روانه شود. آن جبار هم مجبور به اطاعت شد.

همگی با حالت خضوع و خشوع به نزد ادريس رفته و از او درخواست کردند که برای بارش باران دعا کند. ادريس به آنان جواب مثبت داد و به درگاه الهی دعا کرد که آسمان بر آن شهر و اطراف آن بیارد.

ناگهان! ابرها نمودار شدند و رعد و برق در گرفت و آن قدر باران بارید که مردم، پنداشتند غرق خواهند شد و هر یک از آنها در حالی به خانه خود بازمی گشتند که مهم ترین مقصدشان نجات از سیل بود. (1)

## نگهداری مرغ و خروس و کبوتر

### اشاره

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَ

ص: 128

ظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَبِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (1)

« جز این نیست که، زندگانی دنیا شبیه به آبی ماند که از آسمان فرو می فرستیم تا با آن باران، انواع مختلف گیاه زمین از آنچه آدمیان و حیوانات تغذیه کنند بروید، تا آنگاه که زمین از خرمی و سبزی به خود زیور بسته و آرایش کرده و مردمش خود را بر آن قادر و متصرف پندارند، ناگهان فرمان ما به شب یا روز در رسد و آن همه زیور زمین را درو کند و چنان خشک شود که گویی دیروز در آن هیچ نبوده (این حقیقت حال فَنای دنیا است) این گونه خدا آیاتش را روشن بر اهل تفکر بیان میفرماید.» (2)

طبق آیه شریفه این مسئله که خداوند باران را برای تغذیه انسان و حیوانات نازل می کند؛ یکی از بدیهیات است. طبق این آیه و روایاتی که امر بر نگهداری حیوانات و یا پرندگان در منزل وارد شده است؛ به این نتیجه می رسیم که : یکی از فوائد نگهداری آنها، نزول باران می باشد.

ص: 129

1- سوره یونس آیه 24

2- ارشاد القلوب ترجمه مسترحمی جلد 1 صفحه 38

\* رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید:

ای گروه مهاجران، پنج خصلت است مبادا! به آنها دچار و گرفتار شوید، پناه بر خدا اگر به آنها دچار شوید:

✓ چون قومی آشکارا، مرتکب کارهای زشت شوند! به بلا و بیماری هایی گرفتار می شوند که در گذشتگان شان سابقه نداشته است.

✓ چون از پیمانہ و ترازو بکاهند! به قحط سالی و مشکلات زندگی و ستم سران خویش گرفتار می آیند.

✓ اگر زکات اموال خویش را نپردازند! از باران آسمان محروم می مانند. اگر حیوانات نباشند هرگز برایشان باران نمی بارد.

✓ چون با خدا و رسولش عهدشکنی کنند! دشمنی از قومی دیگر بر آنان چیره می شود. و بخشی از اموال و قدرت آنان را می ستاند.

ص: 130

✓ اگر پیشوایانشان به کتاب خدا حکم نکنند و حکم نازل شده از جانب خدا را برنگزینند! خداوند متعال آنان را دچار فتنه درونی می کند. (1)

## آهو و باران

علامه مجلسی (رحمة الله علیه) می گوید: در کتابی دیدم که در سالی، در منطقه ای قحطی شد. تابستان از بی آبی بسیار گرم شد. لذا مردم برای خواندن نماز استسقاء بیرون رفتند. بعد از نماز دیدند باران نیامد. لذا در مانده شدند! نویسنده می گوید: من به کوهی رفتم و دیدم ماده آهوئی بر سر آبگاهی که قبلا آب داشت آمد؛ گویا آبگاه او بوده است. و چون رسید و پوز خود را در آن زد، آبی در آن ندید! گویا سخت تشنه بود! دیدم ایستاد و سر به آسمان جنبانید چیزی نگذشت ابری آمد سراسر و باران بسیاری بارید (2)

ص: 131

---

1- پیام پیامبر، ترجمه فارسی، صفحه 115

2- آسمان و جهان ترجمه کتاب السماء و العالم بحار، جلد 8، صفحه 71

امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

سلیمان قلعه ای داشت که پریان برای او ساخته بودند. در آن قلعه، هزار حجره قرار داشت. درون هر حجره ای یکی از همسران وی زندگی می کرد. از میان آن زنان هفتصد تن از کنیزکان قبطنی بودند و بقیه از زنان اشراف و آزاده بودند.

سلیمان برای ساختن هر بنایی پریان را موظف کرده بود تا تخته سنگهای بزرگ را از نقطه ای به نقطه دیگر حمل نمایند. روزی ابلیس از آنها پرسید: در چه وضعیتی به سر می برند؟ آنها پاسخ دادند: طاقت از کفمان بیرون رفته است.

شیطان خطاب به آنها گفت: این طور نیست چون شما در مسیر برگشت به کاری مشغول نیستید.

باد صحبت میان آنها را به اطلاع سلیمان رساند. او از همان روز دستور داد تا پریان به هنگام بازگشت از محل کار! گل و خاک را با خود حمل نمایند.

بار دیگر ابلیس به سراغ پریان آمد و از کیفیت زندگی آنها سؤال کرد. آنها پاسخ دادند: در روز، کاری بسیار سنگین بر عهده ماست. ابلیس به

آنها روی نموده و گفت: این طور نیست چون شبها را به استراحت می پردازید.

سلیمان که متوجه گفتگوی آنها شده بود، دستور داد تا پریان را صبح و شب به کار وادارند. و این وضعیت تا زمان رحلت سلیمان ادامه داشت.

می گویند روزی سلیمان همراه سپاهیانش مرکب از آدمیان و پریان برای استسقاء و طلب باران به بیرون شهر رفتند. در این هنگام مورچه ای که بالهایش را گشوده و دستانش را به آسمان بلند کرده بود(1) لنگان از کنار سلیمان گذشت.

او در دعایش می گفت: خداوندا! من یکی از مخلوقات تو هستم و از روزی بی بهره ام، ما را به خاطر گناهان انسانها مؤاخذه مفرما! و باران رحمت را نازل فرما.

در این لحظه سلیمان به همراهانش رو نموده و گفت: باز گردید که کسی غیر از جنس شما، شفاعتتان را نموده است.(2)

ص: 133

---

1- بعضی نوشته اند که مورچه ای را دید که بر روی پای خود ایستاده بود. و بعضی می گویند: مورچه ای را دید که بر روی کمر خوابیده بود.

2- داستان پیامبران یا قصه های قرآن از آدم تا خاتم صفحه 514 - من لایحضره الفقیه جلد 2 صفحه 238 - روضه کافی جلد 2 صفحه 57 - بهشت کافی صفحه 291



روایت شده که خدای تعالی (جل جلاله) فرموده(1):

هر کس به من اعتماد و توکل کند و روگردان از مخلوق من باشد، ضامن روزیش می گردانم آسمان (را به باریدن باران) و زمین را (به رویانیدن ما محتاج او) و اگر مرا خواند اجابتش می کنم. و اگر چیزی طلب کرد به او عطا می نمایم. و اگر طلب کفایت امور کرد کفایتش خواهم کرد. و هر که اعتماد و توکل به مخلوق کرد!

اسباب روزیش را از آسمان و زمین قطع می کنم. و اگر مرا خواند اجابتش نکنم. و اگر چیزی سؤال کرد به او ندهم. و اگر درخواست کفایت امور کرد کفایتش ننمایم.(2)

## فرمانبرداری خدا

از پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است که خداوند (جل جلاله) می فرماید:

اگر بنده هایم فرمانم برند، شب به آنها باران دهم و روز آفتاب بی غرّش رعد نصیبشان خواهم کرد.(3)

ص: 134

---

1- وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَيَّ اللَّهُ فَهُوَ حَسْبُهُ (سوره طلاق آیه 3)

2- ارشاد القلوب ترجمه مسترحمی جلد 2 صفحه 94

3- آسمان و جهان ترجمه کتاب السماء و العالم بحار، جلد 3، صفحه 307

امام باقر (علیه السلام) فرمودند :

مردی در بنی اسرائیل بود که دو دختر داشت. یکی از آن دو دختر را، به شخص کشاورزی شوهر داد و دیگری را به کوزه گری شوهر داد. روزی به دیدار دختران خود رفت.

نخست به دیدن زن کشاورز رفت و از او پرسید: حال شما چطور است؟ گفت: شوهرم زمین های زیادی را کاشته است، اگر خداوند بارانی از آسمان بفرستد، از همه بنی اسرائیل حالمان بهتر خواهد بود.

از آنجا به دیدن دختر دیگرش، که زن کوزه گر بود رفت و از او پرسید: حال شما چطور است؟ پاسخ داد: شوهرم کوزه زیادی ساخته است، اگر خدا از آسمان باران نبارد (که کوزه های ما خشک شود.) کسی در میان بنی اسرائیل حالش بهتر از ما نخواهد بود.

آن مرد از نزد آن دختر بیرون آمد وگفت: خدایا تو خدای هر دوی اینها هستی.

یعنی خود دانی و خواهش مختلف این دو! (1)

ص: 135

اینجا درس بزرگی که یاد می‌گیریم این است که: همان‌طور که آن مرد قضاوتی نکرد و کار هر دو دخترش را به خدا واگذار کرد ما هم، امورات خود را به خدا واگذار کنیم. و در آمدن و یا نیامدن باران اظهار نظر نکنیم و ایمان به خدا داشته باشیم، چرا که کار خدا بی‌حکمت نیست.

### آیا هر موقعی ما باران خواستیم باید ببارد

قومی از بنی اسرائیل به پیامبر خود گفتند: از پروردگار خود بخواه، هر گاه که ما خواستیم آسمان بر ما ببارد. آن پیامبر همان دعا را بر زبان جاری کرد و خداوند دعای او را پذیرفت و آسمان به میل آنها بارید، پس زراعت کردند و کشت و زرع خوبی به بار آمد، اما وقتی درو کردند، هیچ چیز در خوشه‌ها نیافتند.

با تعجب به خود می‌گفتند: ما باران را برای منفعت بیشتر می‌خواستیم. پس چرا اینگونه شد!

آنگاه خداوند به پیامبرشان وحی کرد: این به جهت آن بود، که آنها به تدبیر من راضی نشدند. [\(1\)](#)

ص: 136

کسانی هستند که به خدا یقین ندارند؛ هرچند که به زبان می گویند خدا را قبول دارند؛ ولی نسبت به حکمت خدا شکایت دارند. که این از روی جهل و نادانی اوست. در حالی که هر انسانی وظیفه دارد در مقابل حکمت های خدا سر فرود آورد!!!

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: خداوند متعال به حکمت و جلالش؛ آسایش و گشایش را در «رضا و یقین» و حزن و اندوه را در «نارضایتی و شک» قرار داد. (1)

یعنی کسانی که از کار خدا راضی هستند و به مرحله یقین رسیده اند آرامش و آسایش نیز دارند.

و کسانی که از کار خدا ناراضی هستند و شک و تردید دارند؛ همیشه متزلزل و ناراحت هستند. اینها پیوسته در کار خدا چون و چرا می کنند که چرا هوا گرم است؟ چرا هوا سرد است؟ چرا باران می بارد؟ چرا باران نمی آید؟ چرا مریض می شوم؟ اگر چنین نمی کرد، چنان نمی شد و....

امام علی (علیه السلام) درس زندگی را نسبت به امورات و سر درگمی؛ در توصیه خود به فرزندشان تعیین می فرمایند:

ص: 137

«پس اگر چیزی از این مطالب بر تو مشکل آمد، آن را بر نادانی خود حمل کن. زیرا تو در ابتدای آفرینش نادان بودی و سپس دانش آموختی. چه بسیار از اموری را که تو نمی دانی و نسبت به آن سرگردان و گمراهی و سپس بینا و آگاه می شوی»<sup>(1)</sup>.

امام (علیه السلام) در این جمله شریف، بزرگترین رمز حلّ این مشکل را بیان کرده است! و آن موضوع جهالت و نادانی انسان است.

بشر از مادر متولد می شود، در حالی که از علم و سواد هیچ بهره ای ندارد، و وقتی بزرگ می شود، هر مطلبی را که می شنود، برایش تازگی دارد و عجیب و غریب است. زیرا به واسطه سابقه جهلش آن را ناآشنا و غیر مأنوس می یابد، بسا ممکن است انسان مطلبی را بشنود که آن را محال و غیر ممکن بداند و سپس دیر یا زود با وقوع و انجام آن مواجه شود، پس چگونه می تواند، هر چه را نفهمید انکار کند؟!.

تا بدان جا رسید دانش من \*\*\* که بدانم همی که نادانم

ص: 138

با تلاوت قرآن می توانیم، بیماری های خود را برطرف کنیم و بلاها را دور کنیم. و همچنین می توانیم مشکل خشکسالی را برطرف کنیم. چرا که خدا باران را برای قاریان قرآن می فرستد.

البته باید قرآن با شرایط آن قرائت شود.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: قاریان قرآن بر سه دسته اند:

✓ مردی قرآن را برای این آموخته که به دنیا برسد، و از پادشاهان و حکام حقوق بگیرد و بر مردم قدرت پیدا کند و به آنها زور بگوید.

✓ مردی قرآن را به خوبی یاد گرفته ولی به آن عمل نمی کند و احکام و حدود آن را فراموش کرده است.

✓ مردی قرآن را فرا گرفته و از آن بهره مند می شود و شب ها تلاوت می کند و در مساجد به عبادت مشغول می شود و بیماری های قلب خود را با قرآن شفا می دهد، خداوند به سبب اینها بلاها را از زمین دفع می کند و باران می فرستد و این ها بسیار عزیز و محترم می باشند. (1)

ص: 139

نگه داشتن حرمت نان باعث جلب نظر باری تعالی می شود و به سبب آن باران و رحمت الهی می بارد.

\* امام صادق (علیه السلام) می فرمایند، که پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

نان را گرامی دارید که آنچه میان { عرش تا فرش } است در آن کار کرده با آفریده های بسیارش.

سپس به آنهایی که با پیامبر (علیه السلام) در گردش بودند فرمود: برای شما حدیثی نقل نکنم؟ گفتند: چرایار رسول الله پدران و مادران ما به قربانت.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: پیامبری به نام دانیال (علیه السلام) بود که روزی با دادن قرص نانی، به صاحب یک کشتی از او خواست تا او را سوار کشتی کند. اما صاحب کشتی گرده نان را گرفت و پرتاب کرد و گفت: نان به چه کار من می آید؟ نان آن قدر فراوان است که زیر پا لگدمال می شود. وقتی دانیال این امر را مشاهده کرد؛ دست به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! نان را گرامی بدار، دیدی که این بنده با نان چه کرد؟ در اثر این دعا خداوند به آسمان فرمان داد که باران نبارد و به زمین وحی نمود که مانند سفال خشکیده شود.

در نتیجه قحطی فرا رسید تا آنجا که مردم به جان یک دیگر افتادند تا همدیگر را بخورند! چنانچه دوزن که هر دو فرزند کوچک داشتند، با هم قرار گذاشتند که روز اول بچه یکی از زنها را و روز دوم بچه دیگری را بخورند.

روز اول کودک یکی از زنها را خوردند و نوبت به دومی رسید، ولی مادرش امتناع کرد، پس! برای مرافعه نزد دانیال رفتند و مطلب را به او ابلاغ کردند، دانیال با شنیدن این ماجرا گفت: یعنی امر گرسنگی شما به اینجا رسیده که کودکان خود را می خورید؟

لذا! دست به آسمان بلند کرد و گفت: خداوندا! فضل و رحمت خود را، به ما باز گردان و بی گناهان و کودکان را به گناه صاحب آن کشتی و بی حرمتی او به نعمت خود، عذاب مکن.

پس خداوند متعال (جل جلاله) به آسمان فرمان داد، تا بر زمین ببارد و به زمین فرمان داد: ای زمین برای روزی خلقم خیر خود را برویان، چون من به کودکان صغیرشان رحم نمودم. [\(1\)](#)

ص: 141



\* رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: که گرده های نانتان را کوچک بسازید، زیرا با هر گرده نان برکتی است. (1)

\* یعقوب بن یقظین گفت: دیدم امام رضا (علیه السلام) گرده نان را به سوی بالا می شکست. (2)

\* امام رضا (علیه السلام) فرمودند: که نان را با کارد نبرید!! آن را بشکنید. (3)

ص: 142

---

1- کافی جلد 6 صفحه 303

2- همان {به سوی بالا شکستن نان دوراه دارد یکی که روشن تر است این است که ، نان خشک را از دو سو به سمت زیر فشار دهند تا از بالا شکسته شود. دوم اینکه نان نرم یا نمدار را از طرف پائین بکشند تا از بالا جدا شود.}

3- آسمان و جهان ترجمه کتاب السماءوالعالم بحار، جلد 10 صفحه 87 - کافی جلد 6 صفحه 304

در قرآن کریم خداوند تبارک و تعالی می فرماید:

أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را»

پس وظیفه انسان این است که : در همه حال؛ هر چه می خواهد را از درگاه حضرت حق (جل جلاله) بطلبد.

حال اگر زارع و کشاورز، بذر و تخم خوب، که هیچ گونه عفونت و کرم زدگی در آن نیست را در زمین مناسب و آماده، بکارد. و امور مورد نیاز و آبیاری در مواقع لازمه را مراعات نماید. و خارها و علف های هرز و مزاحم و آنچه که مانع رشد و نمو و یا باعث فساد آن می شود را، از میان بردارد. و زراعت را مراقبت نماید.

ولی آب ندارد و فقط به انتظار آب باران نشسته است، آنهم در مناطقی که البته آمدن باران محال نیست ولی اطمینان هم به آمدن باران ندارد؛ این حالت می شود تمنی و آرزو؛ با این عمل به خداوند، می رسانیم که خدایا شما دستور دادید که: أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ و از طرفی فرمودید که: از زمین استفاده کنیم که گرسنه نمایم،

من هم اجابت کردم زمین را آماده کشت کرده ام و منتظر رحمت تو هستم.

این عمل، نشان دهنده پیام هایی است که از جمله آن این است که : دل را از خارهای اخلاق زشت و ناپسند تطهیر و پاکیزه کرده باشد و همچنین انتظار توفیق و لطف الهی را دارد.

ص: 144

## کمک به برادران دینی

« إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (1) »

«به یقین ما فرستادگان خود و کسانی که به آنان ایمان آورده اند را یاری می دهیم»

از آیه فوق و روایات ذیل؛ استفاده می شود که کمک کردن به برادران مؤمن و عارف؛ خود راهی برای محبوب شدن نزد خداست. و کسی که نزد خدا محبوب شد مورد حمایت و یاری خدا می شود. پس وقتی خدا بنده خوب خود را در سختی ببیند او را یاری می کند و خدا وعده خلافی نمی نماید.

از جمله آن سختی ها می توان خشکسالی و موضوعات مربوط به آن باشد.

ص: 145

---

1- سوره غافر آیه 51

\* بارش باران با دعای امام رضا (سفرارش ایشان کمک به برادران)

درعیون اخبار الرضا آمده است که : حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) از پدر خود از جد بزرگوارش نقل کردند که:

حضرت امام رضا (علیه السلام) وقتی ولیعهد مأمون شد. مدتی باران نیامد. گروهی از اطرافیان مأمون و طرفداران او می گفتند: بین از وقتی که علی بن موسی الرضا (علیه السلام) ولیعهد شد باران قطع گردید. این حرف به گوش مأمون رسید، ناراحت شد (1).

به حضرت امام رضا (علیه السلام) عرض کرد: باران مدتی است نمی بارد، اگر صلاح بدانید، دعا بفرمائید، شاید خداوند باران عنایت کند.

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: بسیار خوب!

مأمون پرسید، چه وقت برای طلب باران می روید؛ آن روز، روز جمعه بود.

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: روز دوشنبه پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دیشب بخوابم آمد، با امیر المؤمنین (علیهما السلام) فرمود: پسرم انتظار روز دوشنبه را داشته

ص: 146

---

1- شاید منظور این بوده که چون امام را به اجبار به طوس (مشهد) آورده اید و امام از این امر ناراحت هستند. لذا خداوند نظر لطفش را از این سرزمین برداشته است.

باش، به صحرا برو و طلب باران کن خداوند باران می بارد، به آنها نشان بده مقامی را که خداوند (جل جلاله) به تو اختصاص داده، تا بیشتر از فضل و مقامت در نزد خدا مطلع شوند.

امام رضا (علیه السلام) روز دوشنبه به صحرا رفتند. مردم تمام به تماشا آمده بودند، امام روی منبر رفتند، حمد و سپاس خدا را کرده، سپس فرمودند: بار خدایا! تو مقام ما، خاندان نبوت را، بالا برده ای. مردم به ما توسل می جویند، همان طوری که دستور داده ای و امیدوارند که مشمول فضل و عنایت و لطف و نعمت تو شوند.

خدایا! بارانی نافع و همه جا گیر بدون تأخیر و بی ضرر، بفرست که این باران وقتی بیارد که آنها از اینجا رفته اند و به منزل های خود رسیده باشند.

گفت: به خدائی که محمد را به نبوت ارسال داشت؛ بادهای ابرها را به یکدیگر پیوستند. و رعد و برق شروع شد. مردم به خود جنبیدند و به واسطه باران تصمیم رفتن داشتند.

حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند: صبر کنید مردم! این ابر مال شما نیست، مربوط به فلان شهرستان است.

ابرد شد.

ص: 147

باز ابر دیگری آمد، که دارای رعد و برق بود، مردم حرکت کردند امام رضا (علیه السلام) فرمودند: صبر کنید این ابر برای شما نیست؛ مربوط به فلان ناحیه است.

همین طور تا ده ابر می آمد و رد می شد. و حضرت امام رضا (علیه السلام) می فرمودند: صبر کنید این ابر مربوط به شما نیست، برای فلان ناحیه است.

تا ابر یازدهم آمد.

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: این یکی را، خدا برای شما فرستاده، سپاسگزاری کنید بر لطف و نعمت خدا و به منزل های خود بروید. ولی ابر نمی بارد تا وقتی شما وارد منزل های خود شوید بعد آن طور که شایسته کرم و لطف خداست خواهد بارید. در این موقع از منبر پائین آمد و مردم بازگشتند. ابر پیوسته در هوا بود ولی نمی بارید تا مردم نزدیک منزل های خود رسیدند. آنگاه بارانی شدید بارید، که تمام نهرها و حوض ها و گودی ها و بیابانها پراز آب شد.

مردم می گفتند: واقعا چه مقامی دارد پسر پیامبر گوارا با داور این مقام و لطف خدا.

ص: 148

بعد حضرت امام رضا (علیه السلام) بیرون آمدند. گروهی از مردم نیز اجتماع داشتند.

به آنها فرمودند: مردم از غضب خدا بپرهیزید و قدر نعمت او را بدانید. مبادا با معصیت، نعمت را از خود، سلب کنید.

به وسیله اطاعت و بندگی و شکر و سپاسگزاری دوام و بقای آن نعمت ها را بخواهید.

بدانید که شما سپاس و شکر چیزی را بعد از ایمان به خدا و اعتراف به حقوق اولیاء خدا از آل محمد نخواهید داشت که محبوب تر نزد شما باشد از کمک به برادران دینی خود در امور دنیا که وسیله رسیدن به بهشت خدا است، کسی که چنین کند از مقربین درگاه خدا خواهد بود. (1)

ص: 149



مهماننداری موجب مغفرت و آمرزش گناهان میزبان می گردد.

عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال مَنْ أَطْعَمَ ثَلَاثَةَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ (1)

هرکسی که سه نفر از مسلمین را اطعام طعام کند غفران خدا شامل حال او می شود.

حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: هر مؤمنی که صدای میهمانی را بشنود و به آن شاد شود گناهانش آمرزیده شود، اگرچه میان زمین و آسمان را پر کرده باشد. (2)

حال اگر میزبان در این حالت دعا کند بعید نیست که دعای او مستجاب گردد. و حال آنکه اگر دعاهم نکنند نظر رحمت الهی را جلب کرده است.

خداوند در قرآن می فرماید:

« اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً » (3)

«طلب آمرزش کنید، از پروردگارتان! که آمرزنده گناهان می باشد؛ از آسمان برای شما باران پی در پی می فرستد و یاری می کند شما را به مالها و پسران و باغهای سرسبز و خرم برایتان قرار می دهد و نیز برایتان نه‌های جاری قرار می دهد.»

ص: 150

1- من لایحضره الفقیه 4 جلد ، صفحه 259 - الفقه المنسوب للامام رضا صفحه 357- وسائل الشیعه جلد 300

2- فروع کافی جلد 6 صفحه 284 - تلخیص وسائل جلد 14 صفحه 83

3- سوره نوح آیات 10-11-12

## فصل پنجم

### اشاره

نماز استسقاء

{نماز باران}

احکام و آداب

ص: 151

استسقاء از ریشه «س-ق-ی» و به معنای درخواست سیراب کردن یا درخواست نوشیدنی است. و در اصطلاح فقهی و تفسیری، درخواست آب (باران) از خداوند، هنگام خشکسالی است.

در استحباب استسقاء، اختلافی بین فقیهان نیست. تنها یک نفر این استحباب را منکر شده است. (1)

این واژه فقط دوبار در قرآن آمده است:

1- آنجاکه قرآن استسقای حضرت موسی (علیه السلام) و شکافتن چشمه را بر اثر زدن عصا به سنگ، پس از درخواست بنی اسرائیل، بیان می کند:

«وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ قُلُوبًا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا» (2)

«وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ قَوْمَهُ إِذِ اسْتَسْقَىٰ قَوْمُهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ» (3)

ابومسلم گفته است: معنای استسقاء طبق عادت مردم، درخواست باران

ص: 152

1- دائرة المعارف قرآن کریم، جلد 3، صفحه 89

2- سوره بقره/ 2، آیه 60

3- سوره اعراف/ 7، آیه 160

است. بنابراین، انفجار سنگ و جوشش معجزه آسای آب به دست موسی (علیه السلام) از اجابت دعای ایشان فراتر است.

1- هود (علیه السلام) قوم خود را برای نزول باران، به استسقاء فرا خواند:

«يَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ توبوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا» (1)

برخی گفته اند: قوم هود (علیه السلام) به خشکسالی و کمبود آب گرفتار شدند و این آیه به استسقای ایشان اشاره دارد.

همین مطلب در جای دیگر از حضرت نوح (علیه السلام) نیز نقل شده است که: از مردم خواست تا برای نزول باران رحمت نیایش کنند:

«فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا\* يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا» (2)

از آیات پیشین و روایات، استفاده می شود که استسقاء در امتهای پیشین نیز بوده است.

برخی مشروعیت استسقاء در اسلام را، از آیه زیر استفاده کرده اند.

«وَإِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ كُلُّوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (3)

ص: 153

1- سوره هود آیه 52

2- سوره نوح آیات 10-11

3- سوره بقره آیه 60

نماز باران، از جمله نمازهای مستحبی است که در طلب باران و به هنگام خشکسالی و کم شدن سفره های آبی خوانده می شود. وقتی رحمت الهی (باران) قطع شود و چشمه ها و قنات ها (قنات) بخشکد و کمبود آب پدید آید، برای نزول رحمت الهی و آمدن باران، نماز می خوانند. نام این نماز، نماز استسقاء یا نماز باران است.

این نماز دو رکعت است که به جماعت برگزار می شود و فرادی خواندنش نیز به امید اینکه مستحب باشد اشکالی ندارد. این نیز، یک درس توحیدی و توجّه دادن به قدرت و رحمت الهی است.

زیرا در خشکسالی و قحطی و بی آبی، از دست هیچکس، کاری بر نمی آید، تنها خداست که می تواند با فرستادن ابرهای باران زا، رحمت خویش را بر سر مردم بگسترد.

هر چند که دعا و نماز در هر وقت و زمان مفیده فائده است، لکن؛ شاید از روایت زیر استنباط شود که روز دوشنبه برای خواندن نماز باران بهتر است.

\* شیخ صدوق (رحمة الله عليه) گفته است که روز دوشنبه برای سفر به محل استسقاء و طلب باران است. (1)

\* خصال: در خیر شامی آورده است که: امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمودند: روز دوشنبه روز سفر و طلب است.

شیخ صدوق (رحمة الله عليه) در توضیح آن گفته، روز دوشنبه روز سفر به جای (مکان) نماز استسقاء و طلب باران است. (2)

\* درعیون اخبار الرضا آمده: حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) از پدر خود از جد بزرگوارش نقل کرده اند که:

حضرت امام رضا (علیه السلام) وقتی ولیعهد مأمون شد. مدتی باران نیامد گروهی از اطرافیان مأمون و طرفداران او می گفتند ببین از وقتی که علی بن موسی الرضا (علیه السلام) ولیعهد شد، باران قطع گردیده است. این حرف به مأمون رسید، ناراحت شد.

به حضرت امام رضا (علیه السلام) عرض کرد: باران مدتی است نمی بارد، اگر صلاح بدانید دعا بفرمائید، شاید خداوند باران عنایت کند.

امام رضا فرمودند: بسیار خوب

مأمون پرسید، چه وقت برای طلب باران می روید آن روز، روز جمعه بود.

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: روز دوشنبه!!

ص: 155

---

1- آسمان و جهان ترجمه کتاب السماء و العالم بحار جلد 3 صفحه 21

2- آداب و سنن ترجمه جلد شانزدهم بحار الانوار، صفحه 142

سپس فرمودند: پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دیشب به خوابم آمد، با امیر المؤمنین (علیه السلام) و فرمودند: پسرم انتظار روز دوشنبه را داشته باش به صحرا برو و طلب باران کن خداوند باران می بارد به آنها نشان بده مقامی را که خداوند به تو اختصاص داده تا بیشتر از فضل و مقامت در نزد خدا مطلع شوند. (1)

### امام صادق (علیه السلام) و روز دوشنبه برای طلب باران

قره غلام خالد گفت اهل مدینه از خشکسالی به ناله در آمده بودند. لذا رفتند پیش محمد بن خالد (فرماندار مدینه) و تقاضای طلب باران کردند. قره گفت خالد به من امر کرد که، برو پیش حضرت صادق (علیه السلام) بگو نظر شما چیست؟ اینها به ناله و فغان پیش من آمده اند. مأموریت را انجام دادم.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: بگو برای طلب باران خارج شود.

عرض کردم چه وقت؟ فرمودند: روز دوشنبه. (2)

ص: 156

---

1- زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، صفحه 170

2- زندگانی حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام)، صفحه 204

شیخ صدوق (رحمة الله عليه) در کتاب «الهدایة» روایت کرده که، امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

سنت بر آن جاری شده که جز در صحراها طلب باران نکنند، آنجا که مردم بتوانند به آسمان نظر کنند.

ولی در «مکه» معظمه باید در «مسجد الحرام» استسقاء و طلب باران نمایند. (1)

ص: 157



## چگونه نماز باران بخوانیم

کیفیت آن ، نظیر کیفیت نماز عید فطر و قربان است.

به این ترتیب که، در نماز باران، بعد از حمد و سوره رکعت اول پنج بار تکبیر می گوید و بعد از هر تکبیر قنوت می گیرد و در رکعت دوم بعد از حمد و سوره چهار تکبیر و بعد از هر تکبیر یک قنوت انجام می دهد.

در قنوت های نماز باران هر دعائی که بخواند کافی است. البته بهتر آن است که:

اقنوت ها مشتمل بر طلب باران باشد. یعنی از، خدای رحمان و عطوف، طلب کند که عطوفت و رحمتش را شامل او و مردم او بسازد و درهای آسمان را به رحمت و باران خود بگشاید.

ا قبل از دعاء در هر قنوت نخست بر پیامبر اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آل او درود و صلوات بفرستد.

ص: 158

## طریقه خواندن نماز استسقاء و امام صادق (علیه السلام)

قره غلام خالد گفت: در یکی از سال ها، اهل مدینه، از خشکسالی و نباریدن باران به ناله در آمدند. لذا رفتند پیش محمد بن خالد (فرماندار مدینه) و تقاضای طلب باران کردند.

قره گفت خالد به من امر کرد که: برو پیش حضرت صادق (علیه السلام) بگو نظر شما چیست؟

اینها به ناله و فغان پیش من آمده اند.

قره می گوید: مأموریت را انجام دادم. رفتم پیش امام صادق (علیه السلام) و جریان را به عرض ایشان رساندم.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: بگو برای طلب باران خارج شود.

عرض کردم چه وقت؟ فرمودند: روز دوشنبه. گفتم چه کار بکنند؟

فرمودند: منبر را بیرون ببرند و در جایگاه نماز بگذارند. بعد، همان طوری که؛ روز عید قربان و عید فطر؛ پیاده خارج می شود، می رود، در جلو در او اذان گویان(1)؛ در حالی که نیزه کوتاهی شبیه عصا در دست دارد حرکت می کند؛ تا به جایگاه نماز برسد.

ص: 159

---

1- اذان گوها جلوی جمعیت حرکت کنند.

در آنجا دو رکعت نماز بدون اذان و اقامه می خوانند. بعد بالای منبر می رود، ردای خود را برعکس می پوشد؛ یعنی طرف راست را به طرف چپ و طرف چپ را به طرف راست؛ می پوشد.

رو به قبله می ایستد، با صدای بلند صد تکبیر می گوید؛ بعد متوجه جمعیت طرف راست خود شده و با صدای بلند صد مرتبه « سبحان الله » می گوید. بعد متوجه جمعیت طرف چپ شده و با صدای بلند صد مرتبه « لا اله الا الله » می گوید. سپس رو به مردم نموده و صد مرتبه « الحمد لله » می گوید. بعد از آن دست بلند نموده دعا می کند، مردم نیز دعا می کنند؛ امیدوارم که ناامید نشوند.

قره می گوید : دستور امام صادق (علیه السلام) را به محمد بن خالد (فرماندار مدینه) رساندم. او نیز به همین دستور عمل کرد.

بعد از خواندن نماز استسقاء که برمی گشتیم، می شنیدم که مردم می گفتند: این طریقه طلب باران را حضرت صادق (علیه السلام) داده است. در روایت یونس می گوید: باز نگشتیم، مگر بعد از اینکه به واسطه شدت باران از جان خود ترسیدیم. [\(1\)](#)

ص: 160

### خضوع و خشوع:

برخی، از نکوهش خداوند در آیه «فَلَوْلَا اذِ جَاءَهُمْ بِاَسْنَا تَصْرَعُوا وَلٰكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ» (1)

«پس چرا هنگامی که عذاب مابه آنان رسید تضرع نکردند؟ ولی حقیقت این است که دل‌هایشان سخت شده»

برداشت کرده اند که هنگام برگزاری نماز استسقاء، امام باید با حال خضوع و خشوع به جایگاه نماز برود (2).

### استغفار و توبه:

قرآن از زبان نوح و هود فرو فرستادن باران را براستغفار، متفرع کرده است.

ص: 161

---

1- سوره انعام آیه 43

2- المحلی جلد 3 صفحه 309

« فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً \* يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً » (1)

« وَ يَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَ لَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ » (2)

برخی با استفاده از این آیات، استغفار را از آداب استسقاء دانسته اند. (3)

از سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و روایات، آداب فراوان دیگری برای آداب نماز استسقاء استفاده شده که فقیهان به آن فتوا داده اند. (4)

از قبیل سه روز روزه گرفتن، وارونه کردن عبا هنگام نماز، به پا داشتن نماز در بیابان، به همراه بردن کهنسالان و خردسالان و جدا کردن اطفال از مادران می باشد. (5)

ص: 162

1- سوره نوح آیات 10-11

2- سوره هود آیه 52

3- همان صفحه 310

4- شرائع عملی جلد 1 صفحه 109

5- دائرة المعارف قرآن کریم، جلد 3، صفحه 90

## احکام خواندن نماز باران

1- حمد و سوره، نماز استسقاء را، با صدای بلند قرائت کند.

2- بهتر است که: در رکعت اول، سوره «سبح اسم ربك الاعلی» و در رکعت دوم، سوره «والشمس» که در نماز عید فطر و قربان، مستحب است را انتخاب نماید.

3- مردم سه روز روزه بگیرند و روز سوم برای نماز بیرون روند و آن روز دوشنبه باشد و اگر میسر نشد روز جمعه به خاطر شرافت و فضیلتش بیرون روند.

4- امام جماعت، به اتفاق مردم، به طرف صحرا حرکت کند.

5- حرکت مردم با وقار و سکینت و خشوع و با حالت درخواست باشد. بهتر آن است که بیرون شدنشان با قیافه و هیئتی باشد که، رحمت خدا را جلب کند. مثل پا برهنه بودن و امثال آن.

6- برای نماز، محلی پاک و نظیف، را انتخاب کنند.

7- منبر را هم با خود به طرف صحرا ببرند.

8- مؤذن های شهر پیشاپیش امام جماعت، حرکت کنند.

9- پیرمردان، اطفال، معلولین و حیوانات را با خود ببرند.

10- اطفال را از مادران و بچه حیوانات را از مادر خود جدا کنند، تا صدای ضجه و گریه زیاد شود. و بدین وسیله دریای رحمت الهی به خروش آید.

11- لازم است مسلمانان با سر انگشت تدبیر نگذارند کفار، مسیحیان و یهودیان که اهل ذمه اند و سایر کفار با آنان به صحرا بیایند.

12- بهتر آن است که نماز باران را در وقت نماز عید (یعنی از طلوع خورشید تا ظهر) انجام دهند هر چند که بعید نیست وقت مخصوصی نداشته باشد.

13- نماز باران اذان و اقامه ندارد، بلکه مؤذن به جای اذان و اقامه سه مرتبه می گوید: (الصلوة)

14- بعد از آن که امام جماعت نماز را خواند؛ مستحب است عبای خود را پشت و رو کند. یعنی طرف راست آن را به طرف چپ و طرف چپ را سمت راست خود بیندازد و بالای منبر رود و رو به قبله نموده صد مرتبه با صدای بلند تکبیر بگوید. سپس روی از قبله به طرف مردم سمت راست خود نموده با صدای بلند صد بار « سبحان الله » بگوید و سپس روی خود را به طرف مردمی که در سمت چپ قرار دارند. بر گردانده، صد بار با صدای بلند « لا اله الا

ص: 164

الله» بگوید. آن گاه رو به مردم می کند. و صد مرتبه « الحمد لله » بگوید. که در گفتن آن نیز عیبی ندارد، صدای خود را بلند کند. همچنانکه عیبی ندارد، مردم نیز، در گفتن این ذکر ها، از امام جماعت تبعیت نمایند. یعنی آنان نیز بگویند بلکه حتی مثل امام صدا را به گفتن اذکار بلند کنند. و ای بسا که بلند کردن صدا، زودتر رحمت الهی را جلب نموده و امید رسیدن به مقصود را بیشتر کند.

15- بعد از نماز امام جماعت دست ها را به دعا برمی دارد، مردم نیز دعا می کنند و در دعا کردن پافشاری می کنند.

16- امام جماعت و مردم باید سعی کنند در دعا تضرع و زاری کنند و از خدا طلب عطف و رحمت کنند، التماس کنند و عیبی ندارد که تنها امام دعا کند و مردم آمین بگویند.

17- بعد از نماز و دعا امام جماعت، شروع می کند به ایراد خطبه؛ در خطبه باید مبالغه کند در تضرع، طلب عفو و رحمت و بهتر آن است که بعضی از خطبه هائی که از معصومین وارد شده را انتخاب کند نظیر خطبه ای که از مولایمان امیرالمؤمنین (علیه السلام) وارد شده و در اولش آمده: (الحمد لله سابق النعم) تا آخر و بهتر آن است که دو خطبه بخواند، همان طور که در نماز عید دو بار باید خطبه بخواند. خطبه دوم را به نیت رجاء نه بعنوان دستور ایراد کند.



18- همان طور که جائز است این نماز در هنگام خشکسالی، از جهت نیامدن باران خوانده شود، جائز است در هنگام خشک شدن چشمه ها و چاه ها نیز خوانده شود.

19- اگر اجابت این خواسته از ناحیه خدای تعالی (جل جلاله) به تأخیر افتاد؛ مردم می توانند این مراسم را آن قدر تکرار کنند تا رحمت الهی برای آنان ببارد. انشاء الله تعالی

20- اگر باران و رحمت خدا نازل نشد، نباید زبان به اعتراض بگشایند و یا از رحمت الهی مایوس شوند، بلکه باید بدانند که قطعاً مصالحی مهم تر در بین بوده است که خدای تعالی (جل جلاله) به آن واقف است و مردم از آن خبری ندارند.

21- جائز است که نماز را همه روزه به نیت رجاء تکرار کنند؛ ولی روزه (سه روزه) را تکرار نکنند. اما اگر چند روز پشت سر هم نماز استسقاء نخواندند، سه روز دیگر را، برای بار دوم که می خواهند نماز استسقاء بخوانند، به نیت رجاء روزه بگیرند. [\(1\)](#)

ص: 166

---

1- تحریر الوسيله امام جلد 1 نماز های مستحبی

از آنجایی که باران به وسیله باد و ابر، صورت می گیرد، شایسته است اینگونه دعا کنیم:

**\*\*** وقتی ابری را در آسمان دیدیم بگو:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُنْشِئُ السَّحَابَ بِقُدْرِهِ، وَسَخَّرَهُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ بَعْدَ مَوْتِهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ خَيْرِ هَذِهِ السَّحَابَةِ وَخَيْرِ مَا فِيهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ تَمْطُرْنَا مَطَرَ السَّوَاءِ، اللَّهُمَّ أَنْزِلْ بِهَا عَلَيْنَا

رَحْمَةً مِنْكَ، وَاسْقِنَا بِهَا سَقِيًّا نَافِعَةً، وَاصْرِفْ عَنَّا مَا فِيهَا مِنْ بَلَاءٍ وَآفَةٍ وَسَخْطَةٍ وَنَقْمَةٍ».

«هر ثنایی مخصوص خداوندی است که ابرها را طبق مصلحت خود ایجاد می کند، و آنها را بین آسمان و زمین خشک مسخر نموده است. خداوندا! خیر این ابر و خیر آنچه در آن است را از تو می طلبیم، و از شر آن و شر آنچه در آن است به تو پناه می برم، و از اینکه باران زیانبار بر ما ببارد به تو پناه می برم. خداوندا! با این ابر رحمتت را بر ما نازل گردان و با آن آبی سودمند بر ما بفرست، و آنچه از اندوه و تباهی و ناخشنودی و عذاب در آن است از ما دور بگردان»

**\*\* هنگام وزش باد بگو:**

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ هَذِهِ الرِّيَّاحِ، وَخَيْرِ مَا فِيهَا وَخَيْرِ مَا أُرْسَلَتْهَا بِهِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا، وَشَرِّ مَا أُرْسَلَتْهَا بِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا رَحْمَةً وَلَا تَجْعَلْهَا عَذَابًا، اجْعَلْهَا نِعْمَةً وَلَا تَجْعَلْهَا نِقْمَةً».

«خداوندا! خیر این بادهای و خیر آنچه در آنهاست و خیر آنچه این بادهای بر آن می‌وزند را از تو می‌طلبم، و از شر آنها و شر آنچه در آنهاست و شر آنچه بر آن می‌وزند به تو پناه می‌برم. خداوندا، اینها را رحمت قرار ده و سبب عذاب قرار مده، اینها را نعمت قرار ده و سبب رنج قرار نده»<sup>(1)</sup>

**\*\* هنگام رعد و برق بگو**

سالم بن عبد الله از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده است که: چون غرّش رعد و صاعقه می‌شنید می‌فرمود: بار خدایا! مآربه خشم خود مکش، و به عذابت نابود مکن، و از این بابت ما را معاف دار.

ابن عباس گفت: هر که غرّش رعد را شنید بگوید:

سُبْحَانَ الَّذِي يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اگر برق گیر شد گناهِش بر من است.<sup>(2)</sup>

ص: 168

---

1- آداب الدینیة الخزانة والمعینة با ترجمه عابدی صفحه 253

2- آسمان و جهان ترجمه کتاب السماء و العالم بحار جلد 3 صفحه 307

امام علی (علیه السلام) نحوه دعا کردن برای باران را به ما می آموزد می فرماید: «اللَّهُمَّ سَمِّيًا مِنْكَ مُحْيِيَةً مُرْوِيَةً، تَامَّةً عَامَّةً، طَيِّبَةً مُبَارَكَةً، هَنِيئَةً مَرِيعةً، زَاكِيًا نَبْتَهَا، ثَامِرًا فَرْعُهَا، نَاضِرًا وَرَقُهَا، تُنْعِشُ بِهَا الضَّعِيفَ مِنْ عِبَادِكَ، وَتُحْيِي بِهَا الْمَيِّتَ مِنْ بِلَادِكَ»

«بارالها! بارانی حیات بخش، سیراب کننده، کامل، همگانی، پاکیزه، پربرکت، گوارا و خرمی بخش از ناحیه خودت بر ما نازل فرما! بارانی که گیاهانی پربرکت با شاخه های پر ثمر و برگهای سرسبز و پرتراوات برویاند، آن گونه که بندگان ضعیفت را با آن توان بخشی و سرزمینهای مرده را با آن زنده کنی!»

در واقع امام علی (علیه السلام) از پیشگاه حق تقاضای بارانی می کند که شرائط در آن جمع باشد و موانع از آن دور، زیرا بسیار دیده شده که بارانهای سیل آسا می بارد، ولی همه چیز را ویران می کند! یا در نقطه خاصی متمرکز می شود! و نفع آن عام نیست و یا همراه با سردی شدید هوا و یخبندان می شود که آثار منفی به جا می گذارد! و یا موانعی همچون بادهای گرم، طوفانهای شدید، آفات گیاهی ملخ

و حشرات موذی و امثال آن، آثار باران را از میان می برد، امام (علیه السلام) تمام این جوانب را در نظر می گیرد و جمع همه شرایط و دفع همه موانع را از خدا می طلبد.

و در ادامه می فرماید: «اللَّهُمَّ سَدِّقِيَا مِنْكَ تُعِشُ بِهَا نِجَادُنَا، وَتَجْرِي بِهَا وَهَادُنَا، وَيُخَصِّ بِهَا جَنَابُنَا، وَتُقْبَلُ بِهَا ثِمَارُنَا، وَتَعِيشُ بِهَا مَوَاشِينَا، وَتَنْدِي بِهَا أَقَاصِينَا، وَتَسْتَعِينُ بِهَا صَوَاحِينَا مِنْ بَرَكَاتِكَ الْوَاسِعَةِ، وَعَطَايَاكَ الْجَزِيلَةِ، عَلَيَّ بِرَيْتِكَ الْمُرْمَلَةِ، وَوَحْشِكَ الْمُهْمَلَةِ»

«خداوندا! بارانی ده! که تپه ها و کوههای بلند ما را پر گیاه سازد و در دامنه ها و دشتهای جاری گردد، به تمامی سرزمین ما نعمت فراوان بخشد، میوه ها با آن به ماروی آورند، چهارپایان ما با آن زندگی کنند و سرزمینهای دورتر از ما نیز از آن بهره مند شوند، و روستاهای ما از آن مدد گیرند (همه اینها را) از برکات واسع و عطایای فراوان خویش بر بندگان فقیر و حیوانات وحش بیابان عنایت فرما!

بارالها! بارانی حیات بخش، سیراب کننده، کامل، همگانی، پاکیزه، پربرکت، گوارا و خرمی بخش از ناحیه خودت بر ما نازل فرما! بارانی که گیاهانی پربرکت با شاخه های پر ثمر و برگهای سرسبز و

پرطراوات برویاند، آن گونه که بندگان ضعیف را با آن توان بخشی و سرزمینهای مرده را با آن زنده کنی!

امام (علیه السلام) سعه صدر و وسعت نظر و رحمت عام خود را در این دعا نشان می دهد، چرا که مناطق دور و نزدیک را در نظر گرفته، چهارپایان و حتی حیوانات وحشی بیابان را از نظر دور نمی دارد، دعای او همگان را شامل می شود و تقاضای او همه را در بر می گیرد و این است معنی لطف و مرحمت عام امام (علیه السلام) پیشوای بزرگ اسلام!

سپس امام (علیه السلام) در ادامه تقاضاهای خود در مورد نزول بارانهای پربرکت چنین عرضه می دارد:

«وَأَنْزِلْ عَلَيْنَا سَمَاءً مُخْضِلَةً\*، مِدْرَارًا هَاطِلَةً\*، يُدَافِعُ الْوَدْقُ مِنْهَا الْوَدْقَ، وَيَحْفِزُ الْقَطْرُ مِنْهَا الْقَطْرَ»

خداوندا! آسمانی مرطوب و پرباران، بارانی دانه درشت و پی در پی که قطراتش (بر اثر کثرت و شدت) یکدیگر را به پیش رانند، و از خود دور سازند.

و در توصیف بیشتر می افزاید: «غَيْرَ خُلٍّ بَرَقُهَا، وَلَا جَهَامٍ عَارِضُهَا، وَلَا قَزَعٍ رَبَابُهَا، وَلَا شَفَّانٍ ذَهَابُهَا حَتَّى يُخْصِبَ لِأُمْرَائِهَا الْمُجْدِبُونَ،

وَيَحْيَا بِبَرَكَتِهَا الْمُسْتَبْتُونَ، فَإِنَّكَ تُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا فَنَطُوا، وَتَنْشُرُ رَحْمَتَكَ وَأَنْتَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ»

نه رعد و برق بی باران و ابر بی ثمر، و نه ابرهای کوچک پراکنده، و نه دانه های ریز، همراه بادهای سرد؛ بارانی مرحمت کن که: قحطی زدگان، به نعمت فراوان رسند و از برکت آن گرفتاران خشکسالی، زنده گردند، زیرا توئی که بعد از نومیدی آنها، باران را فرو می فرستی و رحمت را گسترش می دهی و تو سرپرستی هستی شایسته ستایش.

امام (علیه السلام) نهایت فصاحت و بلاغت بی نظیر خود را در این خطبه بیان کرده و تقاضای خویش را در محضر پروردگار، آن چنان شرح داده که مردم را به الطاف الهی آشنا سازد، و به آنها بگوید در مسیر نعمت، موانع زیادی است که اگر لطف خداوند شامل حال آنها نگردد هرگز به کمال مطلوب نمی رسند و به یقین چنین بیانی از کسی که «مؤید من عندالله» نیست و روح القدس او را یاری نمی دهد امکان پذیر نمی باشد.

ص: 172

**\*\* دعای باران توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هنگام نزول باران**

در کتاب جعفریات از علی (علیه السلام) روایت شده که فرمودند:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) چون به باران نظر می کردند می فرمودند:

«خدایا این بارندگی را نافع قرار ده»<sup>(1)</sup>

**\*\* دعای امام سجاده برای باران**

(1) اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ، وَ انْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ الْمُنْسَاقِ لِنَبَاتِ أَرْضِكَ الْمُؤْتِقِ فِي جَمِيعِ الْأَفَاقِ. (2) وَ ائْتِنُنِي عَلَى عِبَادِكَ بِإِيْنَاعِ الثَّمَرَةِ، وَ أَحْيِ بِلَادَكَ بِبُلُوغِ الزَّهْرَةِ، وَ اشدِّ هَدْمَ مَلَانِكَتِكَ الْكِرَامِ السَّفَرَةَ بِسَقْيِ مِنْكَ نَافِعٍ، دَائِمٍ غُزْرُهُ، وَ أَسْعِ دِرْزُهُ، وَ اِبْلِ سَرِيْعِ عَاجِلٍ. (3) تُحْيِي بِهِ مَا قَدَّمَ مَاتَ، وَ تَرُدُّ بِهِ مَا قَدَّمَ فَاتَ وَ تُخْرِجُ بِهِ مَا هُوَ آتٍ، وَ تُوسِّعُ بِهِ فِي الْأَقْوَاتِ، سَدِّحَاباً مُتْرَاكِماً هَنِيئاً مَرِيئاً طَبَقاً مُجَلْجَلًا، غَيْرَ مُلْتٍ وَ دَقُّهُ، وَ لَا خَلْبٍ بَرَقُهُ. (4) اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثاً مُغِيثاً مَرِيْعاً مُمْرِعاً

ص: 173

1- سنن النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) با ترجمه صفحه 280



عَرِيضاً وَاسِدًا غَزِيْرًا، تُرْدُّ بِهِ النَّهِيْضَ، وَتَجْبُرُ بِهِ الْمَهِيْضَ (5) اَللّٰهُمَّ اَسْقِنَا سَقِيًّا تُسِيْلُ مِنْهُ الطَّرَابَ، وَتَمْلَأُ مِنْهُ الْجَبَابَ، وَتُعْجِرُ بِهِ الْاَنْهَارَ، وَ تُنْبِتُ بِهِ الْاَشْجَارَ، وَ تُرَخِّصُ بِهِ الْاَسْعَارَ فِيْ جَمِيْعِ الْاَمْصَارِ، وَ تَنْعَشُ بِهِ الْبَهَائِمَ وَ الْخَلْقَ، وَ تُكْمِلُ لَنَا بِهٖ طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ، وَ تُنْبِتُ لَنَا بِهٖ الرِّزْقَ وَ تُدْرِ بِهٖ الضَّرْعَ وَ تَزِيْدُنَا بِهٖ قُوَّةً اِلَى قُوَّتِنَا.

(6) اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْ ظِلَّةً عَلَيْنَا سَمُوْمًا، وَ لَا تَجْعَلْ بَرْدَةً عَلَيْنَا حُسُوْمًا، وَ لَا تَجْعَلْ صَوْبَهُ عَلَيْنَا رُجُوْمًا، وَ لَا تَجْعَلْ مَاءَهُ عَلَيْنَا اُجَاجًا. (7)  
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَزِدُّنَا مِنْ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ، اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ. (1)

خداوندا! ما را به باران سیراب کن، و رحمت خویش را بر ما بگستر. در همه جای زمین برای گیاهان زیبا و خوش منظر ابری بارنده روانه کن. و به رسیدن میوه ها بر بندگان خود منت گذار، و زمینهای مرده را به شکفتن شکوفه ها زنده گردان، و فرشتگان گرامی و نویسندگان را حاضر آور. بارانی سودمند، پیاپی در همه جای، درشت، شتابان و زود.

ص: 174

تا هر چه مرده است بدان زنده کنی، و هر چه در گذشته باز گردانی، و آنچه رویدنی است بیرون آری، و روزی ها را فراخ گردانی، از توده ابری برهم، گوارا و خوش، که چون چتری سایبان شود و غرش رعد از آن به گوش آید، نه چندان که به ویرانی انجامد یا برق به فریب خندد و ابر نگرید. خدا ندا! ما را سیراب کن به بارانی که به فریاد ما برسد، گیاهان را برویاند، پهن و فراخ و بسیار که گیاه نورسته را بالان و خرم و نهال پژمرده و شکسته را بدان برومند سازد.

خداوندا! ما را سیراب گردان بارانی فرست که آب از تپه ها سرازیر شود، و چاهها را بدان پر آب کنی، و جویها را بشکافی، و درختان را برویانی، و نرخها را در همه شهرها ارزان کنی، و چهارپایان و دیگر خلق را نیکو حال گردانی، و روزی های پاکیزه را بر ما فراخ سازی، و کشت ما را برویانی، و پستانها را پر شیر کنی، و بر نیروی ما بیفزایی. خدایا! مبادا که از سایه ابر بر ما باد گرم وزد و سردی آن را بر ما شوم باشد، و ریزش آن برای ما مهلکه و عذاب شود و آب آن به کام ما تلخ گردد. خدایا درود بر محمد و آل او فرست، و از برکات آسمانها و زمین ما را برخوردار گردان که تو بر هر چیز توانایی.

اللَّهُمَّ قَدْ أَنْصَحَ احْتِ جِبَالِنَا وَ اغْبَرَّتْ أَرْضُنَا وَ هَامَتْ دَوَابُّنَا وَ تَحَيَّرَتْ فِي مَرَابِضِهَا وَ عَجَّتْ عَجِيجَ الثَّكَالِي عَلَى أَوْلَادِهَا وَ مَلَّتِ التَّرْدُدُ فِي مَرَاتِعِهَا وَ الْحَنِينِ إِلَى مَوَارِدِهَا اللَّهُمَّ فَازْحَمْ أَنْيْنَ الْآئِنَةِ وَ حَنِينِ الْحَائَةِ اللَّهُمَّ فَازْحَمْ حَيْرَتَهَا فِي مَذَاهِبِهَا وَ أَنْيْنَهَا فِي مَوَالِجِهَا اللَّهُمَّ خَرَجْنَا إِلَيْكَ حِينَ اعْتَكَرَتْ عَلَيْنَا حَدَايِرُ السِّنِينَ وَ أَخْلَفْتَنَا مَخَايِلُ الْجُودِ فَكُنْتَ الرَّجَاءَ لِلْمُبْتَسِسِ وَ الْبَلَغَ لِلْمُلْتَمِسِ نَدْعُوكَ حِينَ قَطَطَ الْأَنَامُ وَ مُنِعَ الْعَمَامُ وَ هَلَكَ السَّوَامُ إِلَّا تَوَاحِدْنَا بِأَعْمَالِنَا وَ لَا تَأْخِذْنَا بِذُنُوبِنَا وَ انشُدْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِالسَّحَابِ الْمُنْبَعِقِ وَ الرَّيِّعِ الْمُغْدِقِ وَ النَّبَاتِ الْمُونِقِ سَحًّا وَابِلًا تُحْيِي بِهِ مَا قَدَّمَ مَاتَ وَ تَرُدُّ بِهِ مَا قَدَّمَ فَاتِ اللَّهُمَّ سَقْمًا مِنْكَ مُحْيِيَّةٌ مُرْوِيَّةٌ تَامَّةٌ عَامَّةٌ طَيِّبَةٌ مُبَارَكَةٌ هَنِيئَةٌ مَرِيعةٌ زَاكِيَةٌ نَبْتُهُا ثَامِرًا فَرْعُهَا نَاصِرًا وَ رَقْفُهَا تُنْعَشُ بِهَا الضَّعِيفُ مِنْ عِبَادِكَ وَ تُحْيِي بِهَا الْمَيِّتَ مِنْ بِلَادِكَ اللَّهُمَّ سَقْمًا مِنْكَ تُعْشِبُ بِهَا نِجَادُنَا وَ تَجْرِي بِهَا وَهَادُنَا وَ يُخْصِبُ بِهَا جَنَابُنَا وَ تُقْبَلُ بِهَا ثِمَارُنَا وَ تَعِيشُ بِهَا مَوَاشِينَا وَ تَنْدَى بِهَا أَقْصِينَا وَ

تَسَّ تَعِينُ بِهَا ضَوَاحِينَا مِنْ بَرَكَاتِكَ الْوَاسِعَةِ وَعَطَايَاكَ الْجَزِيلَةِ عَلَى بَرِيَّتِكَ الْمُزْمَلَةِ وَوَحْشِكَ الْمُهْمَلَةِ وَأَنْزِلْ عَلَيْنَا سَمَاءً مُخْضَلَةً مِدْرَاراً هَاطِلَةً  
يُدَافِعُ الْوَدْقُ مِنْهَا الْوَدْقَ وَيَحْفِزُ الْقَطْرُ مِنْهَا الْقَطْرَ غَيْرَ خَلْبٍ بَرْفُهَا وَلَا جَهَامٍ عَارِضٌ بِهَا وَلَا قَرَعٌ رَبَابُهَا وَلَا سَفَّانٌ ذَهَابُهَا حَتَّى يُخْصِبَ  
لِأَمْرَائِهَا الْمُجْدِبُونَ وَيَحْيَا بِبَرَكَتِهَا الْمُسْتَبْتُونَ فَإِنَّكَ تُنْزِلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنْطُوا وَتَنْشُرُ رَحْمَتَكَ وَأَنْتَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ (1).

خداوندا! کوه های ما از بی آبی شکاف خورده و زمین ما غبار آلود و دام های ما در آغل های خود سرگردانند و چون زن بچه مرده فریاد می کشند، و از رفت و آمد بی حاصل به سوی چراگاه ها و آبشخورها، خسته شده اند بار خدایا بر ناله گوسفندان و فریاد و آه شتران ماده رحمت آور، خدایا به سرگردانی آنها در راه ها و ناله هایشان در خوابگاه ها رحمت آور. بار خدایا هنگامی به سوی تو بیرون آمدیم که خشکسالی پیایی هجوم آورده، و ابرهای پر باران از ما پشت کرده و خشک و نامهربان بدون بارش قطره ای باران گذشتند. خدایا تو امید هر بیچاره و حل کننده

ص: 177

مشکلات هر طلب کننده می باشی، خدایا تو را می خوانیم، در این هنگام که همه نا امید شده اند، و ابر رحمت بر ما نمی بارد و حیوانات ما نابود گردیدند، ما را به کردار ما عذاب نکنی، و به گناهان ما کیفر ندهی. خدایا رحمت خود را با ابر پر باران و بهار پر آب و گیاهان خوش منظر شاداب بر ما نازل فرما، بارانی درشت قطره بر ما فرو فرست که مردگان را زنده و آنچه از دست ما رفته به ما باز گرداند. خدایا ما را با بارانی سیراب کن که زنده کننده، سیراب سازنده، فراگیر و به همه جا رونده، پاکیزه و با برکت، گوارا و پر نعمت، گیاه آن بسیار، شاخه های آن به بار نشسته و برگ هایش تازه و آب دار باشد تا با چنان بارانی بنده ناتوان را توان بخشی، و شهرهای مرده ات را زنده سازی، خدایا بارانی ده که بسیار ببارد تا زمین های بلند ما پر گیاه شود، و در زمین های پست روان گردد و نعمت های فراوان در اطراف ما گسترش یابد، تا با آن میوه های ما بسیار، گلّه های ما زنده و فراوان، و سرزمینهای دورتر از ما نیز بهر مند گردند، و روستاهای ما از آن نیرومند شوند. اینها همه از برکات گسترده و بخشش های فراوان تو باشد که بر سرزمین های فقر زده و حیوانات وحشی ما نازل می گردد. خداوند بارانی ده دانه درشت که پیایی برای سیراب شدن گیاهان ما ببارد، چنانکه قطرات آن یکدیگر را برانند، و دانه های آن به شدت برهم کوبیده شوند، نه رعد و برقی بی باران، و ابری بی

ثمر، و کوچک و پراکنده، و نه دانه های ریز باران همراه با بادهای سرد. خدایا بارانی پر آب فرو فرست که قحطی زدگان به نعمت های فراوان رسند و آثار خشکسالی از میان برود که همانا، تویی خداوندی که پس از نا امید شدن مردم باران را فرو می فرستی و رحمت خود را همه جا گسترش می دهی و تویی سرپرست نظام آفرینش که به ستودن سزاواری.

ص: 179

## نماز باران آیه الله سید محمد تقی خوانساری (رحمة الله علیه)

یکی از معروف ترین نمازهای باران، نماز آیه الله سید محمد تقی خوانساری است:

نویسنده کتاب ره یافتگان (آنان چگونه فرزانه شدند؟) جریان نماز باران ایشان را این گونه به قلم تحریر در آورده است:

به طوری که بعضی از علماء، معتمدین و متدینین قم برای حقیر نقل کرده اند، حدود چهار سال در قم باران نیامد و قحطی به طوری شد که همه مردم در معرض تلف و هلاکت جدی واقع شدند. در عین حال هر چه مردم نزد علماء می آمدند که نماز استسقاء بخوانند آنان نمی پذیرفتند و با وجود این که هر یک از آنها در منظر مردم اسوه تقوی و فضیلت بودند، زیر بار نمی رفتند و با دو جمله ذیل شانه خالی می کردند.

- یکی اینکه به مردم توصیه می کردند بروید زکات امواتان را بدهید و توبه کنید تا خداوند باران رحمتش را بر شما نازل کند.

ص: 180

- دیگر اینکه هر یک به نوبه خود می فرمود: من خودم شرمنده و روسیاهم و شایستگی این کار را ندارم. بروید نزد فلانی

( کسی را که مورد اعتمادش بود و وی را از خود بهتر می دانست معرفی می کرد. )

بر حسب نقل، عده ای از کشاورزان که در گذشته زکات نداده بودند و در آن وقت از حیث اقتصادی در تنگنای شدید واقع شده بودند اساس و لوازم منزل خویش را فروختند و زکات گذشته خود را پرداخت کردند...

پس از تمامی این مراحل علماء اجماع و اتفاق نمودند که آیه الله خوانساری شایسته این امر مهم است و آنگاه آن أسوه تقوی و فضیلت و آن بنده مخلص خدا برای این کار اقدام نمود که آثار پر برکتش تاکنون ادامه دارد.

اما کسانی که در طول تاریخ امور مزبور را رعایت نکردند و قبل از ایجاد شرایط اقدام به خواندن نماز طلب باران کردند اثر منفی گذاشتند و اعتقادات بسیاری از مردم و به ویژه جوانان را سست نمودند.

ص: 181



در سال 1363 هجری قمری در قم و مناطق اطراف خشکسالی عجیبی بوجود آمد و در اثر نباریدن باران رحمت، بی آبی مردم را تهدید به قحطی، فقر و در نتیجه تهدید به مرگ نمود.

چون مردم آن روز متکی به برق، تلمبه، چاه عمیق و به طور کلی وسائل امروزی نبودند بلکه هر کار مشکلی را توسط دین و علماء حل می کردند و پیروی از علماء را اهمیّت می دادند.

به همین خاطر به خانه علماء پناه بردند که علماء چاره ای بیاندیشند.

یعنی؛ نماز استسقاء بخوانند و از خدا طلب باران کنند. علماء هم هر کدام به نوعی جواب دادند که قبلاً ذکر شد.

بالأخره در اثر کثرت مراجعین و گریه وزاری مردم، آیه الله سید محمد تقی خوانساری (رحمة الله علیه) با اکراه پذیرفتند. پس از پذیرفتن ایشان اهالی قم از تاجر و کاسب، کارگر و کارمند و نیز کشاورزان و دامداران با شنیدن این خبر امید بخش از اطراف و اکناف قم با حالت غم و اندوه در منزل معظم له گرد آمدند که به همراهی حضرت آیه الله به بیابان رفته و نماز طلب باران بجا آورند.

ص: 182

ناگفته نماند که در آن زمان رودخانه قم به صورت فعلی جدول بندی و دیوار کشی نشده بود و نیز ضلع غربی رودخانه محل زراعت و کشاورزی بود نه محل سکونت.

و نیز در آن زمان گروهی از متفقین ( آمریکا، شوروی، انگلیس ) چاه نیمه عمیقی برای ما یحتاج خود در محل ایستگاه سابق قطار حفر کرده بودند. در همان هنگام دشمنان اسلام به متفقین گفته بودند :

از آنجا که مردم قم با کم آبی مواجه شده اند، شما هم به آنها آب نمی دهید لذا می خواهید چاه عمیق شما را پر کنند.

این خبر دروغ، متفقین را تحریک کرده به طوری که آنان خود را مهیا ساخته و در محدوده چاه با تجهیزات نظامی، به صورت آماده باش در آمده بودند. لکن وقتی می بینند گروه کثیری از مردم به سوی آنان می آیند در حالی که علماء، سالخوردگان، طلاب علوم دینی و... با پای برهنه پیشاهنگ و بقیه مردم پشت سر آنان می آیند اما هیچ وسیله، ابزار و سلاحی در دست ندارند. متعجب و متحیر می شوند که اگر اینان می خواهند چاه را پر کنند، و نیز اگر می خواهند با ما جنگ کنند، پس چرا هیچ اسلحه و ابزاری با خود نیاوردند، نه بیلی، نه کلنگی، نه سلاحی؟!

ص: 183

معذک در حال (آماده باش) بودند که مردم با کمال بی توجهی از کنارشان گذشتند و مقصد خویش (امام زاده احمد ابن زین العابدین (علیه السلام) واقع در خاکفرج) ادامه راه دادند.

یکی از بازاریان قم (مرحوم سید عباس مبینی خیاط) که از موجهین اهل قم بود و در آن همایش الهی شرکت کرده بود برای نگارنده چنین گفت:

موقعی که مردم پشت سر آقا حرکت کردند، بعضی اوباش، داشها، لابلها، افراد فرومایه و... در کنار راه ایستاده بودند و به همدیگر می گفتند:

آهای! آب نبردت، سید قباتو بزن بالا خیس نشی و...

عده ای دیگر که عبارت بودند از: متجدد مآبها، نافهم ها، نادانها، آنهایی که معنای دین و قرآن را نفهمیده بودند، آنهایی که دین را باعث عقب ماندگی می دانستند، آنهایی که «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» بودند؛ تمامی این افراد می گفتند:

ای بابا! دنیا رو به ترقیه، مردم دنیا دارند به آسمانها و کهکشانها می روند.

ما هنوز می خواهیم با نماز و دعا کارمون را حل کنیم!

مردم دنیا دارند اتم می شکافند و ما هنوز می خواهیم به قطر مفاتیح الجنان بیافزائیم.

خارجی ها چنین وچنان کردند، ما هنوز دنبال این آخوندها را گرفته ایم. بابا دست از این آخوندبازیها بردارید.

و بالأخره آنان که از گفتن این حرفها و گزافه گوئی های جسورانه، بی دریغ و بی باک بودند و به یاوه سرایی، لغو گوئی، تمسخر، استهزاء پرداختند.

متفقین هم که با علم نجوم و علم روز فهمیده بودند که باران نمی آید و هیچ اثری از آمدن باران در آسمان یافت نمی شود و از طرفی متوجه شده بودند که هدف آن جمعیت و رفتن به بیابان برای نماز طلب باران است گفته بودند:

این مسخره بازی ها یعنی چه ؟

اگر آب می خواهید پول بدهید تا ما به شما آب بدهیم. برای شما چاه عمیق حفر می کنیم. و نیز می گفتند: در فصل تابستان دعای باران کردن معنی ندارد. بابا بروید دست از این خرافات و کهنه پرستی ها بردارید! و بالأخره هزاران زخم زبان و گزافه گوئی.

ص: 185

لیکن از بد گوئی های دشمنان و ناراحتی دوستان این حقیقت آشکار گردید که آن روزها روز عادی نبوده بلکه روزهای آزمایش، سنجش، محک، مقیاس و... بوده.

روز امتحان خداوند از بندگانش نسبت به اعتقاداتشان،

روز امتحان بندگان خدا از علماء نسبت به اعمالشان،

روز آزمایش ارزش علماء در نزد خداوند (جل جلاله)

روز آزمایش جهال و اویاش در برابر دین و اعتقاداتشان با آن حرفهای کذایی،

روز محک علماء و مردم از از قرآن مجید و دعا و نماز استسقاء

روز محک تاریخی از نفوس قدسیه ای که نزد خداوند ارزش دارد،

روز سنجش « هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ »،

روز سنجش «الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ سُبُلَنَا»

روز نتیجه « قَالَ رَبُّكُمْ أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ »

روز نتیجه « إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ »

بالآخره با در خواست مردم و با شرحی که داده شد روز اول که جمعه بود به پیشوائی آیه الله سید محمد تقی خوانساری (رحمة الله عليه)

(متولد 1305 - متوفای 1371 هجری قمری) در بیابان خاکفرج نماز با شکوهی با دستورات وارده خوانده شد، اما موقع مراجعت مردم از نماز مجدداً با همان متلک ها و یاوه گوئی های او باش مواجه شدند.

روز دوم به جانب قبرستان نو (معروف به قبرستان آیه الله حاج شیخ عبد الکریم حائری (رحمة الله علیه)) رفتند و با همان جمعیت زیاد نماز استسقاء خوانده شد.

پس از نماز هنوز به منزل باز نگشته بودند که هوا تیره و تار شده ابرها به آسمان پدیدار گردید، چهره هوا دگرگون گشت و در نتیجه چهار ساعت باران شدید و پی در پی بارید. گویی درب آسمان باز شده و آبهای آسمان به زمین فروریخت! آبی که شبیه به خون بود و حالت انقلاب و دگرگونی به مردم دست می داد!

در طول چهار ساعت باران پی در پی، بیابان ها و خیابان های قم مملو از آب شد و به صورت سیلاب در رودخانه قم جریان پیدا کرد و تمام زمین های زراعتی مردم سیراب و از آن روز به بعد بی آبی برطرف و مردم شاداب شدند.

ص: 187

در آن موقع بود که هرزه گوها، متجدد مآبها، فضول های جامعه، اراذل و اوباش و... سر افکنده و شرمسار گشتند.

فهمیدند آنهایی که به آسمان می روند کار روحانی متعهد را نمی توانند انجام دهند.

فهمیدند آنهایی که به کهکشان ها راه پیدا کردند کار یک عالم ربانی را نمی توانند انجام دهند.

فهمیدند آنچه بوده و هست و آنچه خواهد بود در دین و قرآن یافت می شود و بس.

موضوع قابل توجه و شگفت آور اینکه با تحقق این قضیه همان متفقین، همان دشمنان دین، همان مسیحی ها، همان هایی که می گفتند پول بدهید تا چاه عمیق برای شما بزنیم و آب به شما بدهیم، همان هایی که می گفتند این خرافات را به دور بیاندازید....

همان افراد، صد و هشتاد درجه تغییر جهت داده و سخن خود را عوض کردند و گفتند: این عالم (آقای خوانساری) مسیح زمان است و با خدا رابطه دارد ولذا آمدند خدمت آن فرزانه روزگار و از ایشان درخواست می کردند که شما از خدا بخواهید تا ما به وطنمان

برگردیم و نیز از خدا بخواهید آتش جنگ خاموش شود و از اینگونه در خواست ها...

روی همین جهت از آن روز آیه الله خوانساری (رحمة الله علیه) مقام بهتر و ارزنده تری در میان جامعه پیدا کرد.

ایشان فرمودند: این معجزه ای بود از آثار وحی که اگر این باران نمی آمد اثر منفی داشت و اعتقادات مردم به زودی سلب می گردید و دیگر به آثار وحی اعتقاد نداشتند.

پس معلوم می شود این کار فقط و فقط مربوط به خدا بود

ص: 189





فصل ششم

اشاره

ملحقات

ص: 191

آگاهی از زمان بارش مخصوص خداست

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: پدرم امام باقر (علیه السلام) به من فرمودند:

آیا تورا آگاه نکنم از پنج چیزی که خداوند هیچ یک از آفریدگان را بر آن آگاه نکرده است؟ گفتم: چرا، فرمودند:

1- به راستی که آگاهی از روز رستاخیز فقط نزد خدا است.

2- خداوند، باران فرود می آورد..

3- خداوند آگاه است از آنچه در رحم مادران است.

4- چه کسی می داند که فردا چه کار خواهد کرد..

5- چه کسی می داند در چه سرزمینی خواهد مرد.

به راستی که خداوند بسی دانا و آگاه هست. [\(1\)](#)

ص: 192

---

1- خصال ترجمه فهری جلد 1 صفحه 321

یکی از زمانهای استجاب دعا، هنگام نزول باران است.

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

پیش از نزول بلا دعا کنید، درب های آسمان پنج وقت به روی شما گشوده می شود:

1- هنگام نزول باران. 2- در موقع حمله به دشمن. 3- موقع اذان. 4- موقع قرائت قرآن. 5- هنگام ظهر و موقع طلوع فجر. (1)

همچنین امام باقر (علیه السلام) می فرمایند: حاجت را به هنگام لرزش تن از خدا، و ریزش اشک، و باریدن باران و رسیدن خورشید به وسط آسمان بخواه، که در این ساعات درهای رحمت گشوده شود، و کمک فرشتگان و اجابت الهی مورد امید است. (2)

ص: 193

---

1- مکارم الأخلاق ترجمه میر باقری، جلد 2، صفحه 112

2- همان

وهمچنین فرمودند: زاری و نماز در نزد خدا چنان است که:

اگر در سجده اشک بنده جاری شود رحمت خدا فرود آید، و آن دم را برای خواستن حاجت غنیمت دانید و فرصت شمیرید، و حاجت خود را برای خدا بزرگ ندانید که در نزد خدا بیش از قدرت شماسست، و حوائج کوچک را ناچیز نشمیرید که محبوبترین مؤمن نزد خدا، خواهنده ترین آنهاست. [\(1\)](#)

همچنین امام صادق (علیه السلام) از قول پدر بزرگوارشان امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

دعا را در پنج موضع غنیمت شمارید: 1- هنگام خواندن قرآن 2- وقت اذان 3- هنگام نزول باران 4- گاه برخورد دو صف لشکر برای شهادت 5- گاه نفرین ستمدیده که تا عرش، پرده جلو آن نیست. [\(2\)](#)

ص: 194

---

1- مکارم الأخلاق ترجمه میر باقری، جلد 2، صفحه 112

2- امالی شیخ صدوق ترجمه کمره ای صفحه 265

امام حسن عسکری (علیه السلام) از پدر بزرگوارشان علی بن محمد و او از پدرشان محمد بن علی و او از پدرشان علی بن موسی الرضا از پدرشان موسی بن جعفر از پدرشان جعفر بن محمد از پدرشان محمد بن علی از پدرشان علی بن الحسین (علیهم السلام) روایت کرده است:

در قول خدای تعالی (جل جلاله) که می فرماید:

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً (1)

حق تعالی آسمان و زمین را ملایم با طبیعتهای شما خلق فرمود!

و موافق با بدنهای شما آفرید! و آنها را زیاد گرم قرار نداد تا اینکه بسوزانند شما را و زیاد سرد قرار نداد تا اینکه شما بسته شوید مثل یخ و زیاد بوی خوش قرار نداد، تا اینکه سرهای شما درد بیاید. و زیاد بوی بد قرار نداد، تا اینکه هلاک کند شما را و زیاد نرم قرار نداد، مثل آب تا اینکه غرق کند شما را و زیاد سخت قرار نداد تا اینکه نتوانید خانه و بناهای غیر از آن بسازید. و قبور اموات خود را درست کنید و لکن خدای عز و جل قرار داده است در زمین، آن مقدار از استحکام و سختی را که شما، منتفع و بهره مند شوید. و نگاهداری کنید یکدیگر را و بدنها و بناهای خود را در

ص: 195

روی زمین نگاه دارید و حفظ کنید و زمین را در اطاعت شما قرار داده که می توانید خانه و قبر در آن بنا کنید و بیشتر از منافع خود را از آن بردارید. پس از این جهت زمین را فراش از برای شما قرار داده.

پس از آن فرمود: « وَالسَّمَاءِ بِنَاءً » یعنی آسمان را سقف قرار داد که محفوظ است از شیاطین و استماع آنها، اذکار ملائکه را که در آن آسمان گردش می کند آفتاب و ماه و ستارگان به جهت منافع شما.

پس از آن فرمود: « وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً » یعنی فرو فرستاد از طرف بالا باران را متفرق فرموده در اطراف عالم به سه نوع یک قسم باران ریزه و ضعیف و یک قسم باران شدید و درشت قطره و لیکن اتصال ندارد و یک قسم باران شدید که پیوسته می آید.

پس این اقسام باران را به این قسم آفرید تا این که، بیاشامد زمینهای شما را از این باران و قرار نداد این باران را یک قطعه بلکه جزء جزء قرار داد تا آنکه زمین های شما و درخت های شما و زراعت های شما فاسد نشود.

پس از آن فرمود: « فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ » یعنی از آن میوه هائی را که از زمین بیرون می آورد رزق و روزی از برای شما قرار داد « فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا » پس برای خداوند شبیه و مانند قرار ندهید بتانی را که نه عقل دارند و نه می شنوند و نه می بینند و نه قدرت بر

چیزی دارند و حال این که شما می دانید که قدرت ندارند بر آفریدن چیزی از این نعمت های جلیله را که پروردگار شما بر شما انعام فرموده است. [\(1\)](#)

ص: 197

---

1- عیون أخبار الرضا ترجمه آقا نجفی، جلد 1، صفحه 90



## باران به صورت قطره ای و پی در پی مفید است

يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا (1)

بر صحت آن، این قول خدای تعالی (جل جلاله) در قصه حضرت نوح (علیه السلام) دلالت دارد که فرمود: گفتم از پروردگار آمرزش طلبید که او بسیار آمرزنده است و از آسمان باران پی در پی بر شما می فرستد، و از فواید باران پی در پی، انسان و سایر حیوانات منتفع می شوند. (2)

وصیت سیدابن طاووس (رحمة الله عليه) به فرزندشان در این باره خواندنی است.

می گوید: ای فرزندم محمد، که خداوند به فضل مکارم خود عارف فرماید، متذکر باش که آبی که به آن محتاج هستی چگونه از چشمه ها و زیر زمین ها و شکم کوه ها جاری نموده! و چگونه آنها را بقدرت کامله خود شکافته است! و چگونه بعضی از آب ها از میان سنگهای سختی خارج می شود که قدرت عالمیان از شکافتن آنها عاجز است! و چگونه از ابرهائی که میان آسمان و زمین مسخر است

ص: 198

---

1- سوره نوح آیه 11 و 12

2- کمال الدین ترجمه پهلوان جلد 1 صفحه 17

نازل فرموده است! و آنها را مانند غربال قرار داده است که قطره قطره بر زمین ببارد!

زیرا اگر چنین نبود بنی آدم هلاک می شدند، و اشجار و نباتات تلف می شدند، و آبادیها و بناها خراب می شدند.

و چگونه قطرات باران در اثر تصادم با باد و هوی بیکدیگر مخلوط نکردند! و چگونه نزول باران را برحسب احتیاجات در اوقاتی معین قرار داده است! و چگونه آن را برای هر عزیز و ذلیلی مباح مطلق قرار داده است!

زیرا که می داند که از مهم ترین ضروریات بشر است، و اگر چنین نبود ستمکاران با قدرت از محتاجان ضعیف ربوده، و هر دشمنی دشمن خود را از آن رانده، و در نتیجه امور دنیا فاسد گشته، و محرومان و ممنوعان از تشنگی هلاک می شدند.

پس در وقت آشامیدن آن آنچه را که برای تو ذکر کردم از رحمت و الطاف سید و مولای خود نسبت به توبه یادآور، و آن را منتی عظیم بدان، و با تمام قدرت و جدیت حمد و شکر حضرتش را به جای آور. (1)

ص: 199

## نشانه قدرت خدا در رابطه باران و نمک

بدان که هر چه در جهان هستی جز خدای تعالی، از آسمان و زمین و ما بین آنهاست و تمام موجوداتی که در آسمان و زمین وجود دارند همگی آفریده خدا است، و هر چه در جهان هستی از جوهر، و عرض وجود دارد، دارای بسی شگفتی هایی است، که نمایانگر حکمت، قدرت، جلال و عظمت خداست، و اینها غیر قابل شمارشند! زیرا اگر آب دریا برای نوشتن کلمات و مخلوقات خدا مرگب شود، پیش از اینکه کلمات پروردگار پایان یابد آب دریا پایان پذیرد، هر چند که همانند آن دریا را نیز بر آن بیفزاییم.

از جمله نشانه های قدرت او سنگ های گران قیمت و گوهرهایی است که در زیر کوه ها، و معدن های زمین به ودیعت نهاده است، در روی زمین قسمت های به هم پیوسته مختلفی وجود دارد، که به کوهها نگاه کن که چگونه گوهرهای گرانبه از طلا، نقره، فیروزه، لعل و دیگر چیزها از آنجا استخراج می کنند، بعضی از آنها مانند طلا و مس، سرب و آهن در کوره و زیر چکش ساخته می شوند و بعضی مانند فیروزه، و لعل نقش پذیر نیستند، حال چگونه خداوند انسان را به استخراج و

تصفیه و ساختن ظروف و وسایل و درم و دینار و زیور آلات رهبری کرده است.

و بعد به معادن زیر زمین از قبیل نفت، گوگرد، قیر و امثال اینها دقت کن، کمترین معدن نمک است که هیچ نیازی به آن نیست جز خوش خوراک ساختن غذا! در صورتی که اگر یک شهر این ماده معدنی را در اختیار نداشته باشد، هلاکت و نابودی مردم آنجا را فرا خواهد گرفت. به رحمت خدا نگاه کن که چگونه بعضی جاها را ذاتا نمکزار آفریده است؛ به طوری که آب زلال باران در آنجا جمع می شود پس از مدتی به نمک تلخ سوزان مبدل می شود که خوردن یک مثقال از آن ممکن نیست، و همین نمک را خداوند برای گوارایی غذایت آفریده است، تا غذا را گوارا میل کنی، و هیچ جماد، حیوان و گیاهی وجود ندارد مگر اینکه دارای حکمتی از جانب خداست، و هیچ کدام را بیهوده و بازیچه نیافریده است بلکه همه را به حق و روی حساب و به طور شایسته و در خور حکمت، لطف، جلال و کرمش آفریده است، و از این رو فرموده است: «ما آسمانها و زمین و آنچه ما بین آنهاست به بازیچه نیافریدیم»<sup>(1)</sup>

ص: 201

## زمین از باران سیر نمی شود

علی بن رثاب به واسطه زراره و یا غیر او از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که امام فرمودند:

چهار چیز از چهار چیز سیر نمی شود:

1- زمین از باران 2- زن از شوهر 3- چشم از دیدن 4- دانشمند از دانش. (1)

همچنین در روایتی دیگر است که :

هشت چیز از، هشت چیز سیر نشود:

1- چشم از نگاه 2- زمین از باران 3- زن از مرد - عالم از علم 5- گدا از سؤال 6- حریص از جمع کردن مال 7- دریا از آب 8- آتش از هیزم. (2)

باران و برداشتن کام نوزاد

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: کام فرزند، را با آب فرات و تربت قبر حسین (علیه السلام) بردارید، و اگر نبود به آب باران. (3)

ص: 202

---

1- من لا یحضره الفقیه ترجمه غفاری جلد 5 صفحه 280

2- نصابیج صفحه 280

3- مکارم الأخلاق ترجمه میر باقری جلد 1 صفحه 438

## فضیلت آب باران نیشان و کیفیت گرفتن و نوشیدن آن

✓ در المهج: به نقل از سندی تا ابن عمر روایتی آورده که می گوید:

ما نشسته بودیم و ناگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نزد ما آمد بر ما سلام کرد و ما پاسخ دادیم.

پیامبر فرمودند: آیا به شما داروئی نیاموزم که جبرئیل به من آموخته که نیاز به داروئی پزشکان نباشد.

حضرت علی (علیه السلام) و سلمان و دیگران گفتند: چرا یا رسول الله آن دارو چیست؟ پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به امام علی (علیه السلام) فرمودند:

از آب باران نیشان بگیر و بر آن، این آیات و سوره هاراهفتاد بار بخوان:

1- فاتحة الكتاب 2- آية الكرسي 3- سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ 4- سوره قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ 5- سوره قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ 6- سوره قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ

هفت روز پیپی بامداد و شام از آن آب بنوش.

ص: 203

پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: به حق آنکه مرا براستی به پیغمبری فرستاده که جبرئیل به من گفت: در این صورت از کسی که این آب را نوشیده و هر دردی در تنش باشد رفع شود و عافیت یابد، و درد از تن و استخوان و همه اندامش برود و از لوح محفوظ آن بلاها محو شوند.

بدان که مرا به راستی و درستی به پیغمبری فرستاده که جبرئیل گفت: اگر بی فرزند است و دوست دارد فرزند آرد و از آن آب بنوشد برایش فرزند شود، و اگر زن نازا باشد و از آن آب بنوشد، خدا روزیش دهد و فرزندش شود، و اگر مردی بی نیروی مردی باشد و عتین باشد و از آن آب بنوشد خدا او را رها کند و دردش برود و توانا بر مجامعت گردد، و اگر زنی دوست دارد به پسر آبستن شود به همان باردار شود و اگر دوست دارد به پسر و دختر آبستن شود به همان آبستن شود.

گواهِش از قرآن مجید است که فرموده :

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ (1)

ص: 204

«فرمانروایی آسمان ها و زمین از آن خداست؛ هرچه بخواهد می آفریند؛ به هر کس بخواهد فرزند دختر و به هر کس بخواهد فرزند پسر می دهد.»

و اگر سردرد دارد و از آن بنوشد بفرمان خدا سردردش برود و آرام شود، و اگر چشم درد دارد و از آن آب در چشمانش چکاند و از آن بنوشد و چشمانش را بشوید به فرمان خدا خوب شود، بیخ دندانها را سخت کند و دهن را خوشبو کند و لعاب بن دندانها را مانع شود و بلغم را ببرد، و چون خورد و نوشد ناگوار نباشد. و از باد فریاد نکند، و فلج نگردد و به درد پشت و دل دچار نگردد، و از زکام و درد دندان نگران نشود و از معده و کرم ننالد و دچار قولنج نشود. و نیاز به حجامت نیابد، و دچار ناسور(1) و خارش و آبله و دیوانگی و خوره و پیسی(2) و خون دماغ و قلس(3) نگردد، و کوری و

ص: 205

- 
- 1- ناسور: زخمی است چرکین و عفونی و دیر درمان که در گوشه چشم ها و مقعد به وجود می آید.
  - 2- پیسی : نوعی بیماری پوستی است.
  - 3- قلس : غذایی که از معده بالا بیاید و داخل دهان شود، و معمولاً به دلیل سوء هاضمه پیش می آید.



گنگی و لالی و کری و زمین گیری نبیند و دو چشمش آب سیاه نیاورند، و دردی نماز و روزه او را تباه نکند، و به وسوسه پری و دیو دچار نشود.

پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: جبرئیل گفت: کسی که از این آب نوشد به هر دردی که مردم دارند دچار باشد راستش که درمان همه آن دردها است، و جبرئیل به من گفت: به حق آنکه تو را به راستی فرستاده، هر که این آیات را بر این آب بخواند خدا دلش را پر از نور و روشنی سازد و در دلش الهام اندازد و حکمت به زبانش روان کند، و دلش را از فهم و بصیرت پر کند و مانند آن را به کسی از جهانیان نداده، و بفرستد بسوی او هزار آمرزش و هزار رحمت و غش و خیانت و غیبت و حسد و تجاوز و بخل و حرص و خشم را از دلش بیرون کند، و هم دشمنی و کینه و سخن چینی و بدگوئی مردم را و آن درمان هر درد است. [\(1\)](#)

ص: 206

✓ در روایت دیگر از پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آیات بیشتری برای خواندن به آب باران رسیده است که عبارت است از: چون 70 بار سوره انا انزلناه و 70 بار «الله اکبر» و «لا اله الا الله» و 70 «صلوات بر پیغمبر و آل او» بفرستند. (1)

✓ در روایت دیگر از امام صادق از پدرانش (علیهم السلام) است که: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

جبرئیل به من دارویی آموخت که با آن نیازمند پزشک نباشم، یکی از یارانش گفت: یا رسول الله دوست داریم که آن را به ما بیاموزی، فرمودند: باران نیشان را گیرند و 70 بار بر آن سوره «حمد» و «آیه الکرسی» و سوره «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» و «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» و «مَعُوذَتَيْنِ» و «اخلاص» را بخوانند و آنگاه 70 بار «لا اله الا الله» و «سبحان الله» و «الحمد لله» و «لا اله الا الله» و «الله اکبر» خوانند و آنگاه یک جرعه از آن در شام و یک جرعه در بامداد پی هم نوشند، پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: بدان که مرا براستی به

ص: 207

پیغمبری فرستاده که خدا دفع کند از کسی که این آب را نوشد هر درد و هر آزار که در تن او است، و دهانش خوشبو شود و بلغم را برد و چون بخورد و بنوشد ناگوار نباشند و بادهای باو آزار نرسانند و فلج نگیرد، و از درد پشت و شکم ننالند و نه از درد پرده درون و دچار سرسام (1) نشود و سردی و حصر البول از او ببرند و خارش و آبله و طاعون و خوره و پیسی نگیرد و چشمش آب سیاه نیاورد و دلش خاشع گردد و خدا هزار رحمت و هزار مغفرت به او فرستد، و از دلش انکار و شرک و عجب و کسالت و سستی و عداوت بیرون روند، و از همه رگهایش درد بدارید و درد او از صفحه لوح محفوظ محو شود و هر مردی خواهد زنش آبتن گردد و خدا به او فرزندی دهد، و اگر مردی زندانی است و از آن آب بنوشد خدا او را رها کند و به مرادش برسد، و اگر سر درد دارد آرام شود و هر درد او در تنش آرام گردد به فرمان خدا تعالی. (2)

ص: 208

---

1- التهاب و چرکی شدن مغز که معمولاً با هذیان و اختلال حواس همراه است.

2- آسمان و جهان ترجمه کتاب السماء و العالم بحار، جلد 10، صفحه 244

نیسان ماه هشتم از ماه های رومی است که از بیست و سوم فروردین شروع می شود و تا سی روز ادامه دارد.

بنابراین قسمت عمده ماه نیشان، مقارن اردیبهشت ماه است و کمی از آن در آخر ماه فروردین قرار دارد.

مرحوم شیخ عباس قمی (رحمة الله علیه) در مفاتیح الجنان می فرماید:

در این سال ها بعد از بیست و سه روز که از نوروز بگذرد تقریباً داخل نیشان ماه رومی می شوند و ماه نیشان سی روز است. [\(1\)](#)

ص: 209

1. من لا يحضره الفقيه
2. نزهة النواظر في ترجمة معدن الجواهر
3. منهاج النجاح في ترجمة مفتاح الفلاح
4. مكارم الاخلاق
5. فتنه و آشوب های آخر الزمان
6. مناقب الامام العلی (علیه السلام)
7. گلچین صدوق
8. مهج الدعوات
9. نهج الحق و كشف الصدق
10. نهج الخطابة
11. نهج الفصاحة نوادر راوندی
12. جهاد النفس وسائل السیعه
13. الصحیفة السجادیة
14. شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم
15. احتجاج ترجمه غفاری مازندرانی
16. احتجاج ترجمه جعفری
17. الآداب الدینیة للخرزانه المعینیة
18. چهل حدیث
19. ارشاد ترجمه رسولی محلاتی
20. ارشاد ترجمه ساعدی خراسانی

21. ارشاد القلوب ترجمه رضایی
22. اعتقادات شیخ صدوق
23. زندگی چهارده معصوم (علیهم السلام)
24. الفین
25. امالی شیخ صدوق ترجمه کمره ای
26. امالی شیخ مفید
27. آداب سفر در فرهنگ نیایش
28. الانصاف فی النص علی ائمة
29. آداب معاشرت ترجمه جلد 16 بحار
30. آداب سنن ترجمه 16 بحار
31. آسمان و جهان ترجمه السماء و العالم بحار
32. احتجاجات ترجمه جلد 4 بحار
33. اخلاق اسلامی ترجمه جلد 15 بحار
34. ایمان و کفر ترجمه الايمان والكفر بحار
35. بخش امامت ترجمه جلد 7 بحار
36. بنادر البحار
37. بحار الانوار ترجمه جلد 67-68
38. کتاب الروضة در مبانی اخلاق
39. مواظب امامان (علیهم السلام) جلد 17 بحار
40. زندگی امام حسن (علیه السلام)
41. زندگی امام حسین (علیه السلام)

42. زندگانی علی ابن موسی الرضا (علیه السلام)

43. زندگانی امام جعفر صادق (علیه السلام)

44. زندگانی امام موسی کاظم (علیه السلام)

45. زندگانی امام جواد و عسکریین (علیه السلام)

46. زندگانی حضرت زهرا (علیها السلام)

47. زندگانی امام سجاد و امام محمد باقر (علیهما السلام)

ص: 210

48. شیعه در پیشگاه قرآن و اهلیت (علیهم السلام)

49. مهدی موعود ترجمه جلد 13 بحار

50. ارشاد القلوب ترجمه سلگی

51. زندگانی حضرت زهرا (علیها السلام) ترجمه نجفی

52. غیبت نعمانی ترجمه غفاری

53. فضائل الشیعه

54. ادب حضور

55. قصص الانبیاء (قصص قرآن)

56. داستان پیامبران یا قصه های قرآن از آدم تا خاتم

57. بهشت کافی ترجمه روضه کافی

58. روضه کافی

59. درخشان پرتویی از اصول کافی

60. گزیده کافی

61. اصول کافی

62. کامل الزیارات

63. اسرار آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)

64. تاریخ سیاسی صدر اسلام

65. برنامه سعادت

66. کشف المحجبة یا فانوس

67. کشف الغمة

68. آینه یقین



69. کمال الدین ترجمه کمره ای
70. کمال الدین ترجمه پهلوان
71. گنجینه معارف شیعه
72. ره آورد خرد ترجمه تحف العقول
73. گل‌های جاویدان (هزار کلمه قصار)
74. گنج حکمت یا احادیث منظوم
75. آه‌های سوزان بر مزار شهیدان
76. معانی الاخبار ترجمه محمدی
77. لهوف ترجمه میر ابو طالبی
78. غم‌نامه کربلا
79. لهوف منظوم یا معراج المحبّة
80. در سوگ امیر آزادی گویاترین تاریخ کربلا
81. مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام
82. آرام بخش دل داغدیدگان
83. تسلیة العباد
84. اخبار و آثار حضرت امام رضا (علیه السلام)
85. مشکات الانوار ترجمه عطاردی
86. مشکات الانوار ترجمه هوشمند و محمدی
87. مصادقة الاخوان ترجمه خراسانی کاظمی
88. مصباح الشریعة
89. مصباح الشریعة ترجمه گیلانی

90. ارشاد القلوب ترجمه طباطبائی

91. پیام پیامبر

ص: 211

92. تحف العقول ترجمه حسن زاده
93. تحف العقول ترجمه جعفری
94. تحف العقول ترجمه جنتی
95. اسرار توحید
96. تحف العقول کمره ای
97. توحید مفضل ترجمه علامه مجلسی
98. شگفتیهای آفرینش
99. پاداش نیکی ها و کیفر گناهان
100. ثواب الاعمال
101. کاشف الاستار در ترجمه جامع الاخبار
102. الجواهر السنیه کلیات حدیث قدسی
103. الحدیث- روایات تربیتی
104. دفاع از تشیع بحث های کلامی شیخ مفید
105. الحکم الظاهر با ترجمه انصاری
106. الحیاة با ترجمه احمد آرام
107. جلوه های اعجاز معصومین (علیهم السلام)
108. خصال ترجمه مدرس گیلانی
109. الدرّة الباهرة من الاصداف الطاهرة
110. درر الاخبار
111. روضة الواعظین
112. سنن النبی

113. آداب سنن وروش پیامبر گرامی اسلام
114. شهاب الاخبار
115. شواهد التنزیل
116. سیمای امام علی (علیه السلام) درقرآن
117. صحیفه علویه
118. صفات الشیعه
119. طب الرضا - طب و بهداشت از امام رضا (علیه السلام)
120. الطرائف ترجمه داود الهامی
121. طرائف الحکم یا اندرزهای ممتاز
122. آئین بندگی و نیایش
123. آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز
124. علل الشرائع ترجمه ذهنی تهرانی
125. علل الشرائع ترجمه مسترحمی
126. عیون الاخبار الرضا ترجمه آقا نجفی
127. عیون الاخبار الرضا ترجمه غفاری و مستفید
128. نهج البلاغه ترجمه شهیدی
129. نهج البلاغه ترجمه دشتی
130. نصایح
131. فضائل پنج تن (علیهم السلام) در صحاح ششگانه اهل سنت
132. نبرد جمل
133. غیبت نعمانی ترجمه فهری

134. ثواب الاعمال ترجمه حسن زاده

135. ره یافتگان نوشته م.ع. عطائی

ص: 212

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

